تعلیم و تربیت اطفال در مدارس

دنباله رساله تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول «نخشبی»

طهران خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

از نشریات مؤسسه خاور

چاپخانه خاور تهران لاله‌زار

در مدارس

اینك اطفال ما با رعایت اصول تربیت خانــواده که در رساله اول این رشته بیان شـده حاضر و آماده رفتن بمدرسه هستند باید دید کدام مدرسه ؟ اصـول تعلیم و تربیت در این مدرسه چیست ؟ آیا وسائل حفظ الصحه در آن جمـع است ؟ کتب ابتدائی آن از روی یك قاعدهٔ صحیح است ؟ معلمین ان دارای معلومات معلمی هستند ؟ یا نه ؟ اگر این اسباب فراهم است زهی سعادت واسباب امید واری است اگرنیست چرا نیست آیا ممکن است فراهم کرد ؟ اگر امکان دارد ایا باید کوشید یا باید بطبیعت وا گذاشت که خود بخود فراهم گردد ؟

در قدم اول راه مدرسه بالطبع این سؤالات برای پدر و مادری که میخواهند اطفال آنها از روی اصول صحیح تعلیم و تربیت را فرا گیرند پیش خواهد امد . اگر تعلیم و تربیت اطفال از روی اصول صحیح مرتب و منظـم نیست امروز بر ان مملکت زار باید گریست .

قبل از اینکه این طفل ذکی و با هوش کنجکاو ما داخل مدرسه شود بهتر است یك تحقیقات جزئی هم از اوضاع و احوال مدرسه بشود شاید نواقصی در آن وجود نداشته باشد .

در اینجا هیچ مقصودی ندارم و هیچ مدرسهٔ بخصوص هم در نظر نیست بلکه میخواهم بطور کلی از حالت حاضرهٔ مدارس ایران صحبت بدارم گمان میکنم و شاید هم قریب بیقین باشد که درایران امروز بنائی نیست که مخصوص مدرسه ساخته شده باشد و در آن حفظ الصحه اطاق ها و فضای آن و مکان های

مخصوص تدریس و بازی و ورزش برای اطفال خوردسال از روی دقت رعایت شده باشد غالب بلکه تمام اینها خانه هائی است که شاید سی چهل سال قبل با سلیقه وقت ساخته شده و نظر به ارزانی یا علل دیگر آنها را برای مدرسه اجاره نموده و در آنها بیش از گنجایش مکان اطفال معصوم و بیگناه را جا داده اند وقتیکه انسان داخل یك چنین بنا ها میشود ازرنك وروی زرد و پریده و بی خون اطفال بدی و کثافت فضای آن محوطه محصور را حس میکنند و اگر درب یکی از اطاقهای درس را باز نموده و سری داخل اطاق کنند یك بوی زننده مشمئزی به مشامش میرسد که پناه بر خدا ـ این اطفال معصوم در چنین اطاقهای کثیف و کم فضا دارند تعلیم میگیرند.

اگر بخواهیم زینت و اثاثیه اطاق درس را تماشا کنیم آنهم یك درد بی درمانی خواهد شد در چنین اطاقی که قریب بیست طفل مشغول درس هستند زینت اطاق فقط عبارت از یك تخته سیاه کثیف چرك و بی رنك مندرس است که انسان ابداً مایل نیست دست به آن بزند واین تخته‌سیاه‌برای حل‌مسائل حساب یا نوشتن کلمات و عبارات است ـ نیمکت هائی که اطفال روی آن نشسته اند یك نوع تخته های کج و چولهٔ است که اعضاء لطیف اطفال معصوم را از نمو ورشد طبیعی باز میدارند.

این اطفال در چنین اطاقی با یك همچو اثاثیهٔ در مقابل یك شیخ یا یك آخوند که فشار زندگی قدش را کمان و اندوه زمانه موی سر و صورت را سفید و فکر تهیه وسایل معیشت خانواده حواسش را پریشان نموده ـ این اطفال با رنك های زرد

از تشدد معلم مغموم ، از اثر هوای اطاق کسل و خواب الود چشمهای لطیف طفلانه خود را نیم باز و بدون حرکت بروی معلم دوخته درس شرعیات را از کتاب خلاصة الاحکام تألیف آقای حجت گوش میکنند و بصفحه ۹٤ و ۹٥ رسیده انـد و معلم عبارات این صفحه را برای آنها شرح میدهد (۱)

این یك نمونه از اطاق درس و طریق تدریس اطفال معصوم است که تعلیم و تربیت آنها را خداوند متعال در ید قدرت ما گذاشته رشد و نمو و ترقی جسمی وروحی آنهارا بما سپرده است و وسایلی که برای اینمقصود ما تهیه نموده‌ایم از این قبیل است که در فوق اشاره شد .

اما کتب درس قبل‌از دوره تجدد تکلیف عارف وعامی معلوم بود مکاتب معین و کتب معلوم که طریق اصول تعلیم و تربیت هزار سال قبل باشد برای همه کس روشن بـود و میدانست که اول دفتر بنام خداوند جهان آفرین بسم‌الله‌الرحمن الرحیم هو الفتاح العلیم همان عمه جزو معروف است که هر مبتدی باید شروع کند وبخواند وبعد کلام‌الله مجید بعد کلستان ترسل و نصاب ـ صرف میر الی آخر واگر تا چهل پنجاه سال هم میخواست ماشاءالله دنباله علم دراز و میدان آن وسیع بود

(۱) تنها این کتاب نیست کتب دیگر نیز یافت میشوند که دارای این گونه الفاظ هستند مانند کتاب شرعیات نبوی تألیف سید جلال‌الدین طهرانی ص۷٤ که اگر وزارت معارف دقت کند یقیناً از نوشتن این الفاظ جلوگیری خواهد نمود بنظر من درج این نوع کلمات در کتب تدریسی آنهم برای شاگردان ابتدائی صلاح‌نباشد البته دانستن اینها واجب میشود ولی نه بر اطفال معصوم بلکه برای شاگردان مدارس متوسطه و بالاتر .

و معطلی نداشت و دستور معین مخصوص برای تمام طبقات تهیه و آماده شده بود .

ولی حال اینطور نیست دوره تجدد شروع گردیده آن بساط هزار ساله بنام تجدد بر چیده شد و بجای آن بساط نوین گستردند بچه مچه‌ها حروف لاتین را بجای زبان فرانسه یا روسی یا انگلیسی در کوچه و بازار شروع بحرف زدن نمودند باینطریق بنای فضل فروشی دروغی را گذاشته وجامعهٔ بی‌اطلاع و بی سواد را گول زدند خود را جامع علوم وفضایل که هیچ بهرهٔ از آن نداشتند نشان دادند و پیش‌آمد و حوادث دیگر که نتیجهٔ دسایس خارجی بود و ضعف دولت نیز جزو آنها محسوب میشود انقلاب مصنوعی را سبب شدند دراین گیرو دار اصول تعلیم و تربیت قدیم بکلی متروك شد و بجای آنهم یك اصول صحیحی گذاشته نشد هرج و مرج غریبی درترتیب تعلیم و تربیت حکمفرما گردید که هنوز هم دنبالهٔ آن باقی است و در این بین کتب درس بسیار که فقط منافع باعث پیدایش آنها گردیده است بوجود آمد که برای تعلیم وتربیت تودهٔ ایرانی که تشنهٔ تحصیل است کافی نیست وهیچ دردی‌هم از دردهای آنرا دوا نمیکنند

ممکن است نگارنده در اینجا مورد حمله متجددین یا نفرین خودمانیها بشود ولی برای توضیح مطالب فوق ناچارم بحاشیه بروم وقدری مقصود خودرا روشن تر بیان کنم .

تعیین طرق تعلیم وتربیت یك ملتی کار بسیار مشکلی است بخصوص که آن ملت هم یك ملت شرقی باشد مانند ملت

ایران . ملت ایران در قرنهای گذشته بعداز اسلام ازروی یك اصل معینی تربیت میشد و آن عبارت بود ازاصول دیانت و علم عبارت بود از فقه و اصول و مجموع اخبار واحادیث و علوم عقلی و نقلی بعبارت دیگر برای ایرانی دوپیشهٔ معین بیش نبود یا باید ملا وآخوند روحانی شود یا اینکه درسالك نظامیان و جزو عمال دولتی گردد پیشه اولی مستحسن و شغل بعدی تا اندازهٔ مکروه بود آنهم پیش علماء و باین ترتیب ایرانی قرنها امرار حیات نموده علاقهٔ آن نقط باسلام ومیل آن فقطبرای تحصیل علوم دینی بوده و بس و از تغییرات زمان و علوم و صنایع دیگر که دنیائی غیر از دنیای شرقی را دگر گون کرده بود بکلی بر کنار و خودرا در آغوش آنها کاملا محفوظ داشته بود ولی تمدن غربی آنرا راحت نگذاشت و خواهی نخواهی از صداهای غریو وولولهٔ اختراعات محیرالعقول صنعت واختراع و افکار و علوم بخود آمده چشمهای خود را باز نموده شروع کرد به خیره خیره نگاه کردن بدون اینکه حرکتی و جنبشی و تکانی بخود بدهد اینحالت نیز دوام نکرد صداهای رعد آسای توپهای وحشت انگیز دشمن از شمال و جنوب بطرف یکچنین ملتی وامانده از ترقی بشری غریدن آغاز کرد ازطرف شمال تا پشت دروازه طهران رسید و از جنوب بنادر خلیج فارس و محمره را اشغال نمودند اینها تازیانه‌هائی است که هرخفته‌را بیدار میکند ولی در خوابهای سنگین شرقی مؤثر نیست با وجود ایجاد اصول مشروطیت وگذشتن سالها از عمر آن هیچ جنبش محسوسی احساس نکردند فقط امیدواری بعصر فرخندهٔ

پهلوی است که یك جنبشهای ملی برای ترقي و سعادت وتهیه وسایل تعلیم و تربیت بطرز نوی انتظار میرود .

آنروزیکه روزنامهٔ ناهید نوشت « شاه درطویله » من آرزومند بودم یك روزی هم بشنوم و ببینم که همین روزنامه این عنوان را هم بنویسد (شاه در مدرسه) (۱) — باری از مطلب دور نرویم ایرانی درقرنهای گذشته بواسطهٔ علاقه مفرطی که بمذهب داشت جنبه‌های دیگر صفات پسندیده‌را متروك کرد موضوع ایرانی بودن فراموش شد کلمه مسلم‌را کافي میدانست حب اما کن متبرکه رکن مهم ایمان او را که عبارت از محبت و علاقه بوطن است فلج کرد عرب بیشتر مورد عنایت وترحم گردید تا ایرانی حتی عزاب آن نیز از بذل و بخشش های فراوان ما محروم نماندند (۲)

وقتی که احوال بدین منوال باشد آن زنجیر های غیر

---

(۱) اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی علاقه مخصوص راجع بتعلیم وتربیت ملی دارند نمونه آن ایجاد مدرسه نظامی است که انسان مفتون طرز تعلیم و تربیت و ترقی آنها است چقدرمؤثر می بود اگر عواطف ملوکانه شامل حال سایر مدارس نیز میگردیدفقط درسایهٔ توجه‌شاهانه است که‌اوضاع‌مندرس‌مدارس بطرز نیکی مبدل شود و کتاب‌دروس مخصوص که مناسب اریحیه ملی ایرانی باشد وزارت معارف تهیه کند ر ۰ ن

(۲) من مکرر فکر کرده‌ام که این موضوع را یك وقتی در جرایدطرح کنم آیا خرابی عرب و مضار آن در ایران بیش بود یا اثرات فتنه مغول — اطلاعات من در این موضوع محدود است و مایلم قدری زیاد شود تا بتوانم طرح کنم تا حدی که اطلاع دارم اقرار میکنم که ناقص است در صفات غیر پسندیده بهرهٔ عرب کمتر از سهم مغول نبوده و اعتبار عرب فقط بوجود پیغمبر اکرم و ائمه اطهار است اگر اینهارا هم نداشتند هیچ قومی در وحشیگری بپای انها نمی رسید ر ۰ ن

مرئی که اسباب و وسایل ارتباط و وحـدت یك ملت است از
بین میرود صفات نیك و پسندیده زعماء قوم و پیشروان ملت و
پهلوانان و خدمتگذاران و خادمان حقیقی آن فراموش میشود
روح وطن پرستی و ملت دوستی علاقـه به آثار و یادکار های
تاریخی ملی معدوم میشود این است که چراغ حیات سیاسی و
اجتماعی آن در مقابل کوچکترین باد حوادث خاموش میگـردد
حس سیادت و حکمرانی و روح استقلال طلبی صفات حمیـده
شجاعت و رشادت و پهلوانی محو میشود یك عده مفلوك پریشان
بی علم و بی سواد بی اطلاع وبی خبر ازگذشته درخشان ملت
و وطن خود که فاقد استقلال سیاسی و مالی و اقتصادی خلاصه
گرفتار انواع و اقسام محن و مصائب ارضی و سماوی است بنام
ملت باستانی برای نمونه باقی میمانند.

بعقیده علماءاجتماع هیچ ملتی فنا پذیر نیست و میتوان
هزاران شاهد و دلیل اورد که بسا ملل روی زمین که یکوقتی
عروس زیبای ترقی و سعادت را در اغوش داشتند و اسباب حقد
و حسد همسایگان دور و نزدیك بودند بواسطـه عللی که ایراد
آنها در اینمورد مارا ازمقصود دور میکند بسافل ترین حد تنزل
رسیده باز بوسیله اسباب و وسایل معین و مخصوص که در پیش
هر خواننده تاریخ روشن است باوج عزت و ترقی رسیده مقام
اولی خود را احراز نموده اند مخصوصاً تاریخ دو هزار و پانصد
سالهٔ ما شواهد بسیار دارد که بواسطهٔ جلوگیری از طول کلام
از ذکر انها صرف نظر میکنیم فقط یك قانون کلي را در اینجا
بدست میدهم که سایر قسمتها را از روی ان قیاس کنید

وقتی که یکسلسله از پادشاهان از بین رفت و سلسلهٔ تازه روی کار آمد بواسطه هوش و ذکاوت و مال اندیشی و شجاعت و رشادت پادشاهان اول و دوم شاید سوم و چهارم آن سلسله تازه یك رونق و جنبشی در میان آن ملت پیدا میشود مخصوصاً در شرق که سکنهٔ آن فوق‌العاده (۱) شاه‌پرست صمیمی و مطیع هستند صفات نیك و پسندیده و خصال حمیدهٔ این نوع سلاطین در ملت مؤثر میشود بحکم طبیعت از شاه خود تقلید خواهند نمود وصفات و خصال پادشاه تأثیری عمیق در ملت خواهد کرد ولی همینکه وجود این قبیل سلاطین بمرور که آنهم یك قانون آهنین مخصوص را داراست و جای گفتار آن نیز دراینجا نیست ازبین رفت پادشاهان دیگر ضعیف‌ـ النفس نالایق وبی اراده لاابالی صاحب تخت وتاج شدند بجای آن صفات وخصال نیکوصفات ناپسندیده‌را اختیار کردندملت‌نیزبحکم اجبار آن صفات وخصائل ممدوحه پادشاهان گذشته‌را فراموش کرده با اخلاق این نوع سلاطین عادت و خو خواهند گرفت چنانکه معروف است الناس علی دین ملوکهم .

در شرق وآسیا که سهل است در اروپا و نقاط دیگر نیز عادت بر این جاری بوده و سیر نمو و رشد و تاریخ بشر همین رانشان میدهد منتهی در سایر نقاط‌مخصوصاًدر اروپاقرنها است بمفاسد آن پی برده و چاره را فهمیده اند و حال سعی میکنند که نظایر پیدا نکند ولی این احوال هنوز هم که هست در ممالك

(۱) چه فرمان یزدان چه فرمان شاه — ایضاً — اگر خود روز را گوید شب است این — بباید گفت اینك ماه و پروین

شرقی جاری است (۱)

تا اندازهٔ روشن شد که ترقي و تنزل یك ملت تا حدی مربوط به چیست ترقی بدون اسباب ممکن نیست تنزل نیزبدون علل معین قابل امکان نمیشود ملل نیز در تحت تأثیرات اینعوامل ترقی و تنزل مینمایند.

اینك ما میخواهیم ایرانی را با صفات نیك و پسندیده و آداب و عادات و خصائل ممدوحهٔ علماء و ادباء و پیشروان و خدمتگذاران گذشتهٔ او تعلیم و تربیت کنیم و او را با آن صفات و اخلاق مخصوص ایرانی که در هر جا و مکان بواسطهٔ آن صفات و خصائل اورا بشناسند و از آداب و اخلاق وشئون ملی او را تمیز بدهند که ایرانی است پرورش دهیم و تا این اصول در کتب دروس او داخل نشوند گرفتن یك چنین نتیجه غیر ممکن است.

باز ساده تر و روشن تر عرض میکنم تا یك ملتی روی اریحیه ملی مخصوص آداب محیط رسوم و شئون اخبار واحادیث افسانه و قصه های ادوار پهلوانی و تاریخی و در عادات و رفتار و گفتار و کردار نیك و پسندیده و ممدوحهٔ بزرکان وپیشروان و علماء و فلاسفه سلاطین و وزراء و جان بازان در راه ملت و

---

(۱) مخصوصاً خواننده را بکتاب ذیل که درسال ۱۹۲۶ در لندن چاپ شده آشنا میکنم این کتاب عقاید وافکار علماء سیاست را اززمان افلاطون تاامروز شرح داده بنظر نگارنده یکی از کتب مفیدی است که علاقه مندان به ترقی آتیه ایران آنرا باید ترجمه نموده در دسترس عمومی بگذارند:

the History of Political science From Plato tothe Present By Robert H. murray. Soudon

مملکت تعلیم نشوند تربیت نشوند عالـم نشوند بصیر نشوند بزرك نشوند علاقه مند نشونـد غیر ممکن است که بترقی و سعادت ـ دوام و بقای آن ملت بطور آزاد و مستقل و با فکر سیاسی و اجتماعی مخصوص بخود بملت خود و وطن خود امیدوار ومطمئن باشند (۱) مقصود من این نوع کتب تدریسی است اگر هست و بوجود آمده و در مدارس تدریس میشود نشان بدهید وبگوئید کدامها هستند کی نوشته و چه نوشته آن علماء و آن فضلا آن بزرکان و آن سلاطین عادل با نام و نشان ملی چه کسانی هستند و سوانح برجسته دوره زندکانی آن در کدام یك از این کتابها مندرج است ؟ چه کسانی آنها را تمیز داده اند و جمع کرده اند و آنها را برای اطفال تهیه نموده انـد ؟ اگر تمام اینها انجام شده زهـی سعادت نه تنها من بلکه تمام علاقه مندان بترقی درخشان آتیه ملت ایران باید از شوق و ذوق سر افتخار به ـ آسمان سانید .

شما بروید کتب ابتدائـی یك ملت زنده را بر دارید و مطالعه کنید خواهید دید در این کتابها کهبرای اطفال هفت‌هشت ده ساله تهیه شده چه چیزها کنجانده اند آداب واخلاق ملی عادات رسوم و شئون پسندیده که در میان آن ملت جاری‌است

(۱) من از تشخیص فریاد های مبشرین صلح در میان بشر عاجزم تصور میکنم این صداها از حلقوم شیاطین و کمراه کنندکان انسان بیرون میاید این سرو صداها در میان مللی زیاد است که بیشتر اسباب جنك وجدال رابین‌ممالك فراهم میاورند من موقع دیگر خواهم داشت که در این باب بیشتر صحبت کنم حال بهمین اندازه قناعت میکنم که ایرانی باید روی اریحیه‌ملی مخصوص بخود تربیت شود و هم روی علم و اطلاع و اختراع و صنعت دنیای مترقی تعلیم شود

گفتار مختصر و مفید بزرگان و علماء آن ملت وظیفه را که آنها برای وطن و ملت انجام داده اند قربانی هائی که این قبیل اشخاص در راه وطن داده اند و جانفشانی هائیکه این اشخاص برای ترقی و سعادت ملت نموده اند، قسمتهای وطنشان که از دست آنها رفته است و علت آن و شکست هائیکه از ملل در جنگها بر آنها وارد آمده فتوحاتیکه نصیبشان شده نویسنده‌های معروف آنها در رشته های مختلف شعراء آنها سیاسیون آنها سهو و خطا های آنها فتح و مظفریتهای آنها و هزاران مطالب و موضوع های دیگر که راجع بتاریخ ملت و وطن آنها است.

وقتیکه طفل دروس مقدماتی را تمام میکند بسیاست — بدوست و دشمن — تاریخ — ادبیات — عادات — رسوم وشئون خلاصه بتمام رشته های سیاسی و اجتماعی و خیر و شر و صلاح و مضار ملت و وطن خود مطلع میشود حال شما درمدارس خودتان چنین کتبی را دارید اگر دارید چه بهتر و اگر ندارید خجالت نیست؟

اگر ملتیرا میخواهید تربیت کنید و انرا بوطن و ملت و آداب و رسوم و تاریخ و اخبار و احادیث و سنن و مذهب و آنچه راجع بوطن و ملت است اشنا کنید و انرا شیفته ومفتون و علاقه مند و فدا کار و جانباز نسبت بتمام شئونات ملی بکنید باید بوسیلهٔ اینگونه کتب در مدارس تعلیم دهید اما کی وچه کسانی تعلیم بدهند این نیز یك موضوع جدا کانه است — برویم سر اینموضوع.

از هر نقطه نظر بگیرید اهمیت معلم در تعلیم و تدریس بیش از تمام اسباب تعلیـم و تربیت است فقط در سایه معلمین ماهر با اطلاع و با اخلاق و علاقه مند است که اطفال یك مملکت برای مبارزه حیات آماده میشوند.

گویا در این مملکت یك قانون کلی است که اصلا ابدا و مقیاس وجود نداشته باشد این یك بلائی است که در این مملکت از سالیان دراز پیدا شده و هر کس هر ادعائی میکند کسی در مقابل نیست که با او معارضه نماید هر علـم و هر دانش و هر معجزهٔ را در بارهٔ خود قائل میشود و مدعی انجام آن نیزمیگردد ولی در عمل هیچوقت دیده نشده از قوه بفعل آورد زیرا کسی پیدا نشده تمیز بدهد این شخص چه میگوید و چه میداند وچه میتواند بکند و از اینجا است که عمر ملل شرقي باحرف شروع شده با حرف هم خاتمه پیدا میکنـد و در عمل در همان نقطه هیچ یا صفر که بوده هست و خواهد بود چه میشود کرد؟

بیش از این قسمت ندارند در هر مملکتی برای هر کاری و هر شغلي یك مقیاس وجود دارد مدعیان ان شغل و عمل را با آن مقیاس اندازه میگیرند اگر بان مقیاس در امد که مطلوب حاصل است و اگر عکس ان مشاهده شد دیگر یك چنین مدعی جرئت ادعای بیجا نخواهد نمود.

یك خیاط باید فن خیاطی را بداند تا اینکه ادعا کند یك ساعت ساز و یك کفاش و هزاران استادان رشته های دیگر کسب و صنعت باید معلومات رشتهٔ خودرا بدانند و دارا باشند تا اینکه بتوانند امرار معاش نمایند و برای تمام اینها مقیاسهای

مخصوصي وجود دارد و فرق نمیکنند در مملکت های مترقی غیر از ممالك شرق بدون مقیاس معین هر شغل کسی را مصدر کار نمیکنند باید در آن رشته و فن و شغل بخصوص مهارت داشته باشد و عملا امتحان داده باشد و الا غیر ممکن است که کسی با علوم و فنون مادرزادی مصدر امور مهمه و غیر مهمه گردد .

در ایران چون هیچوقت مقیاسي در کار نبوده هر کس هر ادعائی نموده و مصدر هر کاری شده است کسی متعرض او نشده و از اعمال خوب یا بد او کسی انتقاد نکرده است فرض کنید فردا در ایران مقیاس برای هر صاحب امری بر قرارشود مثلا برای وکالت مجلس قائل شوند که فقط تاریخ مملکت ایران با شمردن علل انحطاط آن وکیل امتحان داده و مطابق این موضوع رأی آخری را در صلاحیت آن وکیل بگیرند و اجازه ورود بمجلس بدهند که دوسال مقدرات یك ملت و مملکتی چنین را عهده دار شود مشروط بر اینکه ممتحنین فلسفه حافظ شیرازی را (١) پیروی نکنند آنوقت خواهید دید ده یك وکلای مجلس از دادن این امتحان عاجز بلکه هیچ حاضر نخواهند بود که داوطلب یك چنین وکالتي بشوند .

در ممالکیکه آب وهوا و حکومت مذهب آسیا در آنها دخالت نداشته ممکن نیست یکنفر وزیر بمقام وزارت یك وزارتخانه برسد که تاریخ ـ ادبیات و آداب و شئون و علل تنزل واسباب ترقی و منابع ثروت و اصول اساسي اقتصاد وطن خودرا تحصیل کرده باشد و مخصوصاً از سیاست دیگران نسبت بوطن خویش و

(١) با دوستان مروت با دشمنان مدارا

سیاست وطنش نسبت بممالك همجوار و دول دور ونزدیك بخصوص از سیاست سیصد سالهٔ اخیر دنیای امروز که اثرات همان سیاست سیصد سالهٔ گذشته اروپاست که ملل متمدن دنیارا مانند گرگهای گرسنه بجان یکدیگر انداخته است .

ملاحظه میکنید اگر یك چنین مقیاسهائی در این مملکت پیدا شود و اشخاص از روی لیاقت و استعداد شغل های مهم ملی و دولتی را عهده دار شوند نودو پنج در صد معایب موجوده این مملکت از میان خواهد رفت .

معلم نیز از همین قبیل است برای آن نیز باید مقیاس قائل شد و داو طلبان این فن شریف را با آن مقیاس اندازه گرفت اگر باندازه در آمد چه بهتر ایران بهشت است و اگر کوتاه شد آنوقت باید فکر اساسی کرد زیرا فرصت ندارید بامیدتربیت معلم هم بنشینید از میان ملت ایران بمرور زمان شاید یك قرن دیگر این قبیل معلمین رشد و نمو کرده بعرصهٔ وجود آیندو یك نقص مهمو بزرك اصول تعلیمو تربیت ملت ایرانرا اصلاح کنند.

من در جای دیگر علل انحطاط و اسباب ترقي ایرانی‌را مفصلا شرح خواهم داد اینك در اینجا از نکارش این داستان غم انگیز که فوق العاده در خاطر من حزن آور است صرف نظر میکنم فقط مایلم یك اشاره مختصری بمقصود خود بکنم و ان این است .

وقتی که انسان یعنی یك ایرانی مفتون وطن و ملت خویش بتاریخ ـ ادبیات و اخبار و احادیث قواعد و سنن مذهبی اخلاقی و فلسفی که من حیث المجموع زائیده فکر و قریحه

ایرانی است نظر میکند مات و مبهوت میماند که با وجود تمام این اصول تعلیمات مذهبی ـ اخلاقی و فلسفی که در امتداد بیست و پنج قرن متوالی بوجود امده و روی هم انباشته شده و در کتب بی شمار جمع شده است و کمتر ملتی میتواند مانند ملت ایران بداشتن آنها افتخار کند و اینها هستند که اساس خلل ناپذیر دوام و بقای وحدت و یکانگی یك ملتی را تأمین و بر قرار میکنند چرا از اینها یك اصول تعلیم و تربیت صحیح که مناسبت با اخلاق و عادات و اریحیهٔ ایرانی باشد اتخاذ نشده و گذاشته اند دیگران از گفتار و کردار و افکار زعماء ایرانی درس پند و اندرز گرفته خود آنها در حال فقر ادبی و پریشانی معارفی و در هم و بر همی زندگانی بسر برند و انگشت نمای خاص و عام گردند اگر نداشت چندان مایهٔ تأسف نبود.

در هر حال از اینموضوع میگذریم و صحبت آنرا بموقع دیگر میگذاریم عجالة مذاکره درموضوع مقیاس یکنفر معلم است و باید آنرا تعیین نمود اگر مثل سابق عمامه ـ ریش و نعلین است این چندان اشکال ندارد و همه کس میتواند باین لباس درآمده این ادعارا بکند و اگر فکل و دستمال گردن ـ نیم تنه و کفش و پوتین فرنگی است آن نیز آسان است و معطلی ندارد زود میشود باین شکل در آمد و خود را جامع علوم فرنگستان معرفی نمود بنظر من این دومقیاس مدتها است امتحان شده و نتایج آن اطفال مدارس گذشته است که مردان امروزی هستند و شاید چندی بعدهم نمونه بی‌شماری از آنها داشته باشیم من مایلم یك مقیاس دیگر قائل شویم و اگر با من هم عقیده

شدید ضرر ندارد آنرا قبول و اجرا کنید اگر هم موافق نیستید بفرمائید بامان خدا مرا بخیر تو امید نیست شر مرسان

من میخواهم قائل شوم که برای مدارس ابتدائی نسخه ذیل را مقیاس قرار بدهید و جدی وثابت و محکم باشید که حتماً معلمین این طبقه این مقیاس را بمعنی تام و تمام دارا باشند .

اول ـ خلق خوش و قیافه خندان ـ زبان نرم و ملایم و آرام ـ بردبار دارای طبیعتی که از هیچ ناملایمی عصبانی نشود.

دوم ـ صاحب فضل و کمال و ادب و آشنا بتاریخ ادبیات عادات و رسوم ملی و آگاه از اوضاع تعلیم و تربیت امروزی ملل متمدن .

سوم ـ آشنا بقواعد حفظ‌الصحه تشریح فیزیولوژی و اصول ورزش .

چهارم ـ آشنا بقوانین طبیعت و اثرات و تجلیات آنها .

بنظر نگارنده این صفات و معلومات چهار گانه برای معلمین مدارس ابتدائی کافی است و بدون ملاحظه و طرفداری از احدی باید معلمین این مدارس را از میان تحصیل کرده‌های ایرانی که دارای صفات و معلومات فوق باشند انتخاب نمود و اطفال معصوم وبی گناه را بدست آنها داد تا تعلیم دهند

علاوه برصفات فوق باید دقت نمود که این معلمین گرفتاری داخلی و خارجی نداشته باشند و اگر خدای نکرده گرفتار یك چنین مصائبی باشند این وظیفه شریف را که عبارت

از تعلیم و تربیت ابنای یك ملت است نخواهند توانست انجام دهند تعلیم اطفال حواس جمع و خاطر آسوده و خیال راحت میخواهد با گرفتاری زن و فرزند یافکر معاش روزانه که در صد نود ونه نوع ایرانی گرفتار این مصیبت است ممکن نیست معلم بتواند اجرای وظیفه کند.

گمان میکنم چندان احتیاج نباشد در باب صفات چهار گانه فوق توضیحات مفصل تری بدهم ولی همینقدر اشاره میکنم که مقصود من چیست.

اول معلم باید خوش خلق و خوش زبان و قیافه خندان داشته باشد تااطفال خورد سال بتوانند مفتون و مجذوب سیمای نیك معلم خود بشوند اگر جز این باشد اطفال ترسان ولرزان و جرئت سؤال نخواهند داشت باید معلم طوری بااطفال رفتار کند که اورا مانند یك هم بازی عاقل و دانا تصور کنند که برای راهنمائي و کمك و آسان کردن مشکلات درس آنهاست نه برای تنبیه یاسیاست یادرشت خوئی و تندی - من معایب تند خوئی والدین را در رساله اول بیان نموده ام و دراینجا موقع است یك اشاره نیز بزشت خوئی معلم بکنم شاید اگر این عادت بدهم درمدارس ماوجود دارد برطرف شود.

بطور کلی باید بدانید اذهان اطفال درتحت تأثیر خلق بد کسل و پژمرده و غیر حساس میشود برعکس درتحت تأثیرخلق خوش زیرك روشن و حساس میشود خشونت از هر قوهٔ طفل میکاهد ولی شیرین زبانی و ملایمت برجرئت وحس کنجکاوی

او میافزاید .

اگر اطفال بطور آزاد و درتحت تأثیر معلمین خوش خلق و شیرین زبان تعلیم و ترمیت بشوند درآتیه مردان ازادومستقل و باجرئت و شهامت خواهند شد مشروط براینکه درجامعه نیز آزاد بار بیایند تنها خانواده ـ مدرسه اطفال را آزاد و با عزم و اراده و مستقل‌الفکر بار بیاورند کافی نیست هرچه در محیط و جامعه است آنها نیز باید متناسب باحیط خانواده‌و مدرسه باشند آزادی کامل درآغوش پدر و مادر و آزادی تعلیم و تربیت‌در تحت توجهات معلمین دانشمند و وطن پرست محتاج بازادی محیط در جامعه و در قلمرو قانون آزادی خواهد بود و الا تا اصل درست نشده فرع موضوع نخواهد داشت .

در هر صورت نیکی خلق و روشنی فکر و قیافه خندان معلم تأثیر مهمی در اخلاق اطفال دارد و حتماً معلم بایددارای این صفات باشد و الا اطفال آنطوری که باید تربیت و تعلیم شوند نخواهند شد.

دوم موضوع فضل و کمال و ادب و سایر معلومات است که باید معلم دارا باشد این نکته بخصوص را تذکر بدهم که‌مقصود عمده نکارنده اینکه اطفال‌ایرانی خلقاًباید روی‌اریحیه ملی تربیت بشوند آنهم محتاج باین است که‌معلم بتمام صفات پسندیده‌ایرانی آشنا باشد تاریخ بزرکان ملت خود را خوب بداند قصص و افسانه های راجعه بانهارا خوب بداند و در موقع مناسب و بجا آنهارا برای اطفال بیان کنند و آنها را بجزئیات حیات بزرکان

خود آشنا نماید زیرا که این قبیل افسانه ها در این سن در اطفال تأثیری فوق العاده خواهد نمود و آنها را به تقلید از اعمال نیك آنها وادار خواهد نمود ممکن بلکه حتمی است که در آتیه آن اطفال سعی نمایند اعمال بزرکان ملت خودرا تقلید کننده خودشانرا مانند آنها بجامعه معرفی نمایند.

گفتیم صفت سوم معلم آشنا بودن او بقواعد حفظ الصحه تشریح و فیزیولوژی و اصول ورزش است.

معلم باید بداند جسم طفل چقدر لطیف و چـه اندازه استعداد گرفتن ناخوشیها را داراست درینصورت معلم باید قواعد حفظ الصحه را بداند که اطفال را از آلودگی بان چیز هائی که تولید مرض میکنند نکاهداری نماید محل و مکان درس و بازی را کاملا تمیز و نظیف نکاهدارد باید تشریح بداند و مواظب باشد که صدمهٔ از اطفال دیگر وارد نیاید و هر استخوان یاعضو را بشناسد که اگر خدای نکرده آسیبی بیکی از آنها برسد تا طبیب برسد بداند چه کنند.

موضوع دیگر در این قسمت دانستن فیزیولوژی است یعنی دانستن عمـل هر عضو از اعضاء بدن و مواظبت او که فشار یا اذیت باعضاء اطفال وارد نشود من در اینموضوع اطلاعات زیادی دارم و خطاهای معلمین بسیاری را خوانده ام که بواسطه‌ندانستن این قسمت از تشریح اطفال معصوم گرفتار چه نوع مصائب شده انـد که تا آخر عمر اسباب رنج و تعب آنها گردیده وحیات خورسند آنها را دچار غم و اندوه نموده اند فقط بواسطه عدم

اطلاع . موضوع ورزش اطفال کوچك نیز از واجباتست معلم باید بداند چه نوع ورزشها را در چه‌موقع روز باطفال تعلیم‌دهد و آنها را بورزش اعضاء بدن خودشان وادارد معلم نیز بایدخود مانند یکی از آن اطفال داخل میدان ورزش شده با آنهاورزش کنند و آنها را تشویق نماید که ورزشهای بچه گانه را بخوبی انجام دهند نگارنده مکرر دیده ام که معلمین مدارس ابتدائی در اروپا و امریکا خودشان مانند اطفال یعنی مثل یکی از آنهادر میدان بازی با آنها مشغول ورزش هستند من اطمینان می دهم اگر معلمین ایران نیز این تقلید را بکنند بهیچ وجه از اعتبار آنها کاسته نخواهد شد بلکه باعتبار آنها خواهد افزود در جامعه زحمات آنها بیشتر قدر دانی شده حس احترام عمومی نسبت‌بایشان زیاد تر خواهد شد

صفت اخیر معلم که در آن مقیاس معلم ما ذکر شده عبارت از دانستن قوانین طبیعت و تمیز اثرات و تجلیات آنهاست برای معلمین مدارس ابتدائی این قسمت از معلومات معلم بنظر نگارنده از واجبات است چه از هر تغییر جزئی که در اطراف اطفال ذکی و با هوش این عصر ظاهر میشود فوری حس کنج کاوی آنها آنها را وارد بسؤال میکند در این هنگامست که‌باید معلم این اطفال عالم بعلوم طبیعی باشد که بتواند آنها را برای اطفال شرح دهد .

دراینجا لازم‌است‌یك حکایت کوچك‌را به آقایان‌خواننده‌گان حکایت کنم - در یکی ازمسافرتها در یك شهری یکی ازدوستان

مرا بدیدن مدرسهٔ هدایت کرد بعد از تماشای اطاق های درس در یکی از آنها دوست من رو کرده بمن اشاره نمود یك سؤال از شاگردان بکنم ـ در نتیجه یك باران مختصری یك قوس و قزح شفافی در قسمت جنوب شرقی پیدا شده بود و خوب نمایان بود بیکی از شاگردان گفتم میتواند آن نیم دایره را که در افق پیدا شده و دارای چندین رنك فرح انگیز است برای من بیان کنی چیست جواب نداد سایرین نیز همینطـور من پر روئی کردم و از معلم خواهش نمودم او بیان کند جواباً اظهار کرد اختیار دارید پر معلـوم است .... عوض او رفیق من خجالت کشید.

بنظر من این معلومات حل دیگر خیلی بازاری شده شاید همه کس امروز هزاران نوع آنرا بدانند محتاج بتأکید نیست در هر صورت بعقیدهٔ من باید جزء مقیاس باشد و هر معلمی که از این مقیاس که دارای صفات چهارگانه است کوتاه بیاید هیچ صلاح نباشد که نام شریف معلمیرا روی خود بگذارد.

حفظ الصحه اطفال در مدارس

گویا هیچ منکر نداشته باشد که هر کس تا روز آخر زندگانی خود محتاج باین است که از ناخوشیهای مسری و غیر مسری خود را محفوظ دارد حب حیات یکی ازقوانین آهنین طبیعت است که بشر هر قدر عاجز پریشان علیل و ناقص البنیه باشـد باز مایل است بهر وسیلهٔ که شده بحیات خود ادامه دهـد و

چندی هم بهر شکل میخواهد باشد در دنیا زنده بماند اما باید این را خوب در خاطر داشت که زندگی طبیعی درصحت مزاج است و اگر عضوی از اعضاء انسان گرفتار درد و الم باشدراحتی برای سایر اعضاء باقی نمیماند صحت مزاج خود یکی از نعمات خداوندی است که در دنیا باهیچ چیزی ولو هر قدر ذی قیمت باشد نمیتوان مقایسه کرد بعقیده من یکی از علل وجود روح بد بینی در میان ملل شرقی همانا کسالت مزاجی آنهاست که آنها را بدنیا و کائنات بد بین نموده است انسان سالم و تندرست همیشه خوش و خرم است انسان علیل المزاج دائماً گرفتار غم و اندوه است سیمای گرفته شرقی و حالت حزن انگیز او در اثر عدم رعایت اصول حفظ الصحه است که باو نگفته اند وتعلیم نداده اند و او را بقوانین آن آشنا نکرده اند و اگر دانسته بود یقیناً تا حال اثرات نیك خودرا بخشیده بود جزو سایر مفاسداجتماعی شرق این نیز یکی از علل فساد روحی و جسمیست که ملل شرق را گرفتار نموده است من در قسمت سوم در تحت عنوان تربیت اجتماعی در جامعه باین موضوع و سایر موضوعات که راجع باین قسمت است مفصلا و مشروحاً بیان خواهم نمود و اینك از این قسمت میگذرم داخل در موضوع حفظ الصحه اطفال در مدرسه میشوم

اگر آن پدر و مادری که در رساله اول اشاره‌شده نصیب اطفال وطن ما گردیده دیگر احتیاج بشرح و بسط نیست زیرا آنچنان پدران و مادرانی یقیناً در جامعه اعمال نفوذ کرده ویك

محیط مناسب فکر و سلیقه خود ایجاد نموده اند چه مؤسسات علمی و ادبی و سیاسی و اقتصادی و هزاران مؤسسات دیگر که برای یك ملت متمدن و آبرومند لازم است خوبی و بدی مفید و غیر مفید بودن اینها تماماً بسته بخود آن ملت است اگر رشد و تمیز آن تا حدی است که خیر و شر خود را تمیز می دهد بدون شك یك مؤسسات سود مندی بوجود خواهند آورد و الا هر چه از این قبیل مؤسسات با عناوین زیبا و قشنك ایجاد کنند درست متناسب با روحیات خود آن ملت خواهد بود و بس – در هر حال این رشته نیز سر دراز دارد.

باید مواظب بود که طفل قبل از رفتن بمدرسه صبح یك غذای کم و سادهٔ بخورد اگر چیز زیاد میسر نیست اقلا یك فنجان شیر با قدری نان باید بخورد و الا بنیهٔ آن طفل روبضعف خواهد گذاشت و آن طفل دیگر نمو و رشد نخواهد کرد اقلا یك تخم مرغ یا قدری نان و کره و یك فنجان شیر از لوازم روزانه زندگی طفل است و اگر نخورد نمیتواند وظایف مدرسه‌را انجام دهد و از رشد و نمو بدنی باز خواهد ماند

چندی قبل در امریکا بمفاسد اینکار پی بردند و دیدند ضرر آن در اطفال چقدر مؤثر است و مفتشین مخصوص گماشتند که اطفال‌را در وقت ورود بمدرسه امتحان نمایند و دقتهای لازمه را نمودند هر طفلیکه صبحانه صرف نکرده برای او تهیه نمودند و پدران و مادران اطفال را مجبور نمودند که‌مواظب باشند تا طفل صبحانه صرف نکرده عازم مدرسه نشود در هر صورت پدر و

مخصوصاً مادر باید مواظب باشند و برای طفل غذای صبحانه تهیه نموده باو بدهند؛ لباس اطفال خورد سال مدرسه هر قدر سبك و راحت و نرم از پارچه پشمی باشد بهتر است چون اعضاء طفل مستعد نمو و رشد است اگر لباس تنگ باشد از حرکت و ورزش اعضاء ممانعت میکند و طفل را از حرکت و بازی باز میدارد و صحت مزاج و تندرستی اطفال در ورزش روزانهٔ اعضاء جسم آنها است هر قدر لباس آنها حرکت اعضاء آنها را آزاد تر بگذارد بهمان میزان اطفال در بازی راحت خواهند بود و اسباب سلامتی بدن آنها بهتر فراهم است :

چندی است که طرح های قشنك لباسهای اطفال به ممالك شرقی راه پیدا کرده ما نیز قسمت عمدهٔ از آنها سهم برده ایم و اطفال خود را به آنها عادت داده ایم و غفلت داریم که اینها هستند که باعث خرابی عمدهٔ اعضاء اطفال و سبب ناخوشی های بیشمار میشوند .

لباسهای خیلی تنك و نازك برای دختر ها و طرح های مخصوص برای پسران در هر دکانی در خیابان و بازار پر است ولي وقتی آنها را با مقیاس حفظ الصحه مقیاس بگیرید خواهید دید اولا باندازهٔ کافی نمیتوانند حرارت بدن را حفظ کند یا اینکه اساساً از یك نوع پارچه تهیه شده که خلل و فرج آن مانع از تنفس بدن است در هر دو حالت برای بدن اطفال مضر است .

لباس طفل باید مناسب فصل باشد در هر چهار فصل اگر پشم خالص باشد چه بهتر منتهی برای اوقات سرما ضخیم تر و

و برای ایام تابستان لطیف و نازك - این را هم باید در نظر داشت که غرض از پشم آن نیست که آستر ان پارچه پنبه یا چلوار یا امثال ان باشند چه پارچه‌های پنبه از سرما و گرما زودتر مؤثر میشوند یعنی گرما و سرما را سریع تر جذب می کنند بعلاوه مانع از تنفس بدن هستند برای امتحان یك پیراهن چلوار در تابستان تن کنید خواهید دید مدام عرق می کنید ولی انرا بیرون کرده در عوض یك پیراهن پشمی بپوشید خواهید دید که عرق موقوف میشود برای اینکه پشم اولا حرارت را باین زودی مثل پارچهٔ پنبهٔ بخود جذب نمیکند ثانیاً الیاف پشم دارای یك نوع خلل و فرجي است که حرارت داخلی بدن را مانع از خروج نمیشود این است که یك نوع خستگی انسان حساس میکند و پارچه های پنبهٔ این خواص را ندارند .

در هر حال اگر لباس اطفال در تمام فصول پشم باشد بسیار خوب و موافق حفظ الصحه است انگلیسها اطفال خود را درهندوستان درتمام فصول در لباس فلانل نگاه میدارند البته صحیح هم هست و موافق با قوانین طبیعت است .

این را هم تذ کر بدهم که نباید آستر آنها از پارچه‌های پنبهٔ باشد اگر چنین باشد آن مقصود اصلی از بین میرود و پارچه هاي پنبهٔ مانع از تنفس بدن است و خلل و فرج ندارد و اسباب ناخوشي میگردد .

بعلاوه باید دقت کرد و مواظب بود که لباس براي حفظ اطفال است از سرما اگر لباس طفل طوری باشد که کافی نباشد

حرارت بدن طفل را حفظ کنند از نمو و رشد طفل جلوگیری شده است لباس کم باعث میشود که حرارت بدن طفل خارج شود و حرارتیکه از اغذیه در بدن تولید میشود آنرا جبران نکنند و باعث شود که مقداری هم از چربی بدن مصرف شود و این اولین مرحلهٔ است که طفل روبضعف میگذارد زیرا تولید باندازهٔ مصرف نیست و از سرمایه که جسم طفل است باید جبران بشود . پس در این خیال نباشید که سلامتي بدن طفل را با قشنگی وزیبائي لباس عوض کنید لباس طفل باید از جنس خوب و لطیف و کار کن و بقول خودتان چرك تاب باشـد که حرارت بدن را حفظ کنند و حرارت بیمورد تولید نکنند بدن آزادانه تنفس کنند و بخاریکه در بازی و حرکت در بدن تولید میشود مانع از خروج نشود و در نشست و بر خاست طفل در محلهای بازی و ورزش خراب نشود و از حرکات اعضاء طفل جلوگیری نکنند اینهاست که باید در تهیه لباس برای اطفال رعایت شود

« ورزش »

از جمله تربیت های واجب برای اطفال ورزش است اولا باید معلم مخصوص برای اینکار تهیه شده باشد که بموقع معین مثل سایر ساعات دروس در روز حاضر شده اطفال را برای فرا گرفتن ترتیبات ورزش مجبور کنند و اینکه میگـویم مجبور کنند این قسمت باید اجباری باشد تا طفـل خود را برای ورزش ناچار بداند و تا این فشار اجبار در دنبال تعلیمات ورزش

نباشد طبیعت راحت طلب شرقی ممکن نیست بمیل خود خود را حاضر کند و بدن خود را بزحمت ورزش عادت دهد البته بیك حد معین تنها در مدرسه و در زمان طفولیت کافی نیست این ترتیب باید تا انسان حیات دارد با او همراه باشد و اقلا در هر روز مقداری از وقت خود را صرف ورزش کند تا ورزش نکند نمیتواند بدن سالم داشته باشد و تا بدن سالم نباشد یك سر و دماغ سالم نمیتواند داشته باشد پس برای داشتن یك سر و دماغ تر و تازه حساس و سالم ورزش لازم است و هر کس که از این قسمت تربیت بدنی کوتاهی کند با دست خود جان خود را بهلاکت انداخته و بعمر ترانمایه خود خاتمه داده است.

این فقط در ممالك شرقی است که حیات قدر و قیمتی ندارد و وقت انسان بچیزی نمیارزد و از عمر جز تنبلی و بطالت چیزی دیگر نمی طراود زندگانی افرادی و اجتماعی آن هیچ اثری از خود بیادگار نمیگذارد اگر چنین نبود اقلا از شرقی نیز یك چنین هائی در دنیا بوجود آمده بود که اسباب افتخار و سربلندی ملل شرقی باشد چون زندگانی را طور دیگر فهمیده ممکن نیست تا در روی این پاشنه میگردد تغییر در اوضاع و احوال زندگانی او پیدا شود مگر اینکه برخلاف آنچه که دانسته و یاد گرفته و بارث برده عمل کند و آن نیز ممکن نیست جز اینکه طرز فکر و عمل خود را عوض کند و این نیز ممکن نمیشود مگر حس تردید و کنجکاوی نسبت بانچه که ارثا دارا شده است

پیدا کند وقتیکه باین مرحله رسید آنوقت است که قادر خواهد
بود یك تغییرات اساسی در اوضاع و احوال زندگانی اجدادی خود
بدهد. و این بخودی خود میسر نیست اسباب و وسائلی میخواهد
و آنها را باید احتیاطاً فراهم آورد و یکی از آنها هم ورزش
است ساکت آرام بی حرکت مؤدب نشستن و چندین ساعات تمام
روی دوزانو نشستن و مانند نقش دیوار بی حرکت در مجالس بودن
تمام اینها جزو صفات نیك و احترام بزرگان [illegible] از
جمله فضائل پسندیده و مقبول جامعه ایرانی اینست اگر کسی
تند حرکت کند از موقرین کاسته میشود و اگر پا از زانو کشیده
و با نشستن [illegible] جزو [illegible] و [illegible] مشهدی
آقا قاسم میرود اگر داخل در میدان بازی یا ورزش بشود اینکه
جزو گناهان کبیره و از ذنب لا یغفر محسوب میشود گفتگو ندارد در
صورتیکه دنیای ترقی و حیات بآن ملتی تعلق دارد که از حیث
قوای بدنی و روحی از سایرین برتر و برومندتر است مردان و
زنان بزرگ جهان از [illegible] علم [illegible] و جهانیان را از
استعداد خود [illegible] مبهوت نموده اند که از حیث بنیه و
ساختمان بدنی و دماغی از سایرین بهتر بوده اند مثل [illegible] نیز
[illegible] باید این طریق را پیش بگیریم و خود را از حیث
قوای دماغی و بدنی بپایه [illegible] برسانیم تا بتوانیم در دنیا حق حیات
داشته باشیم [illegible]
[illegible] ممالك [illegible] انسان از هفت سالگی تا هفتاد سالگی
در روز یك ورزش معین دارد و بدون تعطیل آنها را انجام

میدهد اینطور اشخاص کمتر مورد تهاجم امراض میگردند بسا
میشود که در تمام عمر خود یك روز کسل نیستند و تا روز
آخر حیات خود یك روز در رختخواب ناخوشی نخوابیده و
تمام اینها از برکت ورزش و حفظ الصحه است که هر کس
بفراخور تعلیم و تربیت اولیه خود بهرهٔ از اینها برده است و
در تمام مدت عمر خود بانها عمل میکند ایرانی نیز باید باین
عمل آشنا شود و آنرا فرا گیرد و در خود یك طبیعت ثانوی
بوجود آورد که حکماً و حتماً بان عمل کند و در انجام آن
هیچوقت غفلت نکند و اگر بوطن و بملت و آنچه که در
پیش او عزیز است علاقه دارد و نمیخواهد نصیب بیگانگان
گردد و برای ملت و ابنای وطن خود باقی بماند و استقلال
ملی خود را حفظ کند باید بورزش عادت کند و تن و
بدن و دماغ خود را تر و تازه و سالم نگاهدارد که جامعه و
ملت خود از وجود او بهره مند گردد والا داشتن یك جسم
نحیف لاغر ضعیف علیل که محتاج دست رنج دیگران باشد و
اسباب بار دوش هموطنان خود شود چه فایده دارد اساساً چه
لذتی از حیات نصیب او خواهد شد شخص مریض و علیل
المزاج چه بهرهٔ از دنیا و لذات و خوشی های آن خواهد برد
در صورتیکه شما میتوانید روزی فقط نیم ساعت یا پانزده دقیقه
وقف این کار بکنید و بدن خود را سالم و برومند نگاهدارید
تا بتوانید بخانواده و بملت و وطن خود مفید باشید و اسباب
افتخار و سر بلندی ملت و جامعه خود شوید حیف نیست این

تنبلی را بخود روا می دارید و اسباب فنا و انحطاط ملت خود را فراهم می آورید و عمر گرانمایه خود را که ممکن است خدمات بزرك و نمایان و ذی قیمت بوطن خود انجام دهد عاطل و باطل میگذرانید و همیشه هم در رنج و تعب و کسالت و ناخوشی بسر میبرید؟

قدری تفکر کنید ایا این طریق زندگی که اسباب استهزاء دوست و دشمن شده قابل ادامه است؟ اطفال را باید درمدرسه و درساعات معین بورزش بدنی بقدر لزوم نه خارج از اندازه باز داشت و معلمین مخصوص بر آنها گماشت که آنها را بطریق مخصوص که مناسب احوال اطفال است تعلیم دهندالبته استادان ماهر این فن باید باین امر گماشته شوند چه میدان بازی مهمترین قسمتی است که اطفال درآنجا نظم و ترتیب و اطاعت وحس وظیفه شناسی را باید یاد بگیرند مردان انگلستان که این اندازه در دنیا معروف بمتانت و دارای حس وظیفه شناسی و اطاعت و باعزم و اراده و مطیع قوانین ونسبت به پیش آمدها خون سرد و قوی دل هستند برای این است که تمام این صفات پسندیده را در میدان های بازی یاد گرفته اند میدان بازی است که خون اطفال را پاك و روح آنها را تازه و قوای جسمی آنهارا برومند میکنند و آنهارا برای فرا گرفتن هرنوع تعلیم و تربیت روحی مهیا مینماید میدان بازی یك نمونه از میدان مبارزه حیات است و باید اطفال دراین میدان حس بردباری و حس گذشت حس تسلیم درمقابل مقررات و نظامات راپیدا

کنند و بآنها مأنوس باشند تا بتوانند وقتی که داخل در دنیای عملی میشوند آنهارا سرمشق خود قرار دهند ویلینگتون معروف که درجنك واترلو به ناپلئون غلبه کرد میگوید ترتیب میدانهای بازی ملت انگلیس بود که آنهارا درجنك واترلو فاتح گردانید

امروز هم همان میدانهای بازی سرزمین انگلستان است که یك چنین ملتی را تربیت نموده که خودشانرا در هر صفت نیك فوق سایر ملل میدانند ایرانی نیز ناچار است اسباب و وسائل ورزش را در تمام مدارس خود برقرار کنند و معلمین مخصوص این فن شریف را که اسباب سعادت و نیك بختی ملل دنیا گردیده تشویق کنند و حقوق کافی و صحیح بآنها بدهند و آنها را علاقه مند کنند که اطفال ایرانی را در رشته ورزش تعلیم دهند و مکانهای مخصوصی درهر مدرسه برای اینمقصود تهیه کنند و راضی نشوند هیچ شاگردی بدون فرا گرفتن اصول ورزش از مدرسه خارج شود ،

ساعات مخصوص جزو ساعات دروس تعیین شود که در هر روز در دو وقت مثل اوقات سایر دروس شاگردان درتحت نظر معلمین مخصوص این قسمت مشغول ورزش شوند بعلاوه باید معلمین را علاقه مند نمود که در روز های تعطیل اطفال را گردش دهند و هوا خوری دهند و آنها را در گردش و سیاحت های روز های تعطیل بعوامل و عناصر طبیعت عملا آشنا کنند و بگذارند خوب در صحرا از رشد و نمو سبزه و گیاه و درخت و حیوانات که در جلو راه آنها واقع میشوند دقت

کنند و حس کنجکاوی آنها را تحریك نمایند و کمك کنند
این نوع مسائل را درحین گردش و قصه معلم فرا گیرند.

موضوع دیگر که میخواهم در اینجا تذکر دهم مسئله
آبله کوبی اطفال است علاوه از اینکه والدین اطفال باید
مواظب این نکته باشند که اطفال بموقع خود آبله کوبی شوند
اولیای مدارس نیز باید در این مسئله دقت کامل داشته باشند که
اگرغفلت شود خطر آن فوق العاده است وایران ازاین حیث قحط
الرجال شده است .

خاطر دارم وقتی که در مدرسه بودم در ضمن درس اخلاق
یك روزی موضوع اجتناب از خطر ها بود از آن جمله
اجتناب از خطر آبله را هم با یك تاکید مخصوص عنوان نمودند
همه ماها که شاگردان ایرانی بودیم جز معلم که اروپائی بود
تعجب کردیم که بچه مناسبت آبله را هم خطر ناك فرض کرده و
اجتناب از آن را این اندازه جدی فرض نموده است در صورتیکه
در ایران هیچ اسباب وحشت و خطر نیست معلم موضوع را برای
ما شرح داد که در اروپا و امریکا اجتناب ازاین مرض را واجب
میشمارند و دولت جدیت و مواظبت مخصوص دارد که کسی مبتلا
باین مرض مهلك نشود زیرا وقتیکه پیدا شد نود و پنج در صد
هلاکت است و آن پنج در صد نیز اگر جان بسلامت در ببرند
آثار و علایم این مرض کشنده تا حیات دارد در آن شخص مبتلا
باقی خواهد ماند که انگشت نمای خاص و عام است و اولیای آن
طفل همیشه مورد ملامت و سرزنش هستند که چرا ازطفل خود

نگاهداری نکرده واز حفظ الصحه آن غفلت نموده اند و آن طفل معصوم را تا عمر دارد گرفتار نموده اند .

درهمین چند ساله اخیر یك مسافرت دراطراف عراق نمودم مصلح آباد ده آبادی است در پنج فرسخی عراق اتفاقاً شب را در آن محل توقف نمودم در ضمن تماشای ده هیچ طفل در آن قریه ندیدم از یك نفر که همراه من بود سؤآل نمودم خیلی عجب است که در این ده هیچ طفل وجود ندارد و خیلی ده بی سر و صدائی است جواب داد آقا در این چند ماه گذشته تمام اطفال این نواحی از آبله مردند نه تنها در این ده بلکه در این دهات نزدیك هم اطفالی پیدا نخواهید کرد زیرا تا اطفال ده ساله همه را این آبله بیداد ستمگر از دست ما ها ربود و باغوش مرك ابدی انداخت وما وساکنین این جلگه را بماتم حزن انگیز ابدی آنها گرفتار نمود .

بلی ما اینطور هستیم اما در یك کتاب جدیدی که در سال ۱۹۲٦ در لندن بچاپ رسیده و الساعه روی میزمن در جلو نظر است (۱) در این کتاب نویسنده ادعا میکند که در تمام انگلستان نمیتوانند کسی را پیدا کنید که آثار وعلایم آبله در او وجود داشته باشد زیرا حفظ الصحه ما باین پایه رسیده است و ما از اطفال خود اینطور نگاهداری و محافظت میکنیم حال درست دقت کنید درجه حفظ الصحه ما را با درجه حفظ الصحه

(1) a century cf stupendus Progress 1825-1925. By joseph mecabe. London1926

دیگران که ما آنها را پلید و نجس میشماریم مقایسه نمائید ایکاش درد همین یکی بود درد های مهلك کشنده دیگر وجود نداشت اگر پرده از روی کار بر داشته شود آنوقت خواهید دید در میان چه منجلابی ایرانی زندگی میکند اگر یك دایره احصائیه صحیح وجود داشت و متوفیات را در ایران بدقت صورت بر میداشتند و علل مرگ آنها را معین مینمودند آنوقت میشد بایرانی حالی کرد که نسل ایرانی گرفتار چه نوع بلایاست وجود آن درتحت تأثیرحمله وخطرچه نوع ناخوشی هاست و بفکر چاره می افتادند من اطمینان میدهم که چاره پذیراست دوای هر دردی هم موجود است و چاره وعلاج آن نیز بسیار آسان ولی آدم میخواهد که بکند یك جوهمت و یك ارزن حمیت و یك خشخاش ملت پرستی ازروی ایمان خالص لازم دارد که تمام این درد ها را شفا دهد.

اگر چه مواقع بسیار خواهیم داشت که بعضی مسائل را گوشزد کنم ولی در اینجا میخواهم مختصری از اساس موضوع صحبت نمایم و آن اینستکه باید ملت را متوجه باین معایب نمود و بانها حالی کرد که دنیا روز بروز در تغییر است و با اصول زندگی یك نسل پیش زندگی نسل حاضر غیر ممکن است در امریکا کار بجائی رسیده که اصول زندکانی اجتماعی سال بسال تغییر میکنند ما نمیتوانیم مطابق اوضاع و احوال زندکانی اجدادی امرار حیات کنیم یا باید وسائل زندکانی و حیات امروزی را اتخاذ کنیم یا باستقلال اجتماعی و سیاسی

خود خاتمه دهیم بعبارت دیگر یا باید تمام وسایل و اسباب و طرق زندگانی یك ملت مترقی را بدون چون و چرا قبول و آنها را در میان خود رواج دهیم یا اینکه بحکم طبیعت در مقابل عوامل مقتدر سیاست جهانگیری روح استقلال سیاسی و اجتماعی را تسلیم کنیم چاره ندارد و شق ثالث هم در میان نیست زندگی سیاسی امروز دو راه بیشتر ندارد یا استقلال سیاسی یا مرگ سیاسی - استقلال سیاسی منوط و مشروط بر آن است که روح ترقی و فدا کاری و اتخاذ اسباب و وسایل تمدن مادی و معنوی امروزی ملل مترقی موجود باشد یکی هم راه مرگ و فناست درست نقطه مقابل راه فوق الذکر است و این یك راه بسیارسهل و ساده است که ملل شرقی قرنها است در آن قدم میزنند وراه عدم می پیمایند.

من ناچارم این نکته را در اینجا تذ کر دهم واولیای امور و مقننین وطن خود را آ گاه نمایم که اتخاذ وسائل تند و شدید یاوضع قوانین عریض و طویل برای جلو گیری از مفاسدا جتماعی شما را بمقصود نمیرساند بلکه رشد فهم و تمیز ملت است که شما را در اتخاذ وسایل و اسباب سعادت و ترقی مملکت کامیاب میکنند ما که نباید خودمان را گول بزنیم ما روحیات ملت ایران را خوب میدانیم و میدانیم چه اندازه از اوضاع زندگانی ملل مترقی بی اطلاع است و علاقهٔ آنرا هم بسقا خانهٔ نوروز خان یا درخت چنار کهن سال امامزاده واجب التعظیم تجریش می - شناسیم با این حال شما هر قانونی و یا هر اقدامی برای جلو

گیری وضع یا اتخاذ کنید بی نتیجه است اگر شده از زیر زمین نقب میزنند در انجا یك شمع روشن کنند خواهند نمود واگر از آسمان هم شده خود را بدرخت چنار فوق الذکر رسانده یك رشته کهنه یا تازه به آن آویزان کنند خواهند نمود در اینصورت شما نه تنها موفق نشدید بلکه تعصب را هم زیاد نموده اید .

تربیت ملت کار آسانی نیست آن هم ملت شرقی تعلیم و تربیت یکنفر اقلا پانزده سال طول دارد ولی تعلیم و تربیت یك ملت کمتر از شصت سال ممکن نیست یعنی از اطفال امروز شروع کنید و اولاد اینها را هم تربیت نمائید تازه موفقیت شما در اولاد اولاد اطفال امروزی ظاهر خواهد شد تصور مي کنید کار باین آساني و سهل وساده است خیر چنین نیست شما که امروز اسباب و وسایل تعلیم و تربیت را فراهم میاورید و مواظبت می کنید و از روی ایمان کامل عقیده مند هستید که با این اصول ایرانی را تربیت کنید و بکنید و وقفهٔ هم حاصل نشود و جانشین های شما نیز نسبت بعقیدهٔ شما صمیمی باشند و آنها را روز بروز بهتر کنند و وسایل نوین را در تعلیم و تربیت اتخاذ و اجرا کنند آنوقت است که باید امید وار بود که اولاد اطفال امروزی ایران مردان و زنان، لایق و کافی ودارای عزم و ارادهٔ آهنین خواهند بود نه اشتباه نکنید تربیت یك ملت کار آسانی نیست فدا کاری ،جانبازی و از خود گذشتن میخواهد تابمقصود برسید اینستکه من بعد از تمام این فکر و خیال باین

عقیده رسیده ام که باید از ایرانی امروز چشم پوشیده و اورا آزاد گذاشت در خیالات عذاب و عقاب و قهر وغضب خداوندی مغروق باشد شما هر قدر سعی کنید و بخواهید از لطف و سیاست و ترحم و نعمت الهی او را آگاه کنید و بالطاف یزدانی امید وار سازید بی ثمراست و فایده ندارد مغز او عادت کرده وهمیشه عذاب دوزخ ، مار و اژدها و آتش جهنم در نظرش مجسم است و از گفتار و نصایح شما هیچ بهره نخواهد برد و اصلا توجه به نعمات خداوندی ندارد او منتظـر آخرت است و باین دنیا و نعمت های گونا گون طبیعت و از وظایف انسان در این دنیا که مقدمهٔ آخرت است بکلی بی خبر است و باید شب وروز گریان باشد تا ندای حق را لبیک گوید با یك چنین کسی انسان ابـدأ نباید سر وکار داشته باشد و نباید اسباب زحمت او شود اورا باید بخیال خود گذاشت اما اولاد و اطفال او ـ اصـل جان کلام اینجاست :

اولاد و اطفال او مربوط بجامعه ایرانی و ایران است و برای حفظ آثار و یادکار های ملي و اماکن متبرکه مذهبی و حفظ دیانت اجدادی باید آنها را تربیت و تعلیم نمود و محبت و علاقه تمام آنها را در قلوب آنها ایجاد کرد و آنها را طـوری تعلیم و تربیت نمود و بعرصهٔ وجـود آورد که قدرت وتوانائی آنرا داشته باشند که از آنها نگاهداری کنند و آنها را مانند جان شیرین دوست بدارند تا اولاد و اطفال یك ملتی چنین بار نیایند و روی این اساس تربیت نشوند ممکن نیست بتوانند

اماکن متبرکه مذهبی و آثار و یادگارهای ملی ومذهب اجدادی خود را حفظ کنند .

وضع قوانین و اتخاذ وسایل خشن این فکر را در ملت تولید نمیکند اصلاح مفاسد اجتماعی از این طریق میسر نیست تغییر فکر یگانه چاره و علاج این درد های بی درمان است و این نیز بدون مدرسه صورت نمیگیرد چگونه عدم نور ظلمت است وجود آن نیز رفع ظلمت است مدرسه نیز همینطور است شما از روی صمیمیت و ایمان درست با اصول صحیح مدارس ایران را دایر کنید در عرض چند سال تمام مفاسد اجتماعی برطرف خواهد شد .

پس نتیجه اینطور میگیریم که باید اطفال را تربیت نمود واز بزرگان آنها چشم پوشید وآنهارا بحال و خیال خود گذاشت وهر اقدامی که باید کرد باید برای حفظ جان و حیات اطفال نمود وآنها را صحیح وسالم و تندرست و قادر وتوانا بارآورد واز هرمرض مسری وغیر مسری حفاظت کرد و مخصوصاً در موضوع خطرآبله که یك مرض مهلك وکشنده اطفال است و اگر احیاناً جان بسلامت برد یقین بدون یك نقص عضوی از اعضاء لطیف طفل نخواهد بود درینصورت لازم است اولیای اطفال و اولیای مدرسه از جلوگیری این مرض دشمن جان اطفال معصوم خود داری نکنند ناخوشیهای دیگر اطفال چندان خطرناك نیست باوجود تمام اینها باز باید مواظب بود مخصوصاً از ناخوشی خناق که بمحض ظهور این مرض فوری

بایدبطبیب امین درست مطلع نیک‌نفس رجوع کرد (۱)

یك مختصرهم میخواهم در باب آب خوراکي مدرسه‌ها صحبت کنم - اولیای اطفال باید مواظب این نکته باشند که در ایران آب پاك گوارا بسیار وجود دارد ولی سکنه ازاصول حفظ‌الصحه بی‌اطلاع هستند و نمیدانند چگونه آنهارا ازکثافت حفظ کنند ودر همه جا هم روی مجراهای آنها باز و هرکس وناکس هم بان دست میزنند وآنرا ملوث میکنند واگر هیچیك هم از اینها نباشد باد و طوفان کثافات اطراف را جمع کرده در آن نهرها ریخته اسباب ناخوشی میشود پس باید گفت آب پاك و بی‌آلایش درایران وجود ندارد وتا اسباب وسایل حفظ-الصحه آبها فراهم نیست نمیتوان اطمینان نمود که‌آبهای خوراکی خالی از جانوران موذی وکشنده است اول اولیای اطفال باید آب خوراکی اطفال خودرا که بمدرسه میفرستند فراهم آورند البته این برای همه‌کس میسر نیست ولی چه باید کرد تا ما سرو سامانی بهم نزده‌ایم ناچاریم هرقدرکه ممکن‌است اطفال را از این خطر نجات دهیم .

طفل که از اطاق درس بیرون آمد ویکی دودور اطراف میدان بازی را پرسه زد بدون شك تشنه شده پی آب خواهد دوید طفل معصوم بهر ظرف وکوزه رسید بی‌اختیار بسر خواهد کشید پناه برخدا در این هنگام که این طفل چه میشود خدا

(۱) در رساله اول این رشته در باب طبیب مفصلا بحث نموده‌ام دراینجا لازم تکرار نیست در هر حال در امانت و علم طبیب باید خیلی دقت کرد

عالم است دزهر حال این دقت اولا باید ازطرف اولیای اطفال رعایت شود دوم برعهده اولیای مدارسی است که ظرف مخصوصی که هر روزه سر کشی شود در جای معین باید درمدرسه موجود باشد وروی آن پوشیده وآبخوریهای پاکیزه داشته باشد که اطفال آب بخورند بعلاوه باید مواظب آن سقا هم که آوردن آب بعهده اوست بود که معلوم باشد اولا ازکجا آب میاورد ومشك آب هم تمیز باشد نه اینکه از یکطرف با همان مشك آبهای لجن را برای باشیدن خیابان ببرد و با همان مشك وباهمان کثافت آب خوراکی برای اطفال بیاورد یقین بدانید ناخوشیهای اغلب اطفال از اینها است .

یك نکته را هم میخواهم تذکر بدهم و این موضوع را ببندم و آن خوراك اطفال است خوراك اطفال باید خیلی ساده و پر سبزی باشد و هر اندازه در غـذای طفل سبزیجات پخته داخل کنند بمزاج طفل بهـتر سازکار خواهد بود و نمی توان بطفل غذای یك نواخت داد برای اینکه رشـد و نمو اعضاء و اعصاب او ترقی کنند اگر ممکن شود هر روز غـذای طفل را عوض نمود و تنوع کرد بهتر است حبوبات پخته ومخلوط با کمی گوشت بهترین غذای مقوی اطفال است باید دقت کرد که غذای حیوانی کمتر بطفل بدهند هوای گرم و ملایم ایران با غذا های گوشتی چندان مناسب نیست هر قدر در این باب امساك شود بهتر است اگر بتوانید در شب اطفال را فقط به شیر ونان وکره عادت دهید از هر غذائی برای اطفال مناسب تر است سعی کنید

طفل را به برنج خوردن عادت ندهید اگر خودتان هم بتوانید این عادت را ترك کنید به زرنگی و چابکی خود افزوده اید بطریقی که برنج در ایران پخته میشود نصف قوت آن از بین میرود و آن نصف دیگر نیز چندان قوی نیست که بتواند برای انسان جوان یك غذای حسابی بشود بعلاوه اثر برنج در معده خیلی زیان آور است زیرا معده را گشاد و خیلی ضعیف می کند اگر در هفتهٔ یك بار با سایر غذا ها مخلوط باشد چندان ضرر ندارد ولی مداومت آن خالی از خطر نیست اگر بشود اطفال را بچای و قهوه و مشروبات تند عادت نداد بهتر است و صلاح در این است که جز شیر گرم چیز دیگر به بچه ندهند و این شیر جای چای و قهوه را خواهد گرفت و اعصاب اطفال را هم تحریك نمیکنند در دادن شیرینی هم باید امساك شود افراط بلکه خارج از اندازه معین که طفل احتیاج دارد و بنیه و مزاج او می طلبد نباید داد میوه خوب و رسیده واگر بشود پخت و داد خیلی بهتر است و مزاج آنها را درحال‌اعتدال نگاه میدارد طفل را هم نباید آزاد گذاشت که هر چه در کوچه‌و بازار به بیند بخرد وبخورد و این عادت را باید ترك داد و نگذاشت مرتکب شود .

اینك موضوع سن که اطفال باید شروع بیاد گرفتن درس های اولیه بکنند دکتر جان کودان (۱) بهترین موقع را در

(1) The science of a.Newv Life,By John Gowon

سن اطفال برای تعلیمات دروس سن ۱۵ می داند و می گوید باید اطفال‌را گذاشت در هوای آزاد در زیر خورشیددرخشان بهار و پائیز در باغ مزرعه و جنگل و میدانهای باز و با وسعت بازی کنند تا قوای بدنی آنها خوب رشد ونمو کرده خودشانرا برای فرا گرفتن تعلیمات و تربیتهای دماغی آماده کنند.

فیلسوف معروف هربرت اسپنسر (۱) که تا امروز یگانه‌و فرید عصر در حکمت و فلسفه و علوم بشمار میرود و در کتاب گرانبهای معروف خود موسوم به (تربیت) (۲) که بتمام السنهٔ اروپائی و قسمتی از زبان های شرقی ترجمه شده میگوید هر قدر در تربیت دماغی اطفال زود تر شروع شود بهمان درجه از قوای بدنی اطفال کاسته شده آنها را ضعیف و علیل ورنجور خواهد نمود رشد و نمو قوای دماغی اطفال رابطهٔ محکمی برشد و نمو قوای بدنی دارد تا قوای بدنی اطفال بقدر کافی برومند نشده اشتباه بزرگی است قوای دماغی اطفال را بکار وادارند و علاوه میکنند که بزرگترین علماء علم طب و حکمت اظهار می دارند ما حاضر نخواهیم شد اطفال ما تا بسن هشت سال نرسند حروف الفباء را به آنها تعلیم دهند (۳) همه کس بمضار آن پی برده و میدانند که فشار آوردن به دماغ اطفال نا بالغ اسباب خطر جانی برای آنها میشود و اغلب انها را ضعیف - کودن و

(1) Herbert spencer
(2) Education
(3) Education By Herbert Spencer .P.216-7

تنبل بار میاورد و کاهی هم بمرك خاتمه پیدا میکند

باز دراینجا برمیخوریم بیك درد بی‌درمان که برای چاره و علاج آن مرور زمان لازم است نمیتوان باسانی جبران کردو آنموضوع معلم است که قبلا هم دراین باب صحبت شده است معلم باید تمام این معایب را درنظر بگیرد و بداند طفل ایرانی درچه سنی باید الفباء خودرا شروع کند وباچه حکایات شیرین و کوچك و مختصر اورا مفتون کلمات کنند بعدازآن چگونه کتابهای قشنك و زیبارا که مخصوص‌اطفال است برای تشویق و ترغیب او تهیه نموده درسهای اولیه را خیلی سهل و ساده‌بازبان اطفال بانها بفهمانند تمام اینها بدون هیچ زحمت و صبروتحمل و حوصله و بردباری ممکن نیست و از ایرانی و معلمین‌امروزی هم برنمیاید – چرا – هزار دلیل دارم فقط بیکی از آنها قناعت میکنم و میگویم برای اینکه زندکانی ایرانی مرتب نیست و چون مرتب نیست از فردای خود ایمن نیست چون از فردا ایمن نیست امر معاش او مختل است چون امر معاش او مختل است حواس جمع ندارد خلاصه حوصله ندارد و نمیتواندبااطفال خوردسال معصوم سربسر بگذارد و باو حالی‌کند و با آنهاباشیرین زبانی صحبت کنند دروس اولیه را باطرح های خوب وزیبنده باطفال حالی نمایداز روزی که طفل قدم بعرصهٔ وجود میگذارد بحکم طبیعت اعضاء و جوارح طفل شروع به نمو و رشد میکند و مدام میخواهد دست و پا بزند و هرقدر رشد و نمو میکند این حرکات زیادتر میشود و تابسن ۲۵ سال برسد این حرکات

اجباری و بدون اراده است اما تاپانزده سال نباید مانع‌ازورزش و حرکات او شد هروقت که اورا از حرکات باز دارید از رشد و نمو او جلو گیری کرده‌اید، وقتیکه از رشد و نمو قوای بدنی او جلو گیری شد از رشد و نمو قوای دماغی او جلو گیری شده است

بنظر نگارنده که بسیار در این باب مطالعه نموده‌ام تا سن ۱۵ ساله طفل بورزش او بیشتر باید دقت نمود و وقت صرف کرد تا بدروس او زیرا یك سر سالم باید روی شانه و گردن برومند وتوانا قرار گیرد این نباشد آن یکی ممکن نیست وجود داشته باشد پس درسهای ورزش بدنی او بیشتر در این اوقات مهم است تادرسهای کتابی چون علاقه نیست - علم نیست - اطلاع نیست اطفال را از خورد سالگی وغالباً پنج یا شش‌سالگی بمکتب ومدرسه میفرستند ودر تحت نظر این معلمین عبوس که صبح با یك جار وجنجال ودعوا و نزاعی از خانه بیرون آمده میگذارند و انتظار دارند که این معلمین مردان عالم و بصیر جدی و وطن خواه خوش اخلاق قادر و توانا تربیت خواهند نمود روح شهامت و توانائی را این مدارس دراطفال خفه می - کنند آزادی آنهارا میگیرند و آنها را مانند بهائم بار میاورند اذهان آنهارا خسته وکسل و با درسهائی پر میکنند که هیچ بحال اطفال در زندگانی آینده آنها مفید نیست .

طفل از سن شه سال هم میتواند بمدرسه برود اما چه نوع مدرسه مدرسهٔ مخصوص اطفال خورد سال که فقط معلمات

مهربان تر از مادر باید آنها را ببازی بگیرند که در تحت نظر این نوع معلمات تربیت شده باشند

در دنیای آدمها عدهٔ این نوع مدارس ازحد بیرون است و اطفال خورد سال در این مدارس که باغ وفضای بسیار وسیع قشنك و زیبائی دارد وبا گل ورياحين آراسته شده وسر تاسر سبز وخرم است این اطفال مانند ملائكه‌های بهشتي در تحت نظر معلمات خوش خلق و خوش اندام و آراسته که خود نیز مانند یکی از آنهاست مشغول بازی و تفریح وگردش ودرضمن نیز آواز و سرودهای مخصوص اطفال‌را کاهی میسرایند ومی - رقصند . ـ اینست مدارس اطفال خوردسال شب که این گونه اطفال بمنزل خود عود میکنند گونه های سرخ لبهای خندان و دماغ آنها پراز عطر گلهای باغچه اطفال است شب را باميد فردا زودتر میخوابند که صبح زود تر حاضر شوند حال شما هم میخواهید اطفال خورد سال سه‌ساله یا چهار و پنج ساله را بمدرسه بفرستید کدام معلمه کدام باغ سبز و خرم آراسته ؟

اطفال این مدارس تا بسن شش و هفت سال برسند خواندن و نوشتن حروف و کلمات کوچك و حکایتهای شیرین مخصوص اطفال خورد سال را بلد هستند ونمیدانند چگونه و با چه شیرین زبانی آنها را در مغز و ذهن اطفال جایداده‌اند حال شما نیز اگر چنین معلمات و چنین مدارس و چنین افسانه ها و حکایات شیرین و مطبوع طبع اطفال دارید اطفال خودتان را بفرستید معطل نشوید فرصت از دست میرود و اگر

ندارید اقلا نشسته غصه بخورید و گریه کنید دلیل هم بیاورید از شما قبول میکنند « گریه بر هر درد بیدرمان دواست . »
حال که اینطوراست باید دید چه باید کرد اطفال را در خانه - های تنك و تاریك نگاه داشت یا آنها را برای تعلیم وتربیت به مدرسه فرستاد و آیا در چه سنی باید فرستاد ؟

بنظر نگارنده سن دلیل نیست درهر سن میشود فرستاد ولی باید فکر این‌را کرد که برای چه باید فرستاد وبرود باین مدارس چه بکنند اگر اسباب بازی و تفریح است وسائل و اسباب آن دراین مدارس وجود ندارد واگر برای تعلیم وتربیت است تصور میکنم کتب دروس برای اطفال خورد سال وجود ندارد واگر فردا یکعده از این کتب حاضر و آماده شود آن وقت معلم این مدارس نیست درهر صورت مشکل حل نمیشود چه میشود کرد همین استکه ملت باید از همین اوضاع حاضر صحبت کرد ودید چگونه میشود از این مدارس استفاده نمود و اطفال را در چه سن وسالی میشود باین مدارس فرستاد و امیدوار بود دارای یك تعلیم و تربیت حسابی بشوند .

اطفال ایرانی را وقتیکه داخل سال هفتم زندگانی خود میشوند باید بمدرسه فرستاد ولی مدرسه هرقدر تمیز و وسیع و آراسته و زیبا باشد بهتر و مناسب تر بحال اطفال است روح آنها درآن فضای پاك ووسیع وآزاد باز وروشن میشود معلم باید فوق‌العاده مهربان و خوش خلق و شیرین زبان باشد وبداند که با اطفال معصوم طرف است و این اطفال بهیچوجه برای عتاب

و خطاب درشت و خشن او بانجا فرستاده نشده بلکه فقط برای بازی وتفریح مرتب ومنظم بدست او سپرده شده که خود او نیز مانند همان اطفال با آنها ببازی و تفریح مرتب و منظم مشغول باشد و آنهارا مشغول کنند در ضمن اگر فرصت بکنند بجا و موقع مناسب بانها یك درس اخلاقی شفاهی بدهد چه بهتر واگر نمیتواند ازعهدهٔ اینکار بر آید دیگر شر نرساند از آداب و رسوم وشرعیات دیگر با آنها صحبت نکنند زیرا اذهان اطفال باین عبارات درشت و خشن آشنا نیست آنها را باوقات دیگر که قوای دماغی اطفال رشد ونمو کرده است بگذارد .

در این مدارس ودر تحت نظر وتعلیم اینقبیل معلمین بگذارند سال اول باخر برسد وبهار که تمام شد اطفال ازمدارس بخانهای خود آمدند وتابستان در منزل بسربردند برای اول پائیز خودرا برای سال دوم آماده خواهند نمود وبایك شوق و ذوقی خودرا برفتن مدرسه حاضر خواهند کرد در سال دوم که اول سال هشتم زندکانی اطفال است درسهای الف وباء شروع خواهد شد آنهم فقط در تمام روز دوساعت درچهار نوبت درعوض اگر اوقات مدرسه شش ساعت در روز باشد چهارساعت مشغول بازی و تفریح خواهند شد یعنی نیم ساعت درس با کمال خوش‌خلقی و شیرین زبانی معلم ویکساعت بازی‌که هم بازی مهربان بامحبت معلم است در اینسال لازم نیست معلم عوض شود یك معلم و برای تمام سال کافی‌است زیرا اطفال یکه شناس هستند ووقتی که معلم سال اول ودوم یکی‌شد اطفال بیشتر با آن‌معلم مأنوس

میشوند وخجالت نمیکشند وهر سؤال را میتوانند بدون شرم حضور از معلم خود بکنند وقتیکه معلم عوض شود این محسنات ازبین میرود بهتر و انسب آنستکه معلم یکی باشد و سال اول ودوم را اطفال درتحت نظر و تعلیمات آن یك معلم بپایان برسانند مشروط بر اینکه بهیچوجه بدروس اطفال علاوه نکنند و بگذارند همان کتاب سهل و ساده و زیبا و قشنك را (که هنوز در ایران پا بعرصه وجود نگذاشته) بخوانند و با ان سال را تمام کنند نه کتاب را - سال سوم مدرسه که اول سال نهم اطفال است دیگر اطفال نظر باستعداد ذاتی وفطری تقسیم میشوند انهائیکه استعداد مخصوص دارند باطاقهای مخصوص میروند انهائی که تا اندازهٔ در بنیه و دماغ ضعیف هستند باطاقهای دیگر میروند ولی دروس باید خیلی سهل و ساده و تصور میکنم اگر بکتاب ابتدائی یك کتاب حساب و یك کتاب افسانه نیز علاوه شود بهتر است و باید این کتاب ها مخصوص باین اطاق درس نوشته شده باشد بسیار سهل و ساده و فوق العاده آسان و معلمین مخصوص انها را درس بگویند و مواظب باشند هیچوقت ذهن طفل خسته نشود و اوقات دروس هم در یك دفعه از نیم ساعت تجاوز نکند ولی در عوض یك ساعت تمام بازی و تفریح این بازیها باید طوری گرم و با روح باشد که وجنات اطفال مانند گل سرخ گلگون باشد هر اندازه این بازیها و تفریح ها و جست و خیز ها از روی شوق و ذوق باشد بهمان اندازه بصحت و تندرستی اطفال کمك میکنند سال سوم نیز باید دو ساعت درس و چهار ساعت بازی

باشد در حقیقت این ۳ سال را میتوان ۳ ساله بازی و تفریح اطفال در مدرسه نامید و آنها را گذاشت و وا داشت درمیدانهای بازی مدارس قوای بدنی خود را صحیح کنند و دماغ آنها برای دروس جدی که از سال چهارم یا اول سال دهم زندگانی اطفال شروع خواهد شد حاضر شود اگر باین ترتیب پیش برود اطفال برای اول سال چهاردهم زندگانی خود شش کلاسهٔ ابتدائی را تمام کرده با بنیهٔ صحیح و دماغ تر و تازه خود را برای کلاسهای متوسطه آماده خواهند نمود.

من مایلم چند کلمه در پرگرام وزارت معارف صحبت کنم و بگویم این پرگرام برای اطفال ثقیل است اطفال تا ۱۵ ساله احتیاج ندارند از کفن و دفن و مرده و زنده و خمس و زکوة چیزی بدانند یا صرف و نحو ومدارج را بخوانند یاد دادن انواع و اقسام غسل ها باطفالی که بسن ۱۵ نرسیده چه حسنی دارد ؟ انتظار نمازخسوف و کسوف ازاطفال داشتن چه مورد دارد ؟

من میخواهم این عبارت را باطفال حالی کنم راه حالی کردن آن چگونه است (در اجزائیکه در آنها روح حلول ننموده از حیوان مأکول اللحم نماز صحیح است اگر چه از میت جدا شده باشد » (۱) اصلا ذهن طفل نمیتواند این الفاظ و عبارات را درك کند در حقیقت با این عبارات و کلمات و کتب اذهان اطفال ضایع میشود و آتیه او را بواسطه جا دادن این کلمات در دماغ طفل خراب میکند اذهان اطفال بضبط این عبارات قادر

(۱) کتاب خلاصة الاحکام تالیف آقای حجة ص ۳۱

نیست بزوز و فشار در مغز طفل جا دادن هم غلط است من نمی خواهم تنقید کنم نه تنها کتب شرعیات کتب دیگر نیز از همین قبیل است باید یك فکر اساسی کرد علماء و ادباء را جمع نمود و یك رشته کتب دروس بفراخور تعلیمات امروزی تهیه کرد و بدست معلمین صحیح و مطلع سپرد که آنهارا تدریس کنند و جلو گیری کرد از اینکه هر کس هر کتابیرا که می‌خواهد بهر شکل و ترتیب چاپ میکند و هر قیمتی را که می خواهد دریافت کند و بر اولیای اطفال تحمیل نماید آزادباشد این غلط است و مفاسد بیشمار دارد این حق وزارت معارف است و بس و مدتها هم باید جاری و بر قرار باشد تا قوه فهم و رشد و تمیز در جامعه پیدا شود تا بدانند که هر کس هر چه دارد باید در این راه نثار کند نه اینکه کتب دروس منبع یك عایدی برای اشخاص متفرقه باشد.

امروز چه علومی لازم است؟ و اساس تعلیم و تربیت چیست؟

این یك موضوع بسیارمهم اساسی است که در اینمملکت امروز چه علومی لازم است که اطفال آنها را فرا گیرند یااینکه اصولا اساس تعلیم و تربیت چیست اگر توانستیم بطور واضح و روشن این موضوع را تشریح کنیم چه بهتر حل تمام مشکلات تعلیم وتربیت شده وبایك امیدواری و اطمینان به اتیه میتوانیم از تربیت آینده اطفال ایرانی خاطر جمع باشیم

درینموضوع که میخواهم داخل دربحث آن بشوم علماء

بسیار سخن رانده اند ازآنجمله استاد ذوفنون دانشمند معروف و متبحر انگلیسی هربرت اسپنسر است که بیش از هرکس داخل این بحث شده و دقت نموده است

استاد معظم اساس تعلیمات را روی یك شالوده فلسفی و علمی گذاشته گوید اولا باید دید احتیاجات بشر چیست ؟ چه چیز در زندگانی بشر الزام و واجب است که انسان آنرا فرا گیرد بعد داخل درجزئیات امر شده یکایك را شرح میدهد و باین نتیجه میرسد که انسان قبل از هر چیزی باید بداندچگونه وجود خودرا حفظ کند و چه چیز اسباب هلاکت و چه‌چیز اسباب رشد و نمو قالب اوست و چه علومی را فرا گیرد که خودرا از بلیات ارضی و سماوی محفوظ دارد بعبارت دیگر تکلیف و وظیفه اولیه بشر این است که علومی را فرا گیرد که برای بدن و سلامت مزاج و بقای انسان لازم است و اگر دارای این معلومات نباشد نمی‌تواند از سلامتی و حیات خود ایمن باشد قدم دوم معلومات و علوم که انسان محتاج بدانستن و آموختن آنها می‌باشد عبارتست از فنون و صنایع و اطلاعات و معلومات یدی که بتواند بواسطه آنها امور معاش‌وزندگانی خودرا اداره کند انسان بدون دانستن طرق تحصیل ثروت یاتولید ثروت و مهیا نمودن اسباب و وسائل آن نمیتواند دردنیا زنده بماند حیات و بقای او بستهٔ بقوهٔ تحصیل ثروت اوست و آن نیز بسته و مربوط بدایره علم و فن و اطلاع اوست که‌هر قدر وسیع تر باشد بهمان اندازه تهیه و تولید ثروت برای او

سریع تر و آسان تر خواهد بود قدم سوم باید معلوماتیرا فرا گیرد که بتواند بواسطهٔ آن خانواده و عائلهٔ خود را اداره کند این نیز یك دامنه وسیع دارد که هر انسان لایق و کافی و مفید بحال جامعه خود باید این علوم را دارا باشد و بدون این علم قادر نیست یك پدر صحیح و توانا تعلیم وتربیت اطفال خود را دارا باشد.

در قدم چهارم دارای معلومات و علوم و اطلاعات برای یکنفر که عضو جامعـهٔ یك ملتی است این نیز یك معلومات مخصوصی است که هر وطن پرست و ملت دوستی باید داراباشد و بداند نفع و ضرر ملت و وطن او در کجاست و از چـه چیز ها در سیاست باید احتراز نمود و از چـه چیز ها باید استقبال کرد ملت او با چه مللی روابط حسنه دارد و با چه مللی دشمنی های تاریخی‌در میان است تاریخ ادبیات آداب و رسوم و شئون و مذهب وطن و ملت خود را خوب بداند منابع ثروت و طرق بکار انداختن آنها و راه تولید ثروت و طرق تجارت و صنعت و زراعت مملکت خود را بداند بعبارت دیگر علوم و فنونیکه در این رشته لازم است آنهائی هستند که آن شخص را بتمام‌جزئیات مملکت خود آشنا کنند و از احوال روحیه ملت خـود واقف باشد و بداند روحیات ملت او از چه چیز هائی تحریك میشود و از چه چیز هائی اعصاب آن آرام و ساکت میماند خلاصه کلام باید باندازهٔ معلومات داشته باشـد و تحصیل کند که بتواند در میان ملت خود یك مقام ارجمندی را دارا باشـد و برای ملت

ووطن خود مفید باشد و یك ستاره درخشانی در میان ملت خود باشد که بحیات ملی و وطنی خود رونق و فروغ بخشد در قدم پنجم که راحتی و خوشی وروح یك ملتی لازم دارد آن علوم و صنایع مستظرفه است مانند نقاشی موسیقی وآواز و امثال اینها که ترقی روحی وذوقی یك ملتی مربوط به آنهاست .

فیلسوف معظم گوید درینصورت دانستیم که برای انسان چه علومی لازم است و با این جار و جنجال روزکار و این کوتاهی حیات و زیادی کار که در جلو هر انسان است نمیتوان ایام طفولیت و عمر جوانی و سن کهولت را بیهوده گذرانید و آنها را در جا هائی صرف نمود که نه خود نه وطن خود و نه جامعه خود از انسان بهره مند شود پس قدر و قیمت انسان در معلومات اوست وقتیکه این مسئله بر ما مسلم شد باید دیدچه دانشی (۱) در قدر و قیمت مهم تر و ذی قیمت است ؟ اگر این سؤال را جداً از خود بکنیم خواهیم دید جواب محکم و متین آن این است که علم (۲) و این یك جواب قطعی و ثابتی است که در هر مورد و در هر حال حقیقت ظاهری خود را آشکار خواهد ساخت مثلا برای حفظ و نگاهداری حیات و نمو و رشد بدنی و دانستن اصول حفظ الصحه و مهمترین معلومات در این قسمت دانستن (علم است) برای کسب معاش وتهیه وسائل زندگی معلوماتی که بزرگترین ارزش را برای انسان داشته باشد « علم است » برای اجرای وظایف پدری و فراهم آوردن اسباب

(1) Knowledge. (2) Science.

راحتی و خوشی خانواده و تهیه وسایل تعلیـم و تربیت اطفال بهترین هادی و دلیل در این قسمت فرا گرفتن « علـم است » برای دانستن و فهمیدن اوضاع وطنی و احوال ملی در گذشته و حال که بـدون دانستن آنها یك وطن پرست و ملت دوست حقیقی نمیتواند تکالیف ملی و وطنی خود را بطـور کامل ادا کند واجب ترین و الزم مفتاح تمام این مشکلات برای انسان « علم است » همچنین بوجود آوردن عالی ترین و کامل ترین قسمت های صنایع ذوقی و شوقی و تفریح دماغی یك ملتی‌مانند نقاشي - موسیقی و غیره در هر صورت و شکلی بهترین وسیلهٔ تحصیل آنها در مقابل انسان دانستن « علم است » (۱) موضوع تمام علوم برای نفع تمام بشر در تمام ادوار گذشته و حال و آینده است .

اینك دانستیم چه نوع دانش ها برای اولاد انسان لازم است و وسیله دانستن آنها چیست و بعـد از اینکه‌به کسب آنها موفقیت‌حاصل‌شد در کجاها بایدبکار برد تاانسان بتواند آن وظایف انسانی را که فقط برای خاطر آنها باین جهان آورده شـده با اطمینان کامل و با قلب پر از شوق و شعف دربارهٔ خود خانواده خود، ملت و وطن خود انجام دهد .

وقتیکه طفل دورهٔ مقدماتی خود را بپایان رسانیـد در حفظ الصحه‌او دقت کامل شده و دماغ او را تر و تازه بارآوردند

(1) Education Jntelleetual, and Physical By Herbert Spencer. London 1906. P. 63-4

و بهیچوجـه کلمات یا عبارات یا مطالب کسل و خسته کننده باو تلقین نکردند و او را برای فرا گرفتن معلومات و دانش فقط ترغیب نمودند و تشویق کردند معلمین خوش سیرت وشیرین زبان و دلسوز و علاقه مند برای او فراهم آوردند آنوقت است که این طفل مستعد فرا گرفتن هر نوع معلومات سود مند و مفید است در همین هنگام است که باید اطفال ۱٤ ساله را بمیل و رغبت و رضای باطنی و طبیعی خودشان دعوت نمود علوم و صنایع که اسباب ترقی و سعادت دیگران شده و آنها را باین درجه قادر و توانا و برومند نموده است اینها نیز فرا گیرنـد ـ در تقسیمات استاد ذوفنون هربرت اسپنسر دیدیم که قدم اول فرا گرفتن دانش و معلومات است که برای حفظ و نگاهداری و نمو و رشد بدنی است یعنی یك انسان بدون دانستن این قسمت از معلومات که انسان در تحت تأثیر چه نوع عوامل قابل رشد و نمو است و از چه نوع عوامل که باعث فنا و اضمحلال اوست باید احتراز کند بهتر این است که در اینموضوع عین عبارات کتاب فوق الذکر که موسوم به « تربیت » است ترجمه شود.

اگر کسی در اهمیت دانستن و آشنائي بقوانین اصلي علم اعضاء و جوارح انسان (فیزیولوژی) در تردید است که بهترین وسایل حفظ زندگانی وحیات است خوب است باطراف و جوانب خود نیز نظری بیاندازد و ببیند چقدر از مرد ها و چقدر از زنها درسنهای متوسط یا در آخر عمر دارای بنیه و ساختمان صحیح و کامل هستند ندرتاً ما برمیخوریم باشخاصی

که علائم وآثار قوت و توانائی ادوار جوانی را دارا هستند وتا آخر حیات با آنها این‌قوا همراه است ولی هرساعت باشخاصی تصادف میکنیم که نمونه‌هائی از اشخاص علیل‌المزاج و دارای ناخوشیهای مزمن که قبل از وقوع ودر سن های جوانی مبتلا شده‌اند تقریباً این قبیل اشخاص نایاب هستند که در تمام عمر خود بواسطه ندانستن قوانین معین حفظ‌الصحه خودشانرا گرفتار یك یا چندین نوع ناخوشیها نکرده باشند در صورتیکه مختصر اطلاع از اصول حفظ‌الصحه ممکن بود آنهارا ازیك یا چندین خطرهای مهلك وکشنده ناخوشیهای معمولی نجات دهد کاهی برمیخوریم باشخاصی که مبتلای ناخوشیهای مرض قلبی‌هستند که در نتیجه تب روماتیك (۱) که از اثر بی توجهی آنها از سرما بوده عارض گشته است اگر اندك اطلاعی از فیزیولوژی داشتند هرگز مبتلا باین مرض نمیشدند

بسا اشخاصی‌که چشمهای خود را بواسطهٔ عدم اطلاع از اصول حفظ‌الصحه آن بواسطهٔ مطالعهٔ زیاد از دست داده وتا آخر حیات از اذایذ بصری محروم مانده اند در حالتیکه جزئی اطلاع از اصول حفظ‌الصحه آنهارا از این ناخوشی مصون نکاه می داشت

دیروز داستان یك شخصی مطرح بودکه بواسطه صدمهٔ جزئی که بزانوی او وارد آمده بود میبایست چند روزی برای بهبودی آن استراحت کنند غفلت نموده آنرا بکار انداخته و در

(1) Rheumatic Fever

نتیجه آنرا بکلی فلج وازکار انداخته است و اگر این شخص جزئی اطلاعی ازساختمان وتشریح آن داشت ممکن نبود باپای لنك حرکت کند وآنرا تا آخر عمر خویش فلج نماید .

امروز از یك شخص دیگر حکایت میکردند که مجبور شده است برای چند سال در رختخواب بیماری بخوابد تاشدت ضربان قلب که بواسطهٔ انجام و مداومت کارهای دماغی خارج از اندازه عارض او شده است رفع شود باز از شخص دیگر سخن در میان است که بواسطه نمایش بعضی عملیات ابلهانه پهلوانی که فوق قدرت و توانائی بشری است خودرا علیل و تا آخر عمر خودرا ضعیف وناتوان کرده است چه بسیار کسانی که بواسطهٔ عدم علم واطلاع مختصر از اصول وقوانین علم ابدان بشری خودرا بدبخت وپریشان و عائله‌های خودشان را گرفتار فقر و فلاکت نموده‌اند

درهرحال ما امروز از این قبیل اشخاص بسیار مشاهده میکنیم که نتیجه بی‌مبالاتی از رنج و تعب و ضعف و خستگی و ناتوانی بدون استراحت و جبران و تفریح عارض شده اسباب اتلاف نفوس ذکیه گردیده اوقات گرانبها و مبالغی بیحد و حساب مصرف گردیده واز انجام کلیه تکالیف وجدانی بازمانده و عاطل و باطل شده‌اند و برای انجام هیچ خدمتی نمیتوانند قادر باشند و از انجام تکالیف و وظایف پدری باز مانده و از بجا آوردن خدمات ملی ووطنی خود ناتوان شده و از لذائذ و خوشیهای طبیعت محروم مانده اند

آیا این مسئله بطور واضح روشن نشده گناهان بیشمار (قسمتی از پدران بارث رسیده و قسمتی خود مرتکب شده) که باعث ظهور اینهمه ضعف بنیه و عدم صحت و تن درستی شده بیشتر باعث خرابی حیات بشری میباشد تا علل دیگر؟ تا اندازهٔ زیادتری درعوض خوشی وخرمی زندگانی جهان باعث خرابی و اضمحلال آن شده است؟.

منحصر باین تنها نیست حیات بشری که باین اندازه عزیز و گرانبها است نه تنها زبون و از کار افتاده است بلکه عمر و ایام زندگانی آن نیز کوتاه شده است اینکه معروف است و میگویند بعد از یك ناخوشی و مداوای آن وعود صحت و برخاستن از رختخواب بیماری انسان مجدداً بحال اولیه عود میکند این یك غلط و اشتباه بزرگی است باید بدانند که هر نوع اختلال درعضوی از اعضاء بدن پیدا شود باعث از کار افتادن آن میگردد یا آنرا از اجرای وظایفی که طبیعت بشری برای آن معین نموده است منحرف میکند یك چنین اختلالی ممکن نیست رفع شده و آن عضو را بحال اولیه خود بگذارد بلکه یك خسارت باقی و دائمی برآن وارد شده است اگر چه آناً محسوس نیست ولی همیشه درآن قسمتها باقی است و طبیعت که یگانه محاسب دقیق انسان است باسایر خطاهای او رویهم جمع کرده از ایام حیات کسر خواهد نمود و وقتی حساب مارا ارائه خواهد داد که ایام عمر ما درسن جوانی باخر رسیده و دم واپسین باقی مانده است

بواسطه تجمع ناخوشی های جزء و عوارض مختصر حیات انسان غالباً رو بضعف و سستی میرود و درنتیجه گرفتار چنگال مرك میگردد در صورتیکه با رعایت اصول معلوم و معین بسیار سهل و اسان است کـه آنرا تاآخر عمر طبیعی بخوبی وخوشی ادامه داد.

وقتیکه عمرهای طبیعی و متوسط را با زندکانی امروزی کـه چه اندازه کوتاه و غیر طبیعی است مقایسه میکنیم آنوقت است کـه میفهمیم خسارت و زیان ما چـه مقـدار است و این کسری های پی‌درپی کـه بواسطه بی مبالاتی از اصول حفظالصحه بدن نسبت بزندکانی صورت میگیرد دیده میشود کـه در حقیقت نصف ایام عمر گرانمایـه و ذیقیمت انسان دور انـداخته میشود(۱) پس بنا برآنچه که درفوق گذشت آن دانشی که اسباب حفظ و نکاهداری و صیانت وجود شخص انسان است و بواسطه آن از فنا و اضمحلال حیات بشری جلو گیری میشود در درجه اول اهمیت واقع است دراینجا ادعا نمی کنیم کـه دارا بودن این دانش و معلومات کامـلا ما را از تمام مفاسد و خطرات امراض مصون و محفوظ خواهد داشت پر واضح است کـه در حال حاضر تمدن امروزی.دنیا احتیاجات روز افزون انسان را

(۱) مقصود در اینجا افراط و تفریط و غوطه ور شدن د ر لذات جهان است که هر انسان گرفتار شده این عادت مذموم خواهی نخواهی دچار یك نوع امراضی خواهد شد نه تنها خود بلکه اولاد و اعقاب او نیز گرفتار این درد و الم شده تا نسل او باقی است از میان آنها بیرون نخواهد رفت — در رساله سوم مشروحا در این قسمتها بحث خواهد شد

وادار میکنند که از حد اعتدال خارج شود بعلاوه باعدم چنین اجباری پر معلوم است که تمایل آنها برخلاف تصمیمات اولیه شان غالباً آنهارا وادار میکنند که آتیه درخشان خودرا فدای مسرت و لذت آنی و حاضر بکنند ولی ادعای ما دراین است که دانش حقیقی و صحیح که بطور تأکید درموقع مناسب تحصیل شود فوق‌العاده مؤثر و سودمند است بعلاوه گوئیم که قوانین و اصول حفظ الصحه باید قبل از اینکه بانها عمل و رفتار شود بطور واضح و روشن دانسته و شناخته شوند و اطلاع بیك چنین دانش و علمی باید مقدم بریك زندکانی و حیات عاقلانه زیبنده باشد تااولی نیست ثانوی نیز صورت خارجی پیدا نخواهد نمود.

وقتیکه استنباط میکنیم که صحت بدن و سلامتی نفس و روح با شهامت انسان وسائل مهم خوشی حیات و راحتی دماغ و امثال اینها هستند در این صورت تعلیم و تدریس اصول آن بر هر رشته از معلومات علمی باید برتری و تفوق داشته باشد بنا بر این مسلم است که تعلیم و تدریس دورهٔ معین و معلوم فیزیولوژی بقدر لزوم که شامل حقایق و اصول اساسی این علم شریف است وتناسب ورابطه روشن وواضحی درزندکانی یومیه هر فردی از افراد اولاد انسان دارد و از اهم واجبات وقسمت اعظم تعلیم وتربیت مفید وسودمند و عاقلانه است.

شاید این نظر برای‌اشخاص معلوم‌و معین خوش آیند نباشد و با نظر تحقیر بر آن بنگرند ولی اگر توجه کنند خواهند دید

کمال اهمیت را داراست (۱) اگر کسی بندر جز را بادره جز فرق ندهد اسباب استهزاء حاضرین است یا میر جاوه را یکی از بنادر خلیج فارس بداند اسباب خنده است ولی ندانستن حالت عادی نبض یا جریان معتدل قلب یا علت ورم ریه و کبد و اینکه وظیفه ستون فقرات چیست خجالت ندارد

درصورتیکه این است که رابطه مستقیم با زندگانی انسان دارد و مردم شایق و مایلند که اولاد آنها در مسائل تاریخي و احوال و سوانح و خرافات دو هزار سال قبل عالم و بصیر باشند ولی مایل نیستند و توجه ندارند آنها را بساختمان بدنی و استخوان بندی و اعمال اعضاء وجوارح بدن انسانی آشنا کنند این است وضع تعلیم و تدریس پوسیدهٔ امروزی واینست اوضاع خطرناك تعلیمات ظاهری که از عدم اطلاع اینهارا بر آنچه درعالم مفید و سودمند است رجحان داده اند » (۲)

از این قسمت بگذریم قدم دوم تعلیم وتربیت درزندگانی انسانی که مفید و سود مند باشد کسب معلومات و اطلاعاتی است که در تمام مدت عمر بشر لازم و واجب است که آنها را دانسته و برای کسب معاش روزانه خود بکار اندازد بعبارت دیگر بعد از دانستن اصول اولیه حفظ الصحه بطور مختصر ومفید که بواسطه همان معلومات موجز قادر است از جسم و روح خود حفاظت

(۱) در اینجا فیلسوف جلیل‌القدر مثلی ایراد میکند که عین ترجمه در فارسی مفهوم نخواهد بود بهتر دیده شد که یك مثل فارسی که روح مقصود اصل کتاب را داشته باشد ایراد شود

(۲) کتاب تربیت تألیف هربرت سپنسر فیلسوف معروف انگلیس صفحه ۲۰

کنند و آنرا در حال صحت و تندرستی و توانائي نگاهدارد لازم می آید که رشتهٔ را در پیش گرفته تحصیل نماید تا وقتیکه وارد دنیای عمل و کار میگردد بتواند در میدان مبارزه حیات پایداری کرده جای ومقام خود را باز کند و با مهارت وازروی اطلاع معاش روزانه خود را از طریق مشروع و شرافتمند بدست آورد .

بنظر نگارنده بهترین طرق همان راهی است که فیلسوف معظم هربرت اسپنسر هدایت نموده است وتقسیمات تحصیل سودمندی را نشان داده است و در حقیقت برای ملتی که میخواهد مقام خود را در دنیا حفظ کند و اولادِ وطن خود را برای مبارزه حیات آماده کنند باید همان اصول تقسیمات این دانشمند را تعقیب ورشته های تحصیلی را که نشان داده است دنبال نماید من نیزنظر باهمیت موضوع همان تقسیمات فیلسوف عالی قدررا تعقیب میکنم و نظریات معظم الیه را بطور خلاصه مینگارم .

وقتیکه دانستیم حفظ بدن مربوط بدانستن کدام یك از معلومات است و اسباب رشد و نمو آنرا هم تمیز دادیم و از علل و اسبابی که ممکن است بجسم و روح ما زیان آورد مطلع شدیم و بموقع و بجای خود آن قوانین و اصول را رعایت نمودیم دارای یك جسم قادر و توانا و یك روح با شهامت و یك عزم و ارادهٔ محکم و متین خواهیم شد آنوقت است که باید دید بچه وسیله آنرا با همان حال صحت و تندرستی نگاهداشت در اینجا بهترین راه طریق کسب معیشت و ما یحتاج روزانه است که برای تهیه اسباب و وسایل آن محتاج معلومات و اطلاعات خواهیم

شد که از چه راه و طریقی بهتر و مناسب تر بتوان تحصیل معاش نمود و عاقلانه در دنیا امرار حیات کرد اینرا هم باید قبلا تذکر بدهم که لذت حیات در تحمل رنج است رنج نیست راحت نیست آن کسانیکه دنبال راحتی در تلاش هستند در اشتباهند زیرا وقتی انسان خوش و خرم و راحت است که یك کار مفید و سودمندی را انجام داده است فقط راحتی خیال و تفریح دماغ وقتی است که انسان وظیفه خود را صمیمانه انجام داده است هر تفریح دماغی که تصور کنید بعد از تحمل یك رنجی است تارنج نیست تفریح نیست پس بدون رنج دنبال راحتی وخوشی گردیدن یك نوع ناخوشی است که فقط یگانه علاج آن کوشش وتحمل زحمت در یك کار سودمندی است .

امروز اشخاص دارا و صاحبان ثروت و املاك متعددباین نکته متوجه شده اند که ثروت یا تمول یا املاك نیست کهاسباب ناخوشی و راحتی خیال و جسم باشد بلکه کار و تحمل رنج و اشتغال بیك عمل مفیدی است که در آنها سلامت نفس و راحتی خیال و آسایش بدن تولید میشود

هر کس از هر طبقه که میخواهد باشد اگر میخواهد یك زندگی خوش و خرم و با صحت بدن وراحتی خیال داشته باشد مانند یك عمله کار کند مانند یکنفر فقیر امرار معاش نماید و مانند یك حکیم و دانشمند فکر کند - اگر لذت حیات انسانی را طالب است این نسخه برای آن سودمند است

باری بروبم سر مطلب اینها جمله های معترضه بودمقصود

اصلی فرا گرفتن معلوماتی است که در کسب معاش وزندگی بشری مفید است .

باستثنای عدهٔ قلیلی که بار دوش جامعه اند و ابداً بطریق سعی و عمل آشنا نیستند اسباب و وسایل معیشت آنها تحمیل طبقه کارگر و مولدین ثروت است باقی دیگر طبقات مشغول کسب وکار و تولید ثروت هستند و کار های آنها بیش از سه قسمت ندارد یا تولید ثروت است یا تهیه ثروت و یا تقسیم ثروت و از این سه حالت خارج نیست و مقیاس و اندازه و تسهیل یا تقسیم آنها بمیزان علم و اطلاع متصدیان آن اقسام سه کانه است هر اندازه معلومات یا اطلاعات بهتری فرا گرفته باشند بهمانمیزان و درجه در تولید و تهیه و تقسیم ثروت بهتر و ماهر تر و سریع تر خواهند بود .

حال باید دید آن اطلاعات که اسباب کثرت و سهولت و سرعت در عمل است چیست ؟ یقین است در قدم اول دانستن اصول و قوانین مخصوص هر یك از این قسمتهای سه کانه است .

آن شخصی که کار او تولید ثروت است باید از خواص طبیعی و شیمیائی و ذاتی آن متاعی که مشغول پرورش وبعمل آوردن آنست آگاه باشد درینصورت لازم میشود از علمی کهاز این موضوع بحث مینماید اطلاعی داشته باشد .

حال این یك قسمت را میگیریم و پیش میرویم ببینیم در مملکت ما اوضاع و احوال تولید ثروت چگونه است آیا نسبت بان اصول و اساس تولید ثروت توجه میشود یانه ؟ اگر

میشود اینهمه بدبختی و فقر و فلاکت در میان طبقه کارگر برای چیست ؟ اگر نمیشود و نسبت بان اصول توجهی ندارند چرا ندارند ؟ آیا میشود جلب توجه کرد یا نه ؟

ایران یك مملکت زراعتی است و سرمایهٔ آن آب خورشید و زمین است که الحمدلله لطف خداوند تبارك وتعالی این نعمت گرانبها را برای ایرانی بکثرت آماده نموده‌است فقط محتاج بدست قادر و توانائی است که ازآن نعمات الهی استفاده کنند وباید آن دست با قدرت را فراهم آورد وآنرا با اسباب و ادوات امروز مسلح کرد وبعلم و اطلاع زراعت امروزی آشنا نمود آنوقت اورا بکار واداشت و گذاشت بیست برابر محصول کنونی را بوسیلهٔ آن اطلاع ومعلومات بعمل آورد ویك قانونی هم وضع گردد که مناسبات مالك و رعیت را معین نماید و گذاشت از منابع خدادادی هردو عادلانه استفاده کنند .

اوقات اطفال ما در مدارس متوسطه واگر باشد عالی تمام بیهوده صرف میشود اذهان و دماغهای آنها را با معلوماتی مملو میکنند که بهیچ دردی نمیخورند عوض این معلومات لازم و واجب است که چندین مدرسهٔ فلاحتی و زراعتی در نواحی مختلف مملکت افتتاح کرد و واداشت اطفالی که دورهٔ ابتدائی را تمام نموده‌اند درآن مدارس مشغول تحصیل و عمل زراعتی شوند باین وسیله یك میدان وسیعی برای تولید ثروت در این مملکت باز کرده اید که بیش‌از پنج ملیون نفرات میتوانند از آن تحصیل معاش آبرومندی بنمایند .

هنوز ایرانی ازآن خواب وخیال ادوار گذشته بخود نیامده هنوزهم عوض زمین درآسمان سیر میکند وتصور مینماید عزت نفس و شرافت در داشتن یك مقام سیاسی یا اداری است یا استخدام در یك مؤسسهٔ خارجی یا تجارتی است درصورتیکه اینطور نبوده بلکه عـزت نفس و شرافت شخصی در استقلال روحی و آزادی شخص اوست که بتواند بطور مستقل و آزاد کسب معیشت نماید و بدون تعظیم وتکریم بمانند خودی وسایل زندکانی خودرا تهیه کند اینست معنی شرافت نفس وعزت روح .

هیچ کار و عملی در دنیا نیست که شرافت ذاتی برای خود نداشته باشد وهر کس که درآن مشغول است از آن شرافت ذاتی بهره مند نشود شخص شریف کسی است که کار کند و از آن امرار معاش نماید وغیرشریف کسی است که از اندوخته دیگران مصرف میکند و هیچ کار بلد نیست .

اجازه بدهید قدری در اینجا حاشیه بروم چندی قبل موضوع این بود کـه یکنفر صراف برای بانك ایران‌استخدام کنند دراینموضوع درمجلس مذاکره زیاد شد تا بالاخره رأی دادند کـه دولت سالی مبلغ بیست هزار تومان بدهد واین‌صراف خارجی را استخدام کند حال چه مبلغ خرجهای دیگر خواهد داشت بماند بیست هزار تومان مسلم و معین است اما از طرف دیگر ایرانی هزارها سیاست باف هزار ها وزارت باف معاونت باف قضاوت باف ریاست باف دارد ولی برای عمل ملاحظه‌می فرمائید یکنفر صراف ندارد کـه جای خود دارد هر کاری که

تصور کنید محتاج بعلم و عمل و اطلاع است کسی برای آن پیدا نمیشود ملت ایران درست دروضعی واقع شده که ملت اسپانیول دراواسط قرن هیجدهم واقع شده بود و تمام کارهای عمده بدست اجانب اداره میشد

پس باین آسانی ممکن نیست روحیات یك ملتی را تغییر داد هر تغییری که باید بدهید تدریجی و بمرور زمان بایدباشد درینصورت عادت دادن ایرانی بشغل باستان اجدادی که در سایه آن شغل افتاب درمملکت آنها غروب نمیکرد و دارای این افتخار بودند جز از راه مدرسه ممکن نیست مشروط براینکه اساس و شالودهٔ آن محکم و متین باشد - اولیای امور و پیشروان ملت و علماء شرعی و عرفی ازجان و دل درترویج و انتشار و عملی بودن آنها بکوشند تابتوانند ایرانی را از این احوال و اوضاع کسالت و تنبلی و بیکاری بیرون آورند و آنها را مردان کار و صاحبان علم و اطلاع نمایند ازآنجمله است مدارس فلاحتی و زراعتی که اس و اساس تولید ثروت در این مملکت است مخصوصاً باید ایرانی را دراین رشته بخصوص تربیت کامل نمود و آنهارا بکار زراعتی ترغیب و تشویق کرد و اسباب عمل و وسائل کاررا برای آنها فراهم آورد .

گویا درجای دیگر هم باینموضوع اشاره کرده باشم که احوال روحیه ملل شرقی غیر از احوال روحیه ملل غربی است درشرق هر اصلاحی که باید شروع شود عملی شود و نتیجه مطلوبه ازآن حاصل گردد باید دولت اقدام نماید و اسباب و

وسایل آنرا فراهم آورد و مواظبت داشته باشد تانتیجه بدهد جز این باشد صورت خارجی پیدا نمیکنند بعبارت سهل وساده عرض کنم ملل مشرق مانند اطفالی تربیت شده اند که باید کسی مواظب آنها باشد که لباس بپوشند غذا بخورند دست و صورت خودرا بشویند یکنفر همراه آنها بمدرسه برود درسهای آنهارا یاد گرفته بانها یاد بدهد از مدرسه بیاورد شام بدهد و جای آنهارا آماده کند لباس از تنشان در بیاورد و بخواباند و صبح دیگر همین عملیات را تکرار کند نتیجه هرچه میشود بشود هیچ فرقی بین افراد شرقی و ملل شرقی نیست ازخود هیچ ارادهٔ ندارند اجتهاد ندارند عمل ندارند احترام ندارند دولت و حکومت باید برای آنها لله و پرستار باشد این عمل باید سالها تکرار شود.

ملل غرب درست نقطه مقابل ملل شرقی هستند آن ها دارای عزم و اراده اقدام و اجتهاد هستند هر اصلاحی که باید در امور ملی و مملکتی بشود فکر اولیه آن در میان طبقات مردم رشد و نمو کرده اولیای امور را مجبور باجرای آن می نماید فرض شود اگر وضع یك قانونی برای بهبودی تعلیمات عمومی لازم شود اول لزوم وضع چنین قانونی در میان طبقات مختلف مردم محسوس شده بعد بطبقات مافوق سرایت نموده آنها را مجبور بوضع و اجرای آن خواهد نمود - تقریباً بلکه تمام قوانین ملت انگلیس در این چند صد ساله اخیر روی این اصول وضع شده ولی ایران نیز جزو ممالك شرقی است ملت آنهم خواص روحیات

ملل شرقی را داراست و برای ان نیز دولت باید در هر امری پیشقدم باشد طرق سعی و علم و دانش و وسایل تولید و تهیه ثروت را بان بنماید و تا این ترتیب پیش نیامده غیر ممکن است ایران بخودی خود داخل این مسائل شود و گلیم خود را از اب بیرون کشد .

ایرانی را باید باز داشت از احوال و اوضاع زمین های خود مطلع شود و درجهٔ حاصلخیزی و طبیعت خاك و قوت و ضعف انرا بداند و از روی عملیات علمی بفهمد چه حاصلی در زمین های پر عرض و طول وطن او بهتر و مناسبتر و از حیث قیمت زیاد تر بعمل میاید و چه نوع حبوباتی بهتر بازار دارد و زود تر میتواند انرا بفروش برساند - در مازندران برنج کاری یك بلائی برای مردم شده و همه ساله دعوا و جنجال و کشمکش است که برنج بازار ندارد و بفروش نمیرسد در داخله که محل فروش ندارد روسیه هم اگر خریداری نکند باید دور ریخت ضرر و زیان انهم برعیت بی علم و اطلاع وارد میاید که یك سال تمام بانواع و اقسام و با سخت ترین رنج و زحمتی آنرا بعمل اورده اخر سال هم چیزی عاید او نشود اگر علم در اینجا دخالت کند و این طبقه دارای معلومات شوند خواهند دانست اگر برنج کاری سودی ندارد محصول دیگر را باید انتخاب کنند که در ان سرزمین حاصلخیز دیوان سفید بهتر بعمل میاید

در کتابهای بسیار خوانده ام که مازندران را یك هندوستان کوچك نامیده‌اند در حقیقت هم همین است ومعروف

است که از زمین آن سالی سه مرتبه بلکه چهار مرتبه میتوان حاصل برداشت واگر سکنه آن از علوم و فنون امور زراعتی و فلاحتی وصدها رشته‌های آن اطلاعی داشته باشند میتوانند در اندك مدتی دارای ثروت بیحد و حساب شوند و اینکه امروز نمیتوانند باندازهٔ صد یك استعداد طبیعی خاك مازندران ازآن استفاده کنند بواسطهٔ اینستکه اصول زراعت علمی‌را بلد نیستند وکسی هم نیست بانها یاد بدهد با این حال وبااین آب وهوای فوق‌العاده مساعد و زمین حاصل خیز با استعداد باز اهالی آنجا در فقر و پریشانی امرار حیات میکنند چاره و علاج فوری و آنی تمام این بدبختیها هم که بالاترین آنها بی‌علمی است فقط تأسیس مدارس زراعتی است اگر فردا دایر شود درمدت یکسال اثرات حیات بخش خودرا خواهد بخشید .

با افتتاح چند مدرسه یك گروهی را از فقر و فاقه نجات داده اید و یك مملکتی را آباد نموده اید همین مازندران که امروز اهالي زحمت کش زراعت پیشهٔ آن گرفتار انواع بدبختی ازحیث فقر وفاقه شده‌اند یکوقتی شهرت محصول ابریشم آن جهانگیر شده بود و از اقطار بعید و دور دست دنیا تجار برای خریداری و تجارت آن خودکشي مینمودند درزمان شاه عباس کبیر و تا دویست سال بعد هم این متاع گرانبها در آن سرزمین بکثرت عمل میامد و در سال متجاوز از دو هزار لنگه سی منی (۱) حمل بخارج میشد وامروز از آن محصول

(۱) کتاب لرد کرزن درباب ایران جلد اول

نفیس اثری باقی نمانده در صورتیکه خیلی سهل وآسان میتوان بعمل آوردن این محصول ذی‌قیمت را رواج داد - تنها در نقطه مازندران نیست سایر نواحی ایران نیز در عمل آوردن ابریشم شرکت داشته - محصول ابریشم گیلان چهاربرابر محصول ابریشم مازندران بود و محصول کلیه ایران دراواخر سلطنت شاه‌عباس کبیر به بیست هزار عدل رسیده بود و تا چهل سال بعد هم تجارت این متاع نفیس در ترقی بود در سال یکهزار و هشتادو یك هجری عدد عدلهای صادره ابریشم از ایران به بیست و دو هزار عدل رسید وبعد از این تاریخ دیگر مانند سایر امتعه و محصولات مملکتی رو بانحطاط گذاشت تا حال که بنقطهٔ صفر رسیده است .

حال تصور کنید بواسطه عدم توجه و هرج و مرج های داخلی محصول چه متاع گرابنهائی از دست رفته و اگر امروز در دنبال ان یك دست قادر و توانائی باشد ممکن است آب رفته را بجوی باز ارد و مجدداً اسباب و وسایل ترویج انرا فراهم نماید و مردم را بعمل اوردن ان ترغیب و تشویق کند و از این راه یك عایدی سرشاری برای طبقات کارگر وزحمت کش و یك منبع عایدی برای دولت فراهم اورد

این قسمت نیز باید جزو تعلیمات و پروگرام مدارس. فلاحتی داخل گردد که اطفال برزگران وزارعین را در این فن بخصوص تعلیم و تربیت نماید .

من تاریخ محصول ابریشم درایران و کشمکش‌های سیاسی

دراین باب را بموقع دیگر میگـذارم کـه این داستـان شیرین ایران باستانی را یکروزی برای شما نقل کنم ولی حال فقط بهمین مختصر قناعت میکنم کـه یکي از اسباب شهرت ایران در اوایل دوره صفویه کـه بقول بعضی ها دورهٔ طلائی ادوار ایران بعد از استیلای عرب است محصول ابریشم ایران بوده است که اول بواسطهٔ تجار شهرهای مهم ایطالی (۱) بعد پرتقالی‌ها بعد سایر ملل کـه انکلیسها هم جزو انها بودند دراروپا شهرت‌عظیم پیدا کرد (۲) و ایران انزمان درسال ملیـونها ازاین تجارت استفاده مینمود و حال هـم هیچ مانعی ندارد با این مزد ارزان کـه برای کارگران ایرانی است بهتر و آسان تر میتواند دراین رشته بخصوص باسایرین رقابت کند و محصول ابریشم خودرا دربازار های دنیا کـه بیش از هرچیزی طالب دارد بفروش‌رساند

یك موضوع دیگر که دراین جا بی تناسب نیست تذکر بدهم ان محصول تریاك است کـه عجالة یکی از منابع مهم عایدی زارعین و صاحبـن املاك میباشد و خزانه دولت نیز از این راه مبالغ هنگفت بهره مند است‌و نمیتوان انرا باین سهولت وارزاني از دست دادجار و جنجالي هم کـه درخارج در اطراف آن‌بر پاشده خالی از دسایس سیاسی نیست و اینکه متوسل میشوند

---

(1) Genoa تجار ژنوا قبل از ظهور پادشاهان صفوی با گیـلان تجارت ابـریشم داشتند

(۲) شهرت دیگر ایران دراین تاریخ جلو گیری از هجوم عثمانی‌ها باروپا بود کـه فتوحات سـلاطین صفـوی اروپارا از چنکـال عثمانی هـا نجات داد .

که جلو گیری از این سم مهلك برای خاطر عالم بشریت وحفظ
و صیانت اولاد انسان از این معجون کشنده است تصور میرود
حقیقت نداشته باشد اگر راست است اول باید الات قتاله را از
بین برد و انهارا معدوم کرد و ملیون ها نفوس بشری را که
دراسارت و بندگی بنام حق استعمار مقید داشته اند آزاد ساخت
و برای آنها حق حیات قائل شد آنوقت دست باین نغمه هازددر
ضمن هم دید آیا بعمل آوردن این محصول برای بشر لازم است
یانه درصورتیکه مقدار معین و محدود برای سلامتی و احتیاج
انسان لازم است باید دید آنمقدار معین و محدود را درکجا بعمل
آورد اب و هواو آفتاب و زمین کدام نقطه از نقاط عالم برای این
محصول بهتر و مناسب تر و محصول ان مرغوب تراست.

از هرنقطه نظر که باشد دنیا احتیاج فوق‌العاده بمحصول
تریاك ایران دارد زیرا بتصدیق علماء این فن تریاك ایران
بهترین تریاکهائی است که درسایر نقاط دنیا بعمل میاید حال
اگر نظر سیاسی نباشد فقر و پریشانی ما محرك اصلی موضوع
نباشد استقلال مالی ما مورد حسد سایرین نگردد و مقصود از
بین بردن یك چنین منبع عایدی رعیت و ارباب و خزانه‌نباشد
و اگر هزاران نیرنك های دیگر دردنبال سرهای سیاسی وجود
نداشته باشد انوقت بازما استحقاق این را خواهیم داشت که‌محصول
تریاك محدود و معین دنیارا در ایران تهیه کنیم زیرا محصول
تریاك ما درزمین‌حاصلخیز ایران در زیر افتاب درخشان‌وحیات
بخش بهار و دراثر آبهای فراوان این فصل بهترین نمونه تریاك

دنیارا بوجود میاورد درینصورت ما بحکم احتیاج و برای خاطر مبتلایان امراض بی شمار که تریاك یکی از اسباب بهبودی آنهاست نا گزیریم که زراعت تریاك خودرا ادامه دهیم (۱)

ازینقسمت که بگذریم قسمتهای دیگر محصول مملکتی است مانند نیشکر خوزستان زراعت چای در گیلان و مازندران و محصولات دیگر که باید متخصصین این فن شریف تعیین نمایند که چه محصول بهتر و مناسب تری درآب و هوای مختلف ایران سهل تر و اسان تر و بکثرت عمل میاید و تمام اینها را بخوبی میتوانند درمدارس فلاحتی بشاگردان و متعلمین تعلیم بدهند و آنهارا برای انجام این عمل سودمند باافتخار آماده کنند

باور کنید که یکی از اسباب مهم که لازمه آبادی و عمران و ترقی مادی این مملکت است این رشتهٔ سودمند است هر ملتی که پا بدایرهٔ ترقی نهاده است راه منحصر بفرد آن فن شریف زراعت بوده است که در مملکت ما یك مقام بس پست و محقری را دارا شده و مدرسه باید این نقص را بر طرف کند و ایرانی را با آن استعداد طبیعی که ذاتاً در این رشته

(۱) موضوعی که دراین باب اسباب زحمت است مصرف محل است جلو گیری از آن نیز چندان مشکل نیست وقتیکه شما یك اصول تعلیم وتربیت صحیح درمیان ملت قائل شدید بالطبع مضار استعمال افیون بطریقی که درممالك مشرقی معمول است برطرف خواهد شد انسان تاضرر یك امری را ندانسته مشکل است از ارتکاب آن خود داری کند لازم است درمدارس اثرات افیون و الکل را دراعضاء انسان عملا و بعینه نشان بدهند باور کنید آنهائیکه بعین دیده اند هر گز خودرا گرفتار افیون و الکل نخواهند نمود

دارد تربیت نماید .

اینك موضوع مهم دیگر که علاقه مخصوص بسعادت و ترقی و رابطهٔ ثابت و محکمی با تولید ثروت دارد صنایع و حرفه‌هائی است که در یك مملکتی باید وجود داشته باشد این رشته نیز مانند رشته فلاحت تعلیم و تربیت مخصوص لازم دارد و مانند سایر منابع تولید ثروت باید طرف توجه اولیای امور واقع گردد که اسباب و وسایل تعلیم و تدریس آن در مملکت مهیا گردد تا اینکه ایرانی بتواند با سایر ملل که در این فنون قرنها است جلو افتاده اند برابری کند .

یك قدری در اطراف و جوانب مملکت گردش کنید یا در بازار های شهر ها بروید بدکانها و محل های داد و ستد تماشا کنید خواهید دید از پنجاه دکان که بنظر شما میرسد در یکی از آنها متاع محصول ایران را پیدا نخواهید کرد هر چه بچشم شما میخورد تماماً از محصول صنایع خارجی است ایرانی در تهیه و تولید آنها هیچ شرکت نداشته و کارگران ایرانی در ساختن آنها هیچ دخالتی ننموده اند هر چه هست و موجود است از مصنوعات خارجی است و خود ایرانی در تمام نقاط مملکت دست روی دست گذاشته بیکار در گوشهٔ نشسته آفتاب میخورد ولی مایحتاج خود را از خارجه وارد کرده به مصرف میرساند و بفقر و پریشانی تن در داده از دایرهٔ سعی و عمل دور مانده است .

در اینجا میخواهم یك موضوع خیلی سهل و سادهٔ را بیان

کنم بعد سر اصل موضوع بروم

فرض کنید یك خانوادۀ دارای یك هزار تومان سرمایه باشد و عدۀ عائلۀ آن نیز بده نفر برسد هر ماه هم هشتاد تومان خرج داشته باشند حال اگر این عائلۀ ده نفری بخواهند بیکار و بدون انجام شغلی که از آن ثروت تحصیل شود امرار حیات نمایند آن هزار تومان در عرض یك سال تمام خواهد شد و از روی این حساب میتوانیم عمر آن خانـواده را بدقت بدانیم که در چه روزی به آخر خواهد رسید و از گرسنگی هـلاك خواهند شد حال اگر اینطور نباشـد و بر عکس در آن عائلۀ پنج نفری باشند که هر یك در ماه بیست تومان از راه کسب و کار تحصیل نمایند درینصورت یکنوع ترقی در میان آن عائله بظهور خواهد رسید ودر هر ماه مبلغ بیست تومان نیز بسرمایۀ ان افزوده خواهد شد

در این خانواده فرضی ما هر قدر عدۀ کارکنان بیشتر شود بهمان میزان و اندازه بسرمایۀ اصلی انها افزوده خواهد شد هیچ فرق نمیکند حال ملت نیـز همین است و مانند یك عائلۀ است منتها بزرگتر وحدود آن نیز عوض چهار دیوار خانه سرحدات مملـکت است .

ملت باید در داخلۀ این سرحدات که بمنزله چهار دیوار خانه است خرج و دخل روزانه و ماهیانه و سالیانه خود را در یك دفتر کوچك بغلی باقي و فاضل کـند اگر صادراتش کمتر از میزان وارداتست فوری در صدد عـلاج و چاره بر آید زیرا

ملت نیز مانند یك خانواده است خرج آن که در مقابل عایدی قلیل واقع شود انرا بفقر و پریشانی و بالاخره بطرف اضمحلال و فنا خواهد کشانید ناچارست که درصدد ازدیاد دخل بر اید و بین خرج و دخل خود تعادل دهد غیر از این چارهٔ دیگر متصور نیست اگر باشد تا حال که در دسترس ملل گذاشته نشده.

اگر ملتی بخواهد ترقی کند باید بیش ازمصرف خود تهیه وتولید ثروت نماید وان را طوری عمل بیاورد که بتواند برای مازاد مصرف خود بازار و خریدار پیدا کند تا بتواند بثروت ملی خود بیفزاید وخود را دولتمند ـ قوی ـ قادر و توانا نماید.

حال صحبت در مازاد مصرف نیست اگر ایرانی بتواند مایحتاج خود را ازاین راه تأمین کند زهی سعادت وسربلندی است و اگر بتواند اقلا آنچه که مصرف میکند خود تهیه کند آنروز روز با افتخار ایرانی خواهد بود.

شما ممکن نیست بتوانید یك اروپائی را پیدا کنید که عاشق خریداری امتعه ومحصول وطن خود نباشداین مسئله یك اسباب بدبختی بزرگیست که ایرانی نتواند مصرف و مایحتاج خود را تهیه کند یا برای خریدن واستعمال امتعه وطنی خود علاقه نشان ندهد.

صنایع یدی داخلی در اثر رقابت های خارجی دراین سنوات اخیر بیشتر دچار انحطاط گردید مخصوصاً درین پنجاه ساله اخیر بکلی از میان رفت گویا در خاطر ها باشد در کاشان و یزد و کرمان، گیلان مازندران خراسان وسایر نقاط ایران چقدر کار خانه های پارچه بافی ابریشم بافی و مخمل بافی و صنعت قلمکار و

سایر جنس های ذرعی موجود بود چه شدند ؟ بافنده های انها امروزه کی ها هستند خریدار انها کجاست که دروتخته تمام جفت شد و از بین رفت ؟ -

صد ها هزار مردم کارگر و سرمایه دار از این ممر ها تحصیل معاش مینمودند و کرور ها اعضاء خانواده ها از پرتو این مؤسسات زندگانی میکردند حال بجای تمام انها امتعهٔ خارجی استعمال میشود و قیمت ان از سرمایهٔ ملی یا از ان یك هزار تومان سرمایه عائله فرضی ما داده میشود وجبران ان ازهیچ راهی ممکن نیست روزی خواهد رسید که این ملت با فقر و پریشانی خیلی سخت ترازین که حالیه دست بگریبان است مصادف شود.

علاج تمام این درد ها - (اگر میخواهید مؤثر مفید و قطعی باشد) - تأسیس مدارس صنعتی است بجای این همه جار و جنجال چند مدرسهٔ فلاحتی و صنعتی دایر کنید بگذارید جوانهائی که دورهٔ ابتدائی را تمام نموده اند داخل این مدارس شده صنعت های یدی وحرفه های عملی را یاد بگیرند

تا شما این نوع مدارس انهم با نیت صاف و پاك و از روی ایمان کامل تأسیس نکنید محال است بتوانید چاره فقر و فلاکت یك ملتی را بکنید

این یگانه راهی است که تمام ملل مترقی روی زمین این راه را رفته بمقصود رسیده اند اگر از ابتدای ظهورمشروطیت زعماء قوم این راه را پیموده بودند امروز هزار ها جوان قابل وکامل ووطن پرست مفید بحال جامعه تحصیل کرده و با علم

داشتیم که هزاران درد های علاج نشدنی شما را چاره مینمودند.

باور کنید امروز هرذرع پارچه خارجی را که شما از دلالهای مسلمان گبر یهود و نصاری از بازار خریداری میکنید یك تکان محسوسی بارکان وطن و ملیت خود داده‌اید که نتیجهٔ تدریجی آن انهدام اساس استقلال سیاسی ومالی شما خواهد شد تا زود است بخود آئید اولاد و جوانان خودرا در مدارس علمی صنعتی و زراعتی تربیت کنید وسایل و اسباب تحصیل آنها را فراهم بیاورید ومانند یك پدر دلسوز و مهربان مراقب ومواظب باشید که تعلیم و تربیت صحیح و به معنای اتم آن فرا گیرند (اینکار نیزکار اولیای اموراست که وسایل و اسباب آنرا فراهم آورده خواهی نخواهی اولاد ایرانی را مجبور به فرا گرفتن معلومات فوق نمایند) .

اگرچه مکرر باین نکته اشاره نموده‌ام بازلازم میدانم در اینجا تکرار کنم که تربیت اولاد بسته باستعداد پدر خانواده است اگر پدر تحصیل کرده و دارای معلومات است منافع علم و صنعت و مضار جهل و نادانی‌را میداند یقین اولاد خود را طوری تربیت خواهد نمود و تعلیم خواهد داد که در دنیا عاجز ذلیل بی دست ویا بار نیاید و او را با معلومات علمی و صنعتی و یدی چنان مسلح خواهد نمود که در هر درجه از درجات اجتماعی واقع شود بتواند امور زندکانی خود را خود اداره نماید و بار دوش کسان یا جامعه یا وطن خود نشود و قادر باشد علاوه براینکه کلیم خودرا از آب بیرون کشد دست

مساعدت بسوی دیگران نیز دراز کند و برای وطن و ملت خود مفید باشد جامعه از وجود او استفاده کند - یك پدر با معلومات تربیت اولاد خود را اینطور میخواهد واینقسم انجام میدهد حال یك دولت نیز چنین است باید جای آن پدر عالم وبصیر باوضاع زمان را بگیرد وبهمانطور منتها دامنهٔ آن وسیعتر و عریض تر اولاد و فرزندان وطن خودرا تعلیم وتربیت کند و آنهارا مردان دانشمند صاحب معلومات دارای صنایع متنوعه بار آورد اگر میخواهد ملت و مملکت خودرا ترقی دهد راه ترقی همین است دولت ما باید مانند یك پدر با معلومات یك خانواده اولاد خود را با بهترین معلوماتی مسلح کند وآنهارا بکسب علم و صنعت باز دارد مجبورشان کند که مایحتاج خود را خود تهیه نمایند و اگر تمام آن مایحتاج را خود نتوانند آماده کنند علم واطلاع فهم و قوه سعي و عمل خودشان را در راهی صرف نمایند که نتیجه بهتری بدست آورند - اگر نمیتوانند پارچهٔ خوب ببافند یا اسباب ووسایل تهیه آن بطوریکه برای سایرین موجود است برای آنها فراهم نیست اسباب و وسایل ما یحتاج دیگریرا فراهم آورند که استعداد تهیهٔ آن در آنها یا اسباب آن بهتر آماده است

فرض کنید اگر ما امروز نمی توانیم قند و شکر بعمل آوریم و اسباب وادوات و کارخانه آن فراهم نیست خود نیز قبل از اینکهٔ درعمل آوردن قند فکر کرده باشیم یك مصرف عمدهٔ آنرا دراین مملکت ایجاد نموده ایم ناچاریم برای جبران

و حفظ آن سرمایه یکهزار تومان فرضی عائله اوقات خو درا مصروف تهیه و فراهم اوردن متاعی نموده باشیم که انرا داده در عوض قند و شکر برای خانوادهٔ خود تهیه نمائیم البته اگر جز این باشد آن سرمایه اصلی فقط برای مصرف قند وشکر از بین خواهد رفت پس ناچاریم تهیهٔ متاع دیگر نمائیم و اگر هیچ چیزی در دسترس خود نداشته باشیم اقلا صنعت اجدادی و ارثی خود یعنی قالی بافی آن صنعتگران بهای موروثی ایرانی را که با تمام نیرنگهای خارجی و داخلی نتوانسته اند، آنرا از چنگال ما بیرون آورند یا مانند آن را در خارج تهیه نمایند از دست نداده ایم .

ما باسانی میتوانیم این صنعت گرانبهای پدران را که در عرض قرون متمادی میان عائله های ایرانی متداول بوده هنوز هم که هست در میان هر کلبهٔ محقری دستگاه آن بر پاست بطور عملی ترقی دهیم با رنك آمیزی مخصوص امروزی که پسند بازارهای اروپا و امریکاست با رنگهای ثابت ایرانی که هرگز زوال پذیر نیست تهیه نمائیم وبدهیم در عوض قند و شکر که محصول وطن امروز ندارد بگیریم .

این از عقل دور است که ملت را بخوردن چای و قند و کاکائو و امثال آن عادت داد ولی فکر نکرد که پول آن را از کجا باید اورد وداد شما دارای هراندازه ثروت وسرمایه باشید در صورتیکه چیزی دربساط باقی نمانده است بازهم قادر

خواهید بود قند و چای و انواع و اقسام اینها را از خارج بخرید ؟ با کدام پول ؟

خوب دیگران این فکر را نکردند شما هم که نکنید چه فرقی با پیشینیان بی اطلاع و بی فکر و دانش خود خواهید داشت . ؟ .

وقتي که پدر یك عائله دید اولاد او مخارج دیگری پیدا نمود و یا احتیاجات دیگری داشت ناچار است یا یك منبع عایدی جدیدی پیدا کند که آن احتیاج را جبران نماید یا اینکه ازسرمایه اصلی واندوخته خود جبران کند و این طریق طریق فنا و اضمحلال آن خانواده است .

حکومت یك ملتی نیز همین مسؤلیت را داراست وقتیکه یك ملتی رو برشد و نمو میرود یا تمدن سایرین از گوشه و کنار آن بشکل تجملات خود نمائی میکند لا بد و ناچار احتیاجات سابق آن ملت افزوده خواهد شد پناه بر خدا وقتی که آن ملت درحال نیم وحشی و غیر متمدن باشد و بنمایش های ظاهری متاع بیکا نکان بدون شك مفتون شده خود را بزر و زیور قشنك بد اصل خوش ظاهر و بد باطن آن متاع آراسته خواهد نمود (۱)

چه فرقي مابین ما و وحشی های افریقای وسطی است ؟
دانه های زرنکار که هزار دانهٔ آن بیش از ده شاهی ارزش ندارد

---

(۱) من در جای دیگر درینموضوع بیشتر بحث خواهم نمود مخصوصاً در باب استعمال تجملات خارجی که زنان ایران بیش از بار آورندکان و آماده کنندکان این متاع بترویج آن میکوشند در حقیقت آرایش و زینت آنها با تجملات خارجی دلیل بر بی اطلاعی آنها است نه بر سلیقه وو جاهت

در عوض عاج و پوست پلنك قبول مینمایند ما نیز درست همان اخلاق و عادات را دارا هستیم - طلا و نقره که گران بهاترین فلزات روی زمین است و نمیدانیم چگونه تحصیل شده و با چه زحمتی بدست آمده است میدهیم و در عوض روبان یا بافته های پنبهٔ توری که بیش از چند ساعت رونق و دوام ندارد خریداری میکنیم درست دقت کنید هیچ فرقی بین شما و وحشی های ادوار سلف موجود است ؟

این نیز یك بدبختی روی بدبختیهای دیگر ایرانی‌است که قبل‌از دارا شدن علم و اطلاع و بصیرت باحوال و اوضاع تمدن مادی اروپا که وارد ایران گردیده و قسمت اعظم آن مخرب اخلاق و صفات پسندیدهٔ بشراست ملت جاهل از همه‌جا بی خبر همان تمدن مادی را استقبال نموده عوض فرا گرفتن علم اروپائی گول ظاهر آنرا خورده همان شکل ظاهر آنرا قبول نمودند ومقلد صرف‌آن شدند بدون اینکه درفکر وطرز زندگانی ایرانی فرق محسوسی پیدا شده باشد

رفع این عیب نیز فقط از راه مدرسه خواهد بود و بس در هر حال دولت باید تمیز بدهد و خوب مطالعه کند و دقت کند و ببیند ملت او چه احتیاجاتی را داراست و تهیهٔ آن بچه وسیله ممکن است آیا میشود آنها را درداخله مملکت ارزان و مناسب فراهم نمود اگر میشود چه بهتر باید بدون فوت وقت اسباب و وسایل آنرا خود فراهم بیاورد زیرا غیراز او کسی دلسوز نیست علاقه ندارد بر عهدهٔ دولت است اگر

دولت نکند کسی دیگر نیست آنرا انجام دهد ما هنوز خیلی راه داریم تا بمقصود برسیم و از خود دارای عزم و اراده باشیم و بتوانیم خود بخود راه ترقی و تجدد را بپیمائیم .

تجار و سرمایه‌داران ما هنوز هم که هست مانند دلاکهای بیکار حمام سر یکدیگر را میتراشند و اگر فرصت کنند ریش دولت را هم قبضه خواهند نمود (۱) هنوز لذت استقلال سیاسی و اقتصادی را هیچ یك از طبقات مردم نفهمیده و ندانسته اند هروقت بدانند آنروز از جان و مال در راه ترقی و سعادت ملت دریغ ندارند .

اگر چشم و گوش ایرانی باز بود اوضاع و احوال برادران اسلامی خودرا میدید ومیشنید ضجه وناله‌های مسلمانان مصر و هند و سایر ممالك مسلمان نشین افریقا و آسیا بگوش او میرسید آنوقت لذت ومعنی استقلال سیاسي ومالی‌را میفهمید و آنها را مانند جان شیرین درآغوش میگرفت و برای حفظ و نگاهداری آنها از مال وجان وفرزند وهستی خویش دریغ نمی نمود آوخ ! خواب شرقي چقدر سنگین است ؟ !

احتیاجات ملی‌که معلوم شد طریق تحصیل آن نیز باید معلوم شود ــ آیا در داخله تهیه شود بهتر است یا از خارج اگر از خارج است باید متاعی را در عوض در داخله بوجود آورد که آن مصرف یا احتیاج را که از خارجه است جبران

(۱) این یك اصطلاحی است در میان اهل بازار که خودشان بهتر بمعنی حقیقی آن آشنا هستند .

کنند غیر از این شق ثالث ندارد

این کی خواهد شد ؟ وقتیکه مدارس علمی و صنعتی در نقاط مهم و عمده مملکت دایر شود - دامنهٔ آن عجالتا چندان وسیع هم لازم نیست ممکن است یکچنین مدارس عالی یا دارالفنون‌هائی یکی در شیراز - یکی در کرمان - یکی در کرمانشاهان - یکی در تبریز - یکی در خراسان - یکی در مازندران - یکی در رشت - یکی در خوزستان - یکی دو باب هم در خود پایتخت که مجموعاً ده باب بیشتر نخواهند شد وهر یك اگر خوب اداره شود و بمعنای تام وتمام وحقیقتاً مدرسه باشد سالی بیش از ده هزار تومان خرج نخواهد داشت ودر تمام مملکت درسال بیش‌از یکصدهزار تومان مخارج آنها نمیشود دراین‌صورت درمدت‌پنجسال دارای هزارها جوان تحصیل کرده با علم وصنعت خواهید بود .

غافل هستید وقتیکه جوانهای یك ملتی ازروی اصول علمی و صنعتی تربیت شدند چه انقلاب عظیمی درمملکت پیدا خواهد شد ؟

غرض من انقلاب خونین نیست من درهر جا ودر هر موقع در نوشتجات و مقالات خود باین نکته اشاره نموده‌ام که ایران فقط و فقط در سایهٔ اصول ثابت و محکم خلل ناپذیر تکامل ترقی خواهد نمود وبس وهرکس دست بنغمهٔ انقلاب زند از اوضاع واحوال روحیات ایرانی بی اطلاع است .

تاریخ ملل بیشماری را در مد نظر دارم که عدهٔ

منور الفکری کم تجربه گول یك طبقه بسیار قلیل جامعه را خورده متوسل باصول انقلاب خونین شده نه تنها هستی وجان خود بلکه زندگانی مادی و معنوی یك ملتی‌را دچار فلاکت و بدبختی نموده‌اند و یکنوع موانعی در مقابل رشد ونمو مادی و معنوی ملت خویش فراهم آورده ترقی آن را سالها عقب انداخته اند .

این انقلاب که من مقصود دارم بمرور زمان در اثر تعلیم و تربیت معلمین ماهر و استادان ذو فنون در میان شاگردانیکه در این‌مدارس تحصیل میکنند پیدا شده و اینها وقتیکه ازمدرسه خارج میشوند دارای معلومات علمی و عملی و صنایع و حرف یدی خواهند بود و این جوانها با یك شوق و ذوق ملی با استعداد جوانی و با اسلحه علمی که در مدرسه فرا گرفته اند محیط خاموش بی سر و صدای مستولی شده از چندین قرن گذشته ایران را بر هم زده روح جدیت و شهامت وسعی وعمل را که علایم جنبش عمومی و تغییرات کلی آتیه است بجای آن ایجاد خواهند نمود و در هر رشته از رشته های تولید ثروت مانند زراعت ـ صناعت ـ تجارت و هزاران منابع دیگر تولیدثروت یك انقلاب عظیم پر جوش و خروشی بظهور خواهد رسید که اسباب حیرت و تعجب خودی و بیگانه گردد .

من در رساله سوم این رشته از احوال روحیه وساختمان فکری و دماغی ملت ایران مشروحاً بحث خواهم نمود وبدلایل تاریخی و عقلی و حسی روشن خواهم کرد که استعداد ذاتی و

فطری ایرانی تا چه پایه است و اینکه تا امروز باین حال خمودگی و تنزل و انحطاط مانده علل آن چیست اگر جامعه ایرانی باید ترقی کند راه و طریق آن کدامست تمام اینها را مفصلا و مشروحاً و مبسوطاً بیان خواهم نمود حال می خواهم بیك نکته کوچك و مختصری اشاره کنم بعد دنبالهٔ سخن را گرفته این رشته را باخر رسانم .

مقصود من در اینجا اینست که ایرانیرا نمیشود با سایر ملل آسیائی مقایسه کرد اصلا و اساساً ایرانی غیر از نژادهای مختلف آسیائی است استعداد ذاتی و فطری آنرا هیچ یك از ملل آسیائی دارا نیستند (۱) با اینکه از تربیت مادی ومعنوی آن قرنهاست غفلت شده آن استعداد ذاتی را هنوز هم داراست و مانند یك قوه پنهان و مخفی در هر آن میتوان آنرا به کار انداخت و استفاده نمود در طبیعت ایرانی نیز چنین قوه موجود است فقط محتاج به اینست که یك علاقه مند و دلسوزی آنرا بکار اندازد .

امروز دیده میشود در هر مدرسهٔ خارجی که اطفال و جوانان ایرانی داخل میشوند گوی سبقت را از سایرین میربایند و از سایر اطفال ملل اروپائی در تحصیل و درك علوم پیش می گیرند در هوش و ذکاوت و فهم مسائل علمی و صنعتی بهیچ -

(۱) رجوع شود بسفر نامه مسیو ژبر که مؤلف کتاب مرآت البلدان از صفحه ۳۶۲ تا صفحه ۳۶۹ بان اشاره نموده وقسمتی را ترجمه کرده است جلد اول . بعلاوه پروفسور ادوارد برون مرحوم در کتاب انقلاب خود شرحی مبسوط در باب صفات فطری ایرانی نگاشته است -

وجه از سایرین باز نمیمانند و اگر فردا یکنــوع تعلیماتی در مدارس ایران بطور علمی بر قرار شود و از حشو وزواید دروس مانند صرف و نحو بیمورد و تعلیم شرعیات بیموقع و فقه واصول که هیچ مناسبت با دوره تحصیلات علمی و فنی و صنعتي ندارد (۱) جلو گیری شود خواهید دید جدیت و استعداد ایرانی در فرا گرفتن علوم و فنون و صنایع یدی تا چه درجــه است شما فقط کمك کنید قیود و پای بند های ادوار گذشته را از دست و پای آنها بردارید زمینهٔ تحصیل و تربیت را برای آنها فراهم آورید اسباب و وسایل دانستن و فهمیــدن را برای آنها آماده کنید و باین واسطه روح دانستن ــ خواستن و توانستن را در آنها ایجاد کرده اید آنوقت است که ایرانی خواهد توانست از منابع طبیعی و خدا دادی خود بر خوردار گردد و آنها را خود و بنفع خود بکار اندازد .

بشما برنخورد عصبانی هم نشوید اگرچه تلخ است ولی چه باید کرد چون عین حقیقت است باید گفت و آن نیز این است که بواسطه عدم اطلاع و عدم بصیرت و عدم علم و دانش تمام منابع ثروت ملی شما در دست بیگانگانست حال نمیخواهم داخل در جزئیات امر شوم و بیشتر شمارا خسته وملول کنم

(۱) اشتباه نشود من مخالف تدریس این عناوین نیستم ولی باید دیددر کجا و برای چه اشخاصی باید تخصیص داده شود تدریس آنها درمدارس‌ابتدائی که مورد ندارد و شرح آن گذشت در مدارس فنی و صنعتی و حرفهای یدی نیززیادآن‌موضوع ندارد ونمیشود جوانان بااستعداد رابااین عناوین معطل کرد زیرافرصت ندارند

ولی یك منبع عایدی نیست که نفع سرشار آن عاید خارجی نشود پر جای دور ودراز نمیرویم استقلال مالی یك ملتی بسته باعتبار آن ملت‌است و اعتبار عمدهٔ آن اسناد خزانه داریست از شما سؤال میکنم این اسناد شما دارای این اعتبار هست ؟ اگر نیست میدانید چرا نیست ؟

یك سؤال دیگر از شما میکنم تا مطلب بهتر روشن شود . هیچ میدانید منافع رواج اسکناس دریك مملکتی چیست ؟ میدانید دولتی نیست که رواج اسکناس و میزان جریان آن دست خودش نباشد ؟ تا صدور میزان و رواج آن دردست خود دولت نیست گرفتار چه بی اعتباریست ؟

من تصور نمیکنم در تمام ایران پنجنفر باشد که بمضار باطنی این امر پی برده باشد واضحتر عرض کنم امرو زروح استقلال مالی ایران در ید قدرت بانك انگلیس است وهر وقت بخواهد آنرا خفه خواهد نمود (۱)

بر دارید راپرت مؤسسات نفط جنوب را خوب دقت کنید در ایران کسی پیدا میشود بداند که چه عملیاتی در معادن نفط جنوب میشود ـ کتاب سرادوارد گری را که درسال

---

(۱) هنوز اینموضوع اسباب تعجب و حیرت‌من است که یك تحقیقات عمیق‌تری در این مسئله نشده بموجب ماده سوم‌قرارداد دولت ایران با بارون‌روتردرسال ۱۸۸۹ مسیحی و ۱۳۰۷ هجری بامضای ناصرالدین‌شاه رسیده میزان رواج اسکناس ، ۸۰۰ هزار لیره است که نصف آن قسمت باید عین طلا در خزانه بانك موجود باشد و بعد به یك ثلث برسد حال معلوم نیست آیا باین شرط عمل شده است یا نه حالیه چه حالت دارد ..

۱۹۲۶ در دوجلد انتشار یافته آن قسمتیکه در باب عایدات و اهمیت معادن نفط‌جنوب ایران شرح داده مطالعه کنید خواهید دید چه عایدات سرشار فوق‌العاده از این راه نصیب سرمایه - داران دولت انگلیس میگردد صبر کنید خواهید دید همان عبارت‌را که‌درباب هندوستان مکرر درمکرر گوشزد دنیا نموده‌اند که انگلستان ممکن نیست بدون هندوستان زندگی کند در باب معادن نفط جنوب ایران نیز همین کلمات را تکرار خواهند نمود که‌انگلستان بدون معادن نفت جنوب نمیتواند دردنیا زندگی کند با تمام این احوال در ایران یکنفر مطلع وبصیر این کار نیست که بداند وبفهمد وتمیز بدهد صاحبان امتیاز درآن معادن زرخیز که شهرت منافع کثیر آن دنیا را بحیرت انداخته چه میکنند عایدی حقیقی آن چیست ؟ سهم صحیح ایران چه مبلغ است ؟

خاطر دارم وقتیکه موضوع واگذاری نفط شمال به کمپانی امریکائی مطرح بود مکرر در ساحت مقدس مجلس اظهار میشد که ما هیچ اطلاعی از معادن نفط و استخراج آن نداریم این برای یك ملتی خجالت نیست که از منابع ثروت و عایدی که خداوند برای ان در بطن زمین ذخیره نموده است اطلاع نداشته باشد ؟

ایرانی استعداد ذاتی و فطری را داراست قوای فهم و تمیز ان بحد کافی بلکه زیادتر درنهاداو سرشته‌است جدیت و پشت کار در سعی و عمل را دارد فقط و فقط عیبیکه دارد

اینستکه قوای روحی و جسمی‌او بکار نیفتاده مانند اعصاب از کار باز مانده میباشند که باید انها را بکار انداخت مثل خفتهٔ میماند که باید بیدارش کرد آن نیز بهیـــچ راهی ممکن نیست جز از راه علم ودانش آنرا هم باید در مدارس صحیح ومرتب و منظم تحصیل نمود .

موضوع معادن ایران از موضوعــات بسیار مهم است اگر چه امتیازات بیحد و حساب در زمان سلاطین بی علاقه قاجار باجنبیها داده‌شده بااینحال آنچه‌که باقی‌است ودراختیار خودشانست باز یك منابع عایدی سرشاریست و اگر ایرانی در شناختن آنها ماهر شود و برای استخراج آنها کوشش کند در اندك زمانی منافع هنگفت عاید ملت و دولت خواهد گردید و این فقر و فاقه وپریشانی طبقات کارگر تا حد معینی بر طرف خواهد شد سرمایه‌های زیاد برای استخراج آنها بکارافتاده عدهٔ زیادی در عملیات وتهیه آنها بکار مشغول خواهند شد این که ایراني نمیتواند داخل این رشته ها شود برای اینستکه اطلاع ندارد و معلومات این فن را فرا نگرفته است هیـــچ صحبت معدن‌شناسی بگوشش نرسیده یك مؤسسهٔ که این فن‌را درایران ترویج کند وجود نداشته سالهاست باسم یك وزارت فوائدعامه وجود دارد که تا چند سال قبل آنهائیکه بیرون دروازه طهران مسکن دارند اطلاع نداشته اند حال بعد ها اگر یك عملیاتی بکند و از خود آثار و علایمی در باب معادن ایران ظـاهر نماید بسته باتیه است که هنوز نیامده است .

اما برای اینکه ایـران از معادن بیحد و حساب و گرانبهای خود استفاده کند در قدم اول تعلیم وتربیت یکعده جوانان ایرانی است در این فن شریف که بواسطه آنها یك تحقیقات علمی و عملی در تمام نقاط مملکت ایران بعمل آید و از روی یك صورت و احصائیهٔ صحیح نقاط وجبال هر یك از معادن ونوع آن و استعداد انرا معین کنند دولت نیز اسباب تشویق و تسهیل وترغیب صاحبان سرمایه‌های داخلی‌را فراهم اورد که بتوان با دست ایرانی وسرمایهٔ ایرانی وبرای منفعت ایرانی این معادن زرخیز خدادادی را بکار انداخت .

این قسمت نیز مانند قسمت های دیگر منابع تولید ثروت بواسطه عدم علاقه سلاطین وقت یا بروز و ظهور هرج و مرج های بیشمار که ایران همیشه گرفتار و با آنها دست بگریبان بوده است بمرور از بین رفته و دیگر کسی بفکر استفاده از آنها نبوده است معادن ایران بقول علماء متبحر این فن بهترین معادن روی زمین و از حیث خزائن معدنی وافر تـرین آنها ست در زمانهای قبل از اسلام وقتیـکه ایران دارای شأن و شوکت امپراطوری بوده بکثرت و وفور از آنها استفا ده شده است ولی همینکه اغتشاشات داخلی حکم فرما شد این معادن نیزمتروك مانده است .

چون فرصت و موقع نیست از شرح داستان حیرت انگیز این معادن درزمانهای قبل صرف نظر میکنم فقط بیك مختصر شرحی اززمان سلاطین صفویه که یك دوره نسبتاً امن وامان و هنگام سعی

وعمل بود اکتفا مینمایم .

در زمان سلطان عظیم الشأن شاه عباس کبیر معادن ایران بکار افتاد معادن آهن - فولاد و مس و سرب و نقره از کوههای اطراف و نواحی اصفهان - کرمان - یزد مازندران و کردستان و قزوین استخراج میشد حتی ازمعادن نفت خوزستان نیزاستفاده شده معادن فیروزج نیشابور مبالغی عمده عایدی داشت .

کتابهای دونفرنویسنده که معروف هر ایرانی هستند شاردن و تاورنیه که هردو از نویسنده های دقیق وماهر بودند و با عدهٔ از سلاطین صفوی معاصرند بطور مبسوط ازمعادن ایران سخن میرانند که خود یك داستان علیحدهٔ است .

با اینکه زمان نادر یك دورهٔ ساکت و ارامی نبود و ملت ایران بواسطه از بین رفتن سلسلهٔ صفویه و حمله افغان و جنگهای نادر در حال تشنج بودند

باز قسمتی از معادن ایران از کار نیفتاده بود در آمل مازندران کوره آهن ذوب کنی دایر بوده و لوله های توپ و گلوله های آنها وسایر ادوات جنگی ازآهن های استخراجی از معادن ایران تهیه میشد .

در دوره قاجاریه نیز معدن شناسان انگلیسی در معادن آذربایجان تحقیقات و عملیات نمودند مخصوصاً معدن شناس معتبر موسوم به ویلیام سن درنزدیکی ترکمان چای اسباب و ادوات عریض وطویلی برای استخراج مس بکار انداخت .

معادن اهن محال قره داغ معروف خاص و عام است در

اواخر سلطنت فتحعلی شاه فرمان استخراج و بکار انداختن معادن اهن قرچه داغ بیکنفرانکلیسی داده شد و ماشین و اسباب مخصوص برای استخراج نیز ازانکلستان وارد نموده بکار انداخت و بواسطهٔ اختلافات سیاسی که خود یك داستان علیحده است این نیز بدون اخذ نتیجه متروك ماند

ناصر الدین شاه عشق مفرطی بطلا و نقره داشت و خیلی هم سعی مینمود که معادن انها را در ایران پیدا نموده بکاراندازد شاید محرك اصلی فرستادن یکعده شاکرد باروپا و تدریس رشته مهندسی ومعدن شناسی دردارالفنون طهران همین یك مسئله بوده است و بس - ولی سوراخ دعا را کم کرده بود

لرد کرزن معروف در جلد دوم کتاب خود راجع بایران در صفحه ۵۱٤ مناطق مخصوصی که معادن ایران در انها واقع شده اند به شش منطقه تقسیم نموده اول اذربایجان دوم دامنه های شمالی و جنوبی سلسله جبال البرزدرقسمت رشت - زوذبارواستراباد سوم خراسان چهارم کرمان پنجم نواحی مرکزی از قم تا شیراز مخصوصاً اطراف اصفهان و نائین ششم سواحل خلیج فارس و جزایر ان و برای هر یك از این قسمت های ششکانه یك سلسله اطلاعات مفیدی بیان میکند که نقل تمام انها در اینجا باعث تطویل است و نویسنده را ازمقصود خود دورمیکند طالبین اطلاعات این قسمت را بکتاب فوق از صفحه ۵۱۰ تا صفحه ۵۲۲ مراجعه میدهیم که سر فرصت مطالعه نمایند .

مقصود عمده من نمودن اهمیت فوق العاده معادن ایران

است که غالب نویسنده های اروپائی در کثرت و وفورخزائن آنها غلو کرده و گفته اند معادنـی در دنیا نیست که از حیث مایه و وفور خزائن بپایهٔ معادن ایران برسد یا با آنها برابری کند (۱).

اگر ملت و دولت ایران بخواهد از این معادن خدادادی که ملیون ها سال است دست قدرت الهی آنها را در بطن زمین برای استفاده ایرانی بودیعه گذاشته است استفاده کند ـ باید اولاد و فرزندان خود را برای استخراج آنها تعلیـم و تربیت نماید و آنها را در این رشته بخصوص عالم و متبحـر گرداند تا بتوانند منافع عمده از این راه بهره بردارند

یك قسمت دیگر ماند که لابد به آن نیز باید اشاره شود و آن تأسیس مدارس مخصوص تجارتی است که جوانان مستعد تحصیل کرده که میخواهند درین رشته سود مند که اسباب ترقی و ازدیاد ثروت یك مملکتی را حاوی است داخل شوند و آنرا برای بقیه عمر خویش شغل بخصوص قرار دهند ناچارند اطلاعات راجع باین قسمت را نیز تحصیل نمایند

در ایران هیچ چیزی از روی تربیت و تعلیم بار نیامده چون اینطور نبوده یعنی تعلیـم و تربیت در رشد و نمـو آن دخالت نداشته هر کس در هر رشته حرفت یا صنعتـی که بوده خود رو و من عندی بار آمده نه استاد متبحر دیده نه کتابی در آن باب مطالعه نموده است بلکه مانند بچه عنکبوت تنیدن را

(1) Curzans Persia vol.2P.510

بارث دارا شده است .

ولی برای بشر آن ادوار سپری شد امروز یگانه اسلحه مرد دنیا علم است هر کس دارای این اسلحه نباشد وجود او عاطل و باطل و بیکار است اگر دارای بنیه و مزاج سالم باشد فقط مانند یك پیچ یا مهره یك ماشین مورد استفاده خواهد بود دیگر دارای آن فهم و رشد و نمو و تمیز نیست که بتواند خود اختراع یك ماشین یا اسباب تولید ثروت را فراهم بیاورد مثل حیوان بار بر در دنبال یك شلاق خواهد داشت تا نفس واپسین را بکشد و با مرك هم آغوش گردد ــ امروز اغلب ملل شرقی در چنگال ملل اروپائی گرفتار این مصیبت هستند .

تجار ایرانی نیز مانند سایر طبقات خود رو و بدون فرا گرفتن معلومات و فنون پیشهٔ خود بار آمده نتیجه هم جزء این نیست که تماماً دلال امتعهٔ خارجی شده اسباب رواج آنرا میان هموطنان خود فراهم آورده اند

اگر این حرفت سودمند از روی قواعد علمی تحصیل شود آنوقت تجار ایرانی خواهند توانست بازار های متعدد برای امتعهٔ خود پیدا نمایند وطریق تهیه و تولید ومحل مصرف آنرا بدانند و آنرا با بهترین وضعی بوجود آورند .

در ایران امروز یك تاجر سرمایه دار بمعنی تام و تمام آن پیدا نخواهید نمود دلیل عمده آنهم پر واضح است که این فن شریف از روی اصول علمی تجارت در این مملکت معمول نبوده است .

تعجب خواهید نمود اگر بشنوید که دنیای متمدن امروزی را طبقه تجار و سرمایه دار اروپا اداره میکنند - دولت های امروزی ملل متمدن عالم در اثر نفوذ و قدرت سرمایه داران و تجار معتبر عزل و نصب میشوند نفوذ یك تاجر سرمایه دار به مراتب بیش از نفوذ یك پادشاه است یگانه عامل مؤثری که ملت با عظمت دول متحدهٔ امریکا را بطرف جنك خانمان سوز عمومی سوق داد همان قدرت و نفوذ واستیلای طبقه سرمایه دار امریکا بود و بس اصلا خود جنك عمومی نیز جنك سرمایه داری بود شاید جنگهای آتیه نیز برای قرنها روی همین اصول در خواهد گرفت عجالتاً جنك باطنی با شدت هر چه تمامتر بین سرمایه داران سه دولت معظم دنیا که در نتیجه جنك عمومی گذشته بحد اعلا بر خور دار شده اند بحد اعلا وجود دارد (دول امریکا - ژاپون - انگلیس) این کشمکش همان کشمکش قبل از ۱۹۱٤ است که بین تجار و سرمایه داران انگلیس و آلمان برای تجارت دنیا وجود داشت و حالیه بین سرمایه داران انگلیس - امریکا و ژاپون پیدا شده است - شاید درآتیه خیلی نزدیکی دنیا در اثر همین کشمکش گرفتار یك جنك عظیمی گردد

در هر صورت ما باید در فکر خود باشیم و در هر رشته از رشته های زندگانی که مربوط به تولید و تقسیم و مصرف ثروتست عالم و متبحر تحصیل کرده مدرسه دیده وتصدیق گرفته و تجربه اموخته داشته باشیم جز این راه نجات دیگری در پیش نیست و یکی از این رشته ها داشتن تجار عالم و بصیر میباشد

که احتیاجات وطن خود را بداند و اسباب و وسایل تهیه وتولید ثروت را از روی اطلاعات علمی تمیز بدهد منافع ومضار تجارت خارجی را بفهمد بازار فروش و محل های مصرف امتعه ومحصول وطن خویش را بشناسد و بر طبق سلیقـه و پسند آن بازار ها امتعهٔ وطن خود را تهیه نماید آنوقت است که میـزان تجارت خارجی شما با تجارت داخلی تعادل پیدا میکند دیگر آن کسری کمر شکن که هر ساله از فزونی واردات بر مملکت وارد می شود در سالنامه های گمرکی وجود خارجی نخواهند داشت و رفع تمام این معایب فقط از راه مدرسه خواهد شـد و بس و هر قدر بخواهید برای جلو گـیری از واردات اشیاء و اسباب تجملی قانون وضع کنید یك شاهـی ارزش نخواهد داشت آن تجار بی علم و بی سواد و از همه جا بی خبر بهر اسم ورسمی که باشد این متاع را وارد خواهند نمود (۱) و چندین برابر قیمت اصلی آن بفروش خواهند رسانید و این خانم های کـه باید در جامعه بیش از هر کس استعمال اشیاء تجملی را بد بدانند وعمده‌وسیله مصرف متاع عوام فریب خارجی هستنـد، آنها را خواهند خرید بدون اینکه مضار و خسارتهای هنگفت آنرا برای مملکت مطلع شوند تنها خانم های ایرانی نیستند بلـکه جوانان

(۱) پارسال که گفتگوی منع‌ورود‌اشیاء تجملی مطرح بود‌دلالهای تجار خارجی که بنام تجار گبر و یهود و مسلمان و نصارا معروف هستند یك جار و جنجانی راه انداخته بودند که گوش‌همه را کر کرده بود ولی اگر بدفاتر آنروزهای بانك مراجعه شود خواهید دید میزان اخذ بروات برای سفارش امتعه تجملی از خارج ده برابر مواقع عادی بوده ــ این نیست جز عدم علم و اطلاع

متمولین بي علم و اطلاع نیز بدون خجالت از استعمال آنها خود داری نخواهند نمود .

این توهین نیست بلکه عین حقیقت است که بیان می شود میخواهید برای العین مشاهده کنید یکروز را در خیابان لالهزار بتماشا بروید از این جوانهای بی مغز خواهید دید تقصیر هم ندارند عدم علم و اطلاع و نداشتن تعلیم و تربیت نبودن مربي جدی انهارا باین نوع زندگی سوق داده است من درین باب در رساله سوم این رشته مشروحا بحث خواهم نمود و انهارا بمضار این زندگی اگاه خواهم ساخت و بانها اصول زندگی بشر را گوشزد خواهم نمود امیدوارم اثرات نیکی در وجود انها تولید کند و انهارا بصراط مستقیم وادارد و یکروح وطن پرستی در انها ایجاد کند .

اینك این قسمتهارا که بطور مشروح در فوق گذشت خلاصه میکنم .

برای ایجاد روح صنایع و حرف برای تولید و تقسیم و مصرف ثروت و برای قوت و قدرت و توانائی ایرانی برای کسب تمدن مادي و معنوی امروزی دنیا برای بقای حیات سیاسی و اقتصادي و برای رفع هزاران حوائج و ضروریات زندگانی حالیه و اینده ایران و ایرانی تأسیس مدارس علمی صنعتی - فنی - زراعتی و تجارتی لازمست تااساس یك زمینهٔ محکم و متین و ثابت و منظمی برای ترقیات ایرانی فراهم گردد .

قدرت و توانائي بشر بسته بقوای سه کانه اوست قوه بدنی

ـ فکری واخلاقی تاهر حدی کـه این قوای سه کانه را داراست نفوذ و قدرت و توانائی او نیز بهمان درجه است فهم و دانستن دنیا و انچه کـه درانست بعبارت دیگر محیطی که او را احاطه کرده است زمین ـ اسمان ـ کوه دشت صحرا ـ دریا ـ مـاه ـ خورشید ـ سیارات منظومـه های شمسی ـ لوح ـ کرسی کـهکشان ـ کاو ماهی خلاصه کـلام فضای لا یتناهی کـه در دانستن ابتدا و انتهای عرض و طول ان عقل عاقلترین حکماء و فضلاء اعصار گذشته و حال بلـکه اینده مشغول تمیز ودانستن و فهمیدن و پی بـردن تمـام اینهاست منوط بدرجه علم و دانش اوست .

اگر علم و دانش او محدود بعلوم ابتدائی است زندکانی خودرا نیز مطابق همان معلومات ترتیب خواهد دادا گرفوق انست ـ فرض کنیدمتوسط ـ زندکانی او نیز برطبق اطـلاعات متوسط نقش خواهد بست اگر عالی است درجات عالیزندکانی را سیر خواهد نمود اگر اولین درجـه معلومات علـوم و فنون امروزی را داراست یقـین کنید و قبول داشته باشید کـه یك زندکانی اولین درجه امـروزی را برای خود مرتب خواهدنمود و هیچ گوش بحرفهای شماهم نخواهد داد برطبق تعلیمات و تحصیلات و معلومات خود امور زندکانی خودرا اداره خواهد نمود حال شما بااین همت بلند و کوتاه کـه اولی نتیجه تعلیم و تربیت و دومی میوهٔ تلخ جهل و نادانی است هر یك را می ـ خواهید داشته باشید اگر زندگی آبرو منـدی را طالبید باید

وسایل و اسباب دانستن و فهمیدن آنرا برای ملت خود فراهم بیاورید اگر نه آن قسمت ثانی زحمت ندارد و باسباب و وسایل آن نیز احتیاج نیست خود بخود برای هر ملتی فراهم میشود.

تحصیل علم و صنعت و فنون با زحمت و رنج توأم است جهالت خود ما در تمام بد بختی هاست که نتاج حرام خود را خود بخود بوجود آورده برشد خواهد رسانید محتاج بزحمت شما نیست - درست فکر کنید ایران چرا نمیتواند یك ماشین خیاطی بسازد از اختراع هیچ صحبت نمیکنیم بلکه می خواهیم تقلید کند چرا نمیکند؟ برای اینکه علم ندارد ایرانی چرا نمی تواند بداند چه معادن قیمتی در ایران وجود دارد؟ برای اینکه از علم معدن شناسی بی بهره است و تحصیل نکرده - زراعت ایراني که شغل اجدادی اوست یك پیشهٔ شرافتمندی است چرا با همان آلات و ادوات عهد بابا آدم عمل میشود؟ برای اینکه درجه معلومات او بیش از این نیست شما علم و دانش او را در این فن زیاد کنید اگر قبول کرد دیگر با آن اسباب زراعت کند؟ هرگز نخواهد کرد اینکه حالا با تمام قوت و قدرت به کاوآهن نمونه دو هزار سال پیش از این چسبیده و علاقه دارد و نمیتواند جدا شود و جدا هم نمیشود برای اینست که طریق دیگر یا آلات دیگر شکافتن زمین را ندیده و نمی داند اگر معلومات او به آن درجه رسید ممکن است با این چنین کاوآهن دیگر زراعت کند.

شهر نیویورك که ترقیات حیرت انگیز آن دنیا را مبهوت

نموده است طرز بنا و ساختمان آنجا یك وضع غریبی است بنا های آنجا غالباً پنجاه شصت مرتبه است زمین آنجا نیز تماماً سنك است در حقیقت شهر نیویورك روی سنك بنا شده است در حقیقت وقتیکه میخواهند یك بنائی بر پا کنند باید جای بنارا یك مقدار زیادی کنده پائین بروند تا پایه های یك چنین بنائیرا محکم نمایند البته کندن یك چنین زمینی که از سنك خالص است با آلات و ادوات شرقی و اتمام بنای آن اقلا صد سال لازم خواهد داشت آنوقت برای اولاد چهارم شخص بانی وصلت خواهد داد اما اینطور نیست یکنوع آلات و ادوات اختراع شده است که با کار گذاشتن یك موتور تمام آن آلات و ادوات بکار افتاده با مساعدت و هدایت یك عده معین عمله آن صخره های سخت را متلاشی میکنند وقتیکه انسان در کنار ایستاده تماشا میکند تصور مینماید در میان یك جنك خوفناکی واقع شده است که از طرفین توپها آتش فشانی میکنند وقتیکه انسان با استاد و بنا های ایرانی صحبت میکند و ترقیاتیکه در این فن پیدا شده به آنها حکایت مینمایند در جواب میگویند برو بابا خدا پدرت را بیامرزد عمله گی که دیگر علم ندارد معلومات نمیخواهد همین هم که هست از سر ما زیادی است.

اگر فکر بکنید خواهید دید حق با اوست راست میگوید تقصیر هم ندارد زیرا که درجه اطلاعات او بیش از این نیست و در این درجه هم بیش ازین نباید از او انتظار داشت درجه علم و اطلاع او را قدری بالا ببرید بعمل نه بحرف آنوقت ملاحظه

خواهید کرد چه تغییرات محسوسی در سلیقه او پیدا شده و این سلیقه در بنا هائی که میسازد و بنا میکنند چه خوب دیده میشود و محسوس میگردد .

لازم نیست بنا و معمار را مثل بزنیم یك نجار را امتحان کنید مادامیکه کار های او از روی علم نیست و این صنعت ذی قیمت را در مدرسه تحصیل نکرده وعمل ننموده است بهیچ تناسب و ظرافت و قشنگی و سلیقه در نجاریهای او دیده نمیشود همینکه از روی علم عمل نمود بحسن و زیبائی آن افزوده میشود . یك آهنگر هم همینطور است هیچ فرق نمیکنند وقتی که از روی اصول علمی استاد شد قادر خواهد بود در فن خود انواع واقسام اختراعات بکنند و همینکه تحصیل کرد و یاد گرفت در کارهای او تناسب و سلیقه دیده خواهد شد .

در هر حال تمام شغل های مهم و کار های اساسي اصول ثابت منظم و مرتب دارد که انسان اگر بخواهد آنها را فرا گیرد باید از راه مدرسه و از طریق تعلیم و تربیت باشد بنظر من کافی است که بگوئیم هر قدر درجه معلومات شماست بهمان درجه قدرت و توانائی شماست و فوق اطلاعات خود هیچ کاریرا نمیتوانید انجام دهید راننده یك اتومبیل نمی تواند عمل یك میکانیکچی تحصیل کرده را انجام دهد یك میکانیکچی مدرسه دیده نمیتواند قدرت و توانائی وعلم و اختراع یك مخترع را که سالها عمر خود را در دارالفنون های این فن بتحصیل علم و اطلاع صرف نموده داشته باشد سایر علوم وفنون و صنایع را از روی همین ها قیاس باید کرد علم هر کس در یك

رشته بخصوص بیشتر باشد قدرت و توانائی او در آن صنعت از سایرین بیشتر است بقول دانشمند معروف انگلیسی لرد بیکن (۱) که میگوید دانش قدرتست (۲) هر گاه دانش - علم صنعت و فن یك رشته را دارید درآن رشته دارای یك قدرت واستعدادی هستید که دیگران - آنهائیکه بد آن پایه نرسیده اند آن قدرتو استعداد را دارا نیستند.

نمیدانم توانستم خوب مقصود خود را ادا کنم یا نه باز خودم راضی نیستم که بقدر کافی خیال ونظر خودرا روی کاغذ آورده باشم اگرهم روده درازی میشود باشد من میخواهم بگویم آن نجاری که نمیتواند مانند یك نجار تحصیل کرده و استاد شده میز و صندلی بسازد برای اینستکه اطلاعات او در این فن بیش ازاین نیست میخواهید بهتر باشد بگذارید تحصیل کند و علم این فن را فرا گیرد :

آن آهنگری که نمیتواند مانند یك استاد مدرسه دیده و تحصیل کرده از روی قواعد مخصوص این فن آهنگری کند تقصیر ندارد بیش‌ازین ممکن نیست یك آهنگر خودرو بلد باشد اگر ازکار او راضی نیستید وادارید در مدرسهٔ که برای این فن دایر نموده‌اید تحصیل کند یاد بگیرد قواعد واصول مخصوص این فن را بیاموزد آن تاجریکه جز کلاه کلاه طریق دیگر تجارت را بلد نیست تقصیر ندارد جز این اصول اصول دیگر در تجارت ایران معمول نبوده اگر نمی پسندید مدرسهٔ تجارت باز

(1) Lord Bacon (16)
(2) Knouw ledge is Power

کنید یکعده را در فن تجارت تعلیم دهید اگر انتظار دارید تجار مادرزاد خودروی شما از روی علوم و معلومات امروزی در ایران تجارت کنند همان اصول و همان قواعد که برای تجارت در ممالك انسانها معمول است در ایران هم تعلیم و تدریس کنید آنوقت‌است که تجار عالم بصیر و مطلع خواهید داشت

احتیاج بمعلم دارید باید فن تعلیم را درمدرسهٔ معلمین تحصیل نموده باشد تا بتواند از روی علم واطلاع تحصیل کند فن تعلیم وتدریس اصول و قواعد معلوم ومعین دارد برای هر طبقه از شاگردان هم جدا جدا دروس مشخص ومعلومی است معلم هرطبقه باید آنهارا علماً تحصیل نموده و باعلا درجه فن معلمی‌را سیر کرده باشد و الا هرقدر شاگردان باهوش ودارای استعداد درتحت تعلیم او بگذارید نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد عوض نفع زیان خواهید برد

قضاوت عادلانه میخواهید باید قضات‌عالم وتحصیل کرده دارای معلومات این فن نادررا داشته باشید قاضی خودرو در دنیا وجود ندارد اینکه نمیشود بعدالت سر وصورت داد برای این استکه مدرسهٔ این فن وجود ندارد اگر دارد کامل نیست اگر تکمیل است عیوب دیگر دارد اگر نداشت یقیناً یك آثار و علایم عملی محسوس میشد - ناچارید قضات با معنی داشته باشیدکه دارای آن روح وشهامت باشند کههیچ قوت و قدرتی نتوانند جز حس وظیفه قضاوت در آنهـا تأثیری داشته باشد اصلاحات عدلیه شماهم تاحدیست که اولیای آن اطلاع وبصیرت

دارند فوق آنرا نباید انتظارداشت بیش‌ازاین اگر انتظار دارید آنهارا دارای بیش‌ازاین معلومات بکنید وازآنها بیشتر معلومات بخواهید که تحصیل نمایند و اسباب آنرا هم برای آنها فراهم بیاورید یك‌قاضی‌ایرانی نمیتواند مانند یك‌قاضی فرانسه تحصیل کند چون اسباب ووسایل آن دراین مملکت فراهم نیست اگر هست نشان بدهید - چون نیست وجود آنها نیز نادر است .

اجازه میدهید یك چند کلمه هم در باب سیاسیون خودروی وطن خویش صحبت نمایم همانطوریکه یك نجار یك آهنگر - یك تاجر - یك معلم و یك قاضی ممکن نیست بدون تحصیل و فرا گرفتن اصول وقواعد و معلومات فن خویش به مقامی برسدکه جامعهٔ ملی او از علم ودانش وعمل وتجارت و تعلیم وقضاوت او برخوردار گردد بهمان دلیل وبرهان نیزممکن نیست یك سیاست مدار خودرو بتواند بملت و وطن خویش خدمت نماید .

وقتیکه یك سائس از تاریخ - ادبیات - آداب - شئون اخبار و احادیث - صناعت - تجارت - زراعت - آب و هوا - اقلیم - زمین - رودخانه - دریاچه - سواحل - دریاها - جنگلها - واردات - صادرات - منابع ثروت - معادن - احتیاجات - بازارها - خریدار - مشتری - نرخ اجناس - ترقی وتنزل قیمتها میزان ثروت ملی - میزان پول رواج - مقیاس پول رواج در مملکت - فرق بین مقیاس طلا ونقره - علل انحطاط - اسباب ترقی - اسباب ازدیاد سکنه - علل تنزل توالد وتناسل وهزاران

اطلاعات دیگر که باید یك سائس حقیقی وطن‌خواه وملت‌دوست آنهارا بداند وبفهمد وتحصیل کند ودرموقع زمامداری خود از آنها استفاده نماید و بملت و وطن خود خدمت کند و باید بتمام اینها آشنا باشد ولی برعکس هیچ مدرسه ندیده وتحصیل نکرده بعلوم و فنون سیاستمداری مأنوس نیست محال است بتواند در این جار وجنجال وکشمکشهای دنیا که وظیفه بس مشکل برای یك زمامدار تهیه نموده‌است ازعهده انجام خدمات محوله برآید - اینکه وکلاء مجلس و وزراء کابینه ها نمیتوانند مصدر یك خدمات برجسته واقع شوند برای اینستکه فنون سیاست را در مدارس تحصیل نکرده‌اند وآنچه‌را که‌تحصیل نکرده‌اند ونمیدانند و ندارند نمیتوان ازآنها انتظار داشت باهمان برهان و دلیل که برای یك‌نجار آوردیم وبرای آهنگر ایراد کردیم درحق تاجر - معلم - قاضی قائل شدیم باید دربارهٔ سیاسیون خودنیز قائل شویم غیرازین چاره نداریم .

چنانچه دو و دو را که در هم ضرب کردیم نتیجه ضرب چهار است این نوع مسائل نیز مانند مسائل ریاضی یك نتیجه واضح و روشنی بدست میدهند .

سیاسیون ما چون معلومات فن سیاست را ندارند انتظار خدمات شایان و برجسته هم از آنها نداریم کسی هم در اینجا مقصر نیست نه ما نه شما و نه آنها هیچ یك تقصیر نداریم درجه معلومات آنها تا این حد است تجاوز از حدود علمی که انسان فقط یك حد معین را داراست ممکن نیست من که حرف میزنم

بقدر فهم خودم است و آنچه که شما میگوئید و میکنید وفکر می کنید بقدر فهم خودتان و آنچه که سیاسیون ما میگویند و میکنند بقدر فهم‌شان همین است که هست وعین حقیقت است.

گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را

اما جان کلام اگر از کردار - گفتار و دانش سیاسیون خودروی‌خود راضی‌هستیم‌چه بهتردعوائی نداریم‌بگذاریکی‌دو قرنهم اینطور باشد چه ضرر دارد شاید تا دویست سال هم دنیا روی همین پاشنه‌گردید و برای ما یك مدت دویست سال مهلت‌فراهم شد چه فرصت و فرجهٔ بهتر از این شاید آزمایش ادوار گذشته کافی نبوده این دویست سال آینده را هم روی همین اصل عمل میکنیم و این مدت را صرف آزمایش مینمائیم.

اینکه شوخی است گمان نمیرود جدی باشد آزمایش و تجربه بس است از یك انسان خودرو یك عمل منظم سود مند حاصل نمیشود وقتی میتوان از نتیجه سعی و عمل او برخور دار شد که او را تعلیم و تربیت نموده باشید و او را در یك فن بخصوص عالم و ممیز نموده باشید آنوقت از وجود او هم خود او هم شما و هم ملت برخوردار خواهد شد وقتیکه این طور نیست وجود او عاطل و باطل است - از وجود یکنفر سائس و ازطرز سیاستمداری و زمام داری او وقتی بهره مند خواهید شد که آن شخص سائس دورهٔ مدرسهٔ علوم و فنون این شغل بس پیچ در پیچ را بمعنای تام و تمام خود تحصیل نموده باشد و در آن فن سر آمد اقران خویش گردد چه این اشخاص با مقدرات

یك ملتی بازی میکنند با حیات یك ملتی سر و کار دارنـد کار
هر کس نیست این شغل با شرافت عالی مقام شیر مرد کهن سالِ
میخواهد که علوم و فنون این مقام شریف را با تجربه و امتحان
یك عمر عمل مخلوط و ممزوج نموده باشد .

قسمت سیم

اینك داخل میشویم درقسمت سوم تقسیمات استاد متبحر
عالم و دانشمند فیلسوف هربرت اسپنسر کـه عبارت از تعلیم و
تربیت جوانان برای زندگانی خانوادگی است ـ بدون دانستن
و تحصیل قواعد و قوانین ان کـه برای نظام خانواده و اصول
حفظ و حراست افراد یك عائله است ممکن نیست اساس ثابت
ان روی یك شالودهٔ محکمی قرار گیرد مگر اینکه یك اطلاعات
مفید و مختصری در ایـن باب دارا باشد در اینخصـوص هیچ
اطلاعاتی بهتر از این نیست ـه عین گفتار حکمت امیز ایـن
مرد فوق العاده و فیلسوف عالی مقام ترجمه شده باطلاع خوانندگان
محترم برسد

این است ان گفتار : ــ « حال میرسیم بقسمت سـوم
ان تقسیمات مهم سودمند اعمال بشری کـه موضوع بحث ماست
یك قسمتی است کـه تاامروز مورد توجه هرگز واقع نشده است
اگر اتفاقاً روزگار طوری پیش بیاید که هیچ اثاری از ما جز
کتب مدارس و اوراق امتحان دارالفنونها باخلاف صدسال بعد
مانرسد وقتیکه انها باین کتب و اوراق نظر کنند خواهند

دید که دروس مدارس عالی و دارالفنونهای علمی فقط برای
تعلیم و تربیت کهنه و دیر نشینان بوده است و بس و هرگز
برای انهائی که باید خانوادهٔ تشکیل بدهند نبوده است -
پروگرام مدارس و دارالفنونهای امروزی‌ما اسباب تعجب وحیرت
انها خواهد گردید زیرا این یك پرگرام دروسی برای اشخاص
منفرد و منزوی است ممکن است در پیش خود اینطور تصور
کنند که این پروگرام ها باچه زحمت زیاد برای فرا گرفتن
بسیاری از مسائل تهیه شده است مخصوصاً برای تحصیل کتب
ملل ازمنهٔ قدیم و ملل معاصر و از اینها معلوم خواهد شد
صاحبان این پروگرام ها هرگز کتب مفیدی در زمان خودبرای
تحصیل و مطالعه نداشتند و باتمام اینها هیچ علائم واثار تحصیل
یادستور در پروگرامهای عریض و طویل انها برای رشد و نمو و
تعلیم و تربیت اطفال بهیچ عنوان دیده نمیشود البته این ملل
ممکن نخواهد بود که این اندازه کوتاه بین و غیر مال اندیش
باشند یقیناً و ظاهراً این پروگرامها و اوراق امتحان متعلق
بدروس کلیساها بوده است و برای تعلیم و تربیت این نسخ از
مردم تدوین شده است

واقعاً این یك موضوع بهت آوری نیست ؟ با اینکه‌حیات
و ممات اخلاف ما بسته باین قسمت است خوشی و عزت نفس
تفوق قوه اخلاقی مادی و معنوی بشر تماماً باین قسمت مربوط
است با این حال یك کلمه هم در باب تعلیم و تربیت قوای مادی
و معنوی اطفال و اخلاف آینده که بمرور جا و مقام اولیای

امروزیرا خواهند گرفت اشاره نشده است ؟ آیا این حیرت‌انگیز نیست که مقدرات نسل آینده بحوادث و پیش امد های لا یشعر یا عادات و رسوم بی منطق و دلیل احاله شود ؟ یا این وظیفه ها را بعهدهٔ پدران بی اطلاع یا دایه های جاهل نادان وا گذار کنند یا بدستور پیر زنان متعصب از همه جا بیخبر رفتار شود ؟

اگر یك تاجری بدون اینکه از حساب اطلاعی داشته باشد یا دفترداری بداند که حساب مرتب و منظم برای خود نگاهدارد شروع بتجارت نماید ما از درجهٔ حماقت او در حیرت خواهیم بود و خرابی تجارت و ورشکستگی او بر همه کس مسلم خواهد شد یا اینکه جراحی بدون تحصیل علم تشریح مشغول عمل جراحی شود فوق العاده اسباب تعجب ما شده بمرضای بد بخت یك چنین جراحی دلسوزی خواهیم نمود والدین اطفال نیز همین حال را دارند بدون اینکه از تعلیم و تربیت و رشد و نمو اطفال در خانواده اطلاعی داشته باشند یا از پیدایش و حفظ الصحه و پرورش انها معلومات کافی دارا باشند این وظیفه پر مسئولیت را عهده دار میشوند اگر والدین و بزرگان یك عائلهٔ از اصول تعلیمات خانواده که عبارت از تربیت قوای بدنی - اخلاقی و دماغی اطفال است و باید این معلومات یگانه هادی و راهنمای انها باشد بی سابقه باشند و به انها توجهی نداشته باشند و در فکر تحصیل و کتب انها نیفتند تعجب و دلسوزی برای خود انها یا اولاد انها هرگز مورد نخواهد داشت

اگر به ده ها هزار اطفالی که تلف میشوند علاوه کنم

صد ها هزار انهائیکه با بنیه های ضعیف علیل باقی میمانند و میلیونهائی که بحد بلوغ میرسند بدون اینکـه دارای ساختمان محکم و متین بدنی باشند انوقت شما دارای یك عقیده معلوم و معین در باب ان فلاکتها و بد بختی های بی حد و حسابی که پدران و مادران بواسطهٔ جهالت و بی علمی از اصـول و قوانین زندگی و رشد و نمو اطفال نسبت باخلاف ما وارد میاورند دارا خواهید بود .

برای یك دقیقه در اوضاع و تربیت جاری که اطفال باید بر طبق آنها تربیت شوند دقت کنید اثار انها را که در تمام عمر انها نفعاً و ضرراً در نهاد انها باقی خواهد ماند مشاهـده نمائید خواهید دید تقریباً بیست طریق معمول انها منجر بخبط و خطا میشود تا یك راه ان بصراط مستقیـم منتهی گردد انوقت یك عقیده ثابتی پیدا خواهید نمود که چه خطا های فوق العاده نسبت باطفال معصوم بواسطه تربیت های بي مطالعه زبان آور معمولی و متداولی امروزه مرتکب میشوند ـ ایا حکم شده است که لباس طفل در فصل سرد و زننده کم و دست و پای ان باز باشد که از سرما متأثر شده کبود گردد ؟

اثر این ترتیب لباس در حیات آتیه او معلوم خواهد شد نتیجه آن یا ناخوشی یا عدم رشد و نمو جسمي یا بی بنیه گی یا عدم توانائی و قدرت بدنی در سن بلوغ خواهد شد بالاخره تولید درد و علت نموده وسیلهٔ عدم خوشی و کامیابی در زندگاني بعدی او خواهد گردید .

آیا اطفال محکوم هستند که غذای یك نواخت و یکجور صرف نمایند یا غذا هائی برای آنها تهیه شود که ذاتاً قوهٔ کافی غذائی برای نمو ورشد اعضاء بدنی اطفال نداشته باشند ؟ قوای نمو و ترقی بدنی و دماغی اطفال و بنیه و توانائی متناسب مردان و زنان آتیه بواسطه غذاست سود و زیان انها بسته بخوبی و قوهٔ غذای انهاست ـ ایا باید اطفال را از بازیهای فرح انگیز جلو گیری نمود وانها را درهوای سرد دراطاقهای گرم حبس کرد ؟

البته بدون رعایت این نکات اسباب عدم رشد ونموقوای بدنی انها را فراهم اورده ایم.

وقتیکه پسران و دختران یك عائله ضعیف و لاغراندام بار میایند والدین این پیش امد سوء را نتیجه اقبال بد میدانند و یك بد بختی اسمانی تصور میکنند و طوریکه در میان مردم معمول است خیال میکنند این نواقص علل مخصوص و معینی ندارند و این نیز یکنوع بلای اتفاقی است در صورتیکه هر گز چنین چیزی وجود ندارد در بعضی مواقع بروز نواقص بدنی یا دماغی بواسطه نا خوشیها ی ارثی است ولی غالب انها از اثر ترتیبات یا عادات جاهلانه است و عموماً مسبب اصلی و مسؤل عمدهٔ درد و الم اطفال والدین انها هستند پیدایش اطفال ناقص الخلقه‌عدم رشد و نمو دماغی واعضاء بدنی وبیچارگی و عدم‌توانائی روحی و جسمی انها تماماً مربوط و بسته بوالدین انهاست زیرا حیات انها در ید اختیار والدین انهاست هر دقیقه و ساعت حراست و نگاهداری اطفال بعهده انها با یك بی توجهی مخصوص

که باید انرا یک نوع ظلم و ستم نامید از تحصیل و دانستن اعمال و وظایف مخصوص اعضاء بدنی که پیوسته از اوامر و نواهی انها اعضاء طفل متأثر میشوند غفلت نموده اند وازدانستن وفهمیدن ساده ترین قواعد علم فیزیولوژی عاجزند سال روی سال میگذرد و آنها درین اوامر و نواهی، برخلاف عقل مداومت نموده اعضاء ساختمان بدنی اطفال را از نمو و رشد باز میدارند و باعث بروز ناخوشی ها واسباب اتلاف و مرگ بیموقع اطفال و اخلاف خویش میشوند - نه تنهااین اتلاف منحصر باطفال واولاد خودشانست بلکه ازاولاد آنها نیز این نواقص بروز خواهد کرد.

همین نواقص بلکه تا اندازهٔ زیادتر در تعلیم و تربیت اخلاقی اطفال نیز موجودست که بواسطه عدم اطلاع والدین انهاست یك مادر جوانرا درنظر بیاورید این مادر جوان چند سال قبل خود درهمان مدارس تحصیل مینمود و مغز او از یك عده زیادی اسامی - کلمات و تاریخ ها پر شده درصورتیکه برای توسعهٔ قوای دماغی او هیچ اقدامی نشده است و هرگز دران قسمت از تعلیماتی که برای وظایف نسوان معین است و یکی ازانها دانستن اصل نمو و رشد دماغی اطفال است وارد نشده سالهای بعد از مدرسه نیز صرف رقص و موزیك ارایش و میهمانی و افسانه خوانی گردیده است هرگز از وظایف و تکالیف مادری چیزی یاد نگرفته و هیچوقت ازان قسمت اطلاعات که برای تربیت روحی و فکری اطفالست بهره مند نشده که اورابرای یك چنین وظیفه پرمسئولیت مادری اماده کند حال نتیجه پرورش-

ـ نمو ـ رشد بدني ـ اخلاقی و فکری وجود یك طفل معصوم بشری را که بعهدهٔ یك چنین مادری بی علم محول است ملاحظه کنید درصورتیکه این وظیفه یکی از وظایف مهمی است که یك خانم بصیر مطلعی انجام انرا عهده دار شود

یك چنین خانم بی علمی بهیچوجه اطلاع از طبیعت و احساسات روحی اطفال ندارد و از درجات نمو و رشد انها بکلی بی خبر است و از اثرات انها که از کجا ظاهر میشود و بکجا منتهی میگردد تماماً بی اطلاع است یك چنین مادر جوانی بالطبع درتحت تأثیرات احساساتی است که تماماً مخالف اصول علمی است شاید دارای معلومات مفیدی باشد ولی بهیچوجه مربوط باینموضوع نیست درهر صورت چنانچه از ساختمان جسمی و دماغی بشر بی اطلاعست بهمان درجه نیز هر نوع عملیات و رفتار نسبت بانها اعمال کند اثرات انها مفید نخواهد بود

وقتی که یك مادری از دانش تظاهرات و تجلیلات دماغی بی بهره و از علت اثرات و اعمال ان بی اطلاع است دخالت او غالباً بیشتر زیان آور خواهد بود تا عدم دخالت آن ـ اعمال و حرکات گوناگون اطفال که کاملا طبیعی و عادی و مفید است و مادر جوان بی اطلاع در آنها دخالتهای بیجا میکند ودائما مانع از انجام آنهاست بیشتر سبب خرابی اطفال میشود و عوض تولید خوشی و خرمی دراطفال باعث بد اخلاقی و مانع رشد و نمو قوای روحی و جسمی آنها میگردد ـ ما در اعمالی را که تصور میکنند مطبوع و مفید است و اطفال باید انجام دهند و

وامیدارد اطفال به تهدید یا بوعدهٔ انعام یاباحال تشدد یاتحسین انهارا انجام دهند ولی هیچوقت اراده باطنی اطفال را در نظر نمیاورد که رابطهٔ محکمی باارادهٔ ظاهری انها دارند و بااین رفتار تخم تزویر وترس - خود پسندی را بجای احساسات نیك وپسندیده در نهاد آنها تهیه میکنند و میکارند و بدون اینکه نتایج سوء تشدد و تغیر را در احوال روحیه اطفال بدانند هر ساعت و دقیقه باین حالتهای غیر پسندیده متوسل شده اطفال را با کلمات خشن و تند میخواهد تربیت نموده و غفلت دارد از اینکه از تأثیر تربیت در آغوش مادر است که برای دنیا اشخاص مفید و سود مند بحال جامعه تهیه میشوند.

وقتی که مادر های جوان از نتایج معلومات علمی بی اطلاع باشند و علم و دانش دلیل راه آنها نشود غیر قابل خواهند بود که اعمال و اثرات روحی اطفال خود را تمیز بدهند و آنها را بفراخور حال و استعدادشان هدایت کنند درین صورت رفتار آنها نسبت باطفال ازروی احساسات خلق الساعه بی ترتیب وخطر ناك خواهد بود.

ازین قسمت که بگذریم داخل در قسمت تعلیمات علمی اطفال میشویم ومیخواهیم به بینیم آنها را درین رشته چگونه تعلیم و تربیت میکنند وقتیکه تصدیق شهر تجلیات و تظاهرات فکری و دماغي مطابق قوانین مخصوص است و نمو و رشد دماغی اطفال برطبق همان قوانین میباشد نتیجه این میشود که تعلیم وتربیت ممکن نیست بطورصحیح انجام گیرد مگر اینکه هادی و راهنمای آنها

دارای اطلاعات قوانین فوق الذکر باشند .

اگر شما تصور کنید میتوانید بطور صحیح عمل تجمع و تشکیل افکار و عقاید علمی را در دماغ خود مجسم کنید بدون اینکه ذات و حقیقت آن عمل را بدانید یك تصور باطلی خواهد بود در ینصورت چه اختلاف بزرگی بین تعلیمات جاری امروزی وتعلیمات علمی که حقیقتاً میبایست باشد وجود خواهند داشت امروز والدین اطفال جز عده معدودی از علماء هیچ اطلاعی از مباحث علم النفس (۱) ندارند با این حال معلوم است اصول تعلیم وتربیت حاضرچه وضعی را دارا خواهد بود که هم معناً و هم مادتاً تماماً غلط است وقتی که یك سلسله حقایق صحیح کنار گذاشته شد و بجای ان یك رشته دروس اجباری غلط بطریق غلط و تربیت غلط تعلیم شد نتیجه غلط ان نیز حتمی است

بنا بر این تعلیم و تربیت اطفال در رشته های بدني - اخلاقي و فکری بطور وحشت انگیزی ناقص است وعلت آنهم تا اندازه زیادی اینست که والدین آنها فاقـد دانش و اطلاعات لازمه هستند و فقط بواسطه همین معلوماتست که یك تعلیـم و تربیت متناسبی میتوان باطفال داد چه میتوان انتظار داشت از کسیکه میخواهد یکی از مسائل مهم غامض را انجام دهـد در صورتیکه هیچ زحمتی برای دانستن اصول حل آن نکشیده است برای کفاشی یا معماری یا ملاحی یا مهندسـی مدت زمانی تحصیل و شاگردی و عمل لازمست درینصورت آیا تعلیـم و

(1) Psychology

تربیت‌اطفال ونمو و رشد و تمیز جسمی و روحی آنها این اندازه سهل و آسانست که هر کس بدون سابقه و تحصیل علوم وفنون این فن شریف بتواند عهده دار شود یا نظامات و قواعـد برای آنها معین نماید؟ اگر چنین نیست و موضوع بس مشکل و یکی از موضوعات مهم عالم طبیعت است و شغل بی اندازه اساسی است آیا جنون نیست که هیچ اصولی برای آن قائل نشوند؟

پس در این تقسیمات خود که این قسمت سوم آن است می بینم که منظم کردن این قسمت از اعمال بشری که عبارت از تربیت اطفال است و دانستن قوانین حیات از واجبات است و آشنا شدن‌باصول اولیه علوم فیزیولوژی(۱) وپسیکولوژی (۲) و مختصری‌از حقایق عمومی آنها لازم است.

شکی نیست که بعضـی از خوانندگان این اوراق به این پیشنهاد ما خواهند خندید و دانستن و خواندن والدین اطفال اصول این علوم حیاتیرا که بس دشوار مینماید بنظر خیلی‌غریب خواهد امد اگر ما چنین پیشنهادی را نموده باشیم که تحصیل و فرا گرفتن جدی تمام آنها بر هر پـدر و مادری واجب است البته بیشتر مورد خنده خواهد بود ولی مقصود این نیست مقصود اصلی دانستن اصول کلی این علوم است که بعضی نکات عمومیرا هم شامل باشد و تا اندازهٔ موضـوع را تشریح کند ــ تا این اندازه کافي است و فرا گرفتن انها هیچ اشکالی ندارد در هر حال حقایق اصلي اینست که نمو و رشـد روحي و جسمي اطفال

(1) Physiology (2) Pchychology

تابع قوانین معین و مخصوص است و اگر تا حدی معین و معلوم والدین اطفال موافق این قوانین رفتار نکنند مرگ انها در صغر سن حتمی است و تا درجه بیشتر و زیاد تری اگر بر طبق ان اصول رفتار نکنند بعواقب وخیمی که عبارت از ظهـور نواقص عقلی و بدنی باشد اطفال انها گرفتار خواهند شد و اگر انها را کاملا رعایت کنند و بر طبق انها رفتار نمایند یك انسان های کاملی بعرصهٔ وجود خواهند امد که عمر طبیعی را با صحت و تندرستی سیر خواهند نمود .

حال قضاوت کنید درینصورت ایا تمام انهائیکه ممکن است یك روزی بدرجه عالی و مقدس پدری یا مادری برسند نبـاید از جان و دل بکوشند و با یك شوق و ذوقی مقدمات این قوانین و اصول را تحصیل نموده بدانند ؟ (۱) »

تا اینجا قسمتی از بیانات و عبارات استاد متبحـر عالم معروف هربرت اسپنسر بود که ترجمه و ضمیمه شد در اینباب کتب معتبر ومفید دیگرنیز موجود است که داخل درمندرجات انها شدن رشته مطلب را دراز خواهد نمود چه این قسمت یك موضوع مهمی است که هر قدر انسان مطالعه کند باز کم است

امروز در تمام ممالك مترقی اساس تعلیم و تربیت روی اصول علمی است که بد بختانه در ایران هیچ از آثار و علایم آنها خبری نیست و چون وجود ندارند بحث و گفتگو هم در

(1) Education, by Herbert spencer P.30-38

باب آنها موضوع را بیشتر درهم وبرهم خواهد نمود بنظر من تا اصول تعلیمو تربیت در ایران طرفداران متنفذ جدی پیدا نکرده و عنوان آنها مدعیان خفته جاهل سر سخت را بیموقـع بیدار خواهد نمود اصلح آنستکه رشته مخصوص اصول تکامل تدریجیرا متابعت نمود و با قدم های خیلی آرام و ملایم و پیوسته بطرف مقصود روان شد اگر بعد ها یك هیئتی پیدا شد که بدون هیچ غرض و مقصودی بجز تعلیم و تربیت عوام صمیمـانـه وجداً درین مرحله داخل شدند و کتب مفید علمی و ادبی و ذوقی و اخلاقیرا بزبان عوام ترجمه و طبع و بقیمت های نازل وارزان انتشار دادند آنوقت است که رشد و قوهٔ تمیز در جامعهٔ ایرانی پیدا شده مباحث بس عالی را میتوان بدون ترس ووحشت موضوع حل و عقد قرار داد حال هیچ زمینهٔ برای این حرف هانیست بهتر است از این مبحث بگذریم .

از جمله کتبی که در این باب دیده ام و بنظر من بسیار مفید و نافع است و هر بشری در هر سن و سالی میخواهدباشد دانستن مندرجات آنها بحال او سودمند است دو رشته کتابهای سلسله استال است (۱) که چهار جلد آن برای مردان و چهار جلد دیگر برای زنان نوشته شده و از هر کتابفروش خـارجی اروپائی یا امریکائی میتوان بسهولت تهیه نمود تصور نمیکنم هر کس این کتب را ندیده است بتوانـد یك انسان کامل یا یك

(1) Stall Series-by Dr. Sylvanus Stall

مرد مفید یا یك عضو نافعی برای جامعــه یا یك پدر مهربانی برای عائلهٔ خود باشد چقدر مفید بود این کتابها در دسترس عموم گذاشته میشد .

کتاب دیگری که فوق العاده نافع است کتاب موسوم به ساختمان انسانست که آنرا نیز میتوان از هر کتابخانه خارجی سفارش داد این کتاب احوال روحی و جسمی انسان را در حال صحت و یا کسالت با طرز بسیار مفیدی شرح میدهد علل ظهور امراض و طرق احتراز از آنها ومداوای آنها را نیز بیان میکند و هر کس آنرا مطالعه کند بدون تردید یك انسان لایق و سود مندی برای جامعه خواهد بود . (۱)

کتاب مختصر و مفیدی که بنظر من در باب تعلیم وتربیت دختران رسیده کتابی است موسوم بتعلیم و تربیت دخــتران در فنون و صنایع یدی این کتاب‌را یك خانم عالمه وفاضلهٔ امریکائی تألیف نموده و از کتاب های بسیار مفید و لازم برای دختران است (۲) .

کتاب دیگری که اخیراً از طبع خارج شده موضوع آن راجع بتاریخ طبیعی اطفال است و جامع اطلاعات مفید و لازمی است که مطالعهٔ آن بر هر کس واجبست (۳) بنظر من اگر این

(1) The Constitution of man By g.R. wallace
(2) The Training of Girls ForWork,By Edith A.Barne
(3) Natural History of The child By Sr Herman Wekker 1923

سنخ کتابها ترجمه و در اختیار عمومی گذاشته شود اثرات آن در اندك مدتی میان جامعه بشکل مضبوطی ظاهر خواهد شد.

اول شما باید اصول حفظ الصحه را بهر راه و شکلی که باشد در میان سکنهٔ ایران رایج و آنها را از پیر و جوان، و عارف و عامی باصول اصلی آن آشنا کنید مردم بخودی خود هرگز باین نکات پی نخواهند برد تا بوجود جانوران موذی غیر مرئی عقیده پیدا نکنند ممکن نیست در آبهای خوراکی خود دقت نمایند و تا نفهمند که زباله و کثافات اطراف مسکن یاخانه یا معابر مجاور محل آن اسباب تولید ناخوشیهای گوناگون میشود هرگز بفکر نظافت و رفع آنها نخواهند افتاد تا ندانند که کسالت مزاج در اثر تنبلی و راحت طلبی است هیچوقت میل بورزش نخواهندنمود تا از اصول ساختمان جسمی و روحی انسان مطلع نشوند هیچوقت به تربیت صحیح اطفال در خانواده خود قیام نخواهند نمود اگر خود لذت علم و دانش را نچشیده و بگوش و چشم خود فواید آنرا نشنیده و ندیده باشند ابداً بفکر وسایل تعلیم و تربیت اولاد خود نخواهند بود تمام این معایب کی رفع میشود؟ وقتیکه وسایل شنیدن دیدن و شدن را برای او آماده کنید اگر شما فراهم نیاورید بخودی خود وجود خارجی پیدا نخواهد کرد این حالت ذاتی شرقی است چاره هم ندارد هر کار نیکی که در حق او میکنید علاقه ـ دلسوزی ـ زور وفشار ومراقبت جدی هم باید در دنبال داشته باشد.

اینك ما میرسیم بقسمت چهارم تقسیمات فیلسوف معظم

هربرت اسپنسر که عبارت از تعلیم و تربیت اطفال برای جامعه است یعنی اطفال طوری در این قسمت باید تربیت شوند که بتوانند مردان عالم ـ دانا ـ بصیر در امور سیاسی و اجتماعی وطن و ملت خویش باشند و قادر باشند بترقی و سعادت مملکت خود کمك نمایند دراینصورت مقصد معلوم است ولی باید دید بچه وسیله و از کدام طریق بهتر و مناسبتر میتوان بمقصد رسید .

باز اصلح آنست که عین عبارات و نظریات استاد معظم را که تمام دنیا از فواید آن برخوردار شده اند ذیلا ترجمه نماید شاید در این مملکت نیز مفید واقع شود اینست نظر ایشان ـ « از وظایف پدری گذشته اینك میرسیم بوظایف وطن که یك وطن خواه حقیقی باید آن وظایف را بداند و انجام دهد در اینصورت باید در اینجا تحقیقات شود که چه نوع معلوماتی انسان را حاضر و آماده میکند که این وظایف را بخوبی انجام دهد ـ در اینجا نمیتوان متعذر شد که احتیاج بچنین معلوماتی مناسب این رشته تا حال مورد توجه نشده زیرا در جزو دستور های سالیانه مدارس عالی تکالیفی اقلا اسماً هم شده است ـ در امور و وظایف سیاسی و اجتماعی تعیین شده است از اینها فقط چیزیکه در درجه اول اهمیت واقع شده تاریخ است لیکن طوری که قبلا اشاره شده اطلاعاتیکه در تحت این عنوان جمع گردیده غالباً بی فایده و برای آن مقصود که عبارت از ارشاد و هدایت باشد ارزش ندارد در کتب تاریخی که برای مدارس عالی یابرای جوانان محصل تدوین شده هرگز آن مطالب و اصول اساسی

مسائل سیاسی ذکر نشده است .

تاریخ حیات سلاطین (جز این چیز دیگری باطفال ما یاد نمیدهند) ابداً بقسمت علمی احوال اجتماعی کمك نمیکنند دانستن دسائس درباری توطئه ها - خیانت ها و امثال آنها و شناختن بازیگران - تمام اینها هرگز وسیله فهم و تمیز واسباب ترقی یك ملتی نخواهد بود دراین تاریخها میخوانیم که یك موضوعی تولید نزاع نمود و منجر بیك جنك خونین گردید اسامی ژنرالها این بود - فرماندهان آن هر یك دارای چند هزار قشون سواره و پیاده بودند چقدر توپ داشتند اینطور صف آرائی نمودند این شکل حمله کردند جلو رفتند عقب نشینی نمودند آنروز چه گذشت کدام نفع برد کدام یك متضرر گردید فلان صاحبمنصب مقتول شد فلان یاور زخم بر داشت فلان فوج رشادت کرد آن یکی کوتاه آمد بالاخره کدام فتح کرد کدام مغلوب شد چقدر تلفات دادند چقدر بدشمن تلفات وارد آمد اینقدر اسیر گرفتار شد خلاصه یکی از این دو دسته فاتح و دیگری مغلوب گردید - حال بعد از دقت و مطالعه تمام این جزئیات بگوئید کدام یك ازاینها کمك خواهد نمود بتکالیف و وظایف یك انسانی که باید بوطن و بملت خود مفید باشد فرض کنید شما نه تنها کتاب پانزده جنك های قطعی دنیا (۱)

«۱» پانزده جنگهای قطعی دنیا آولش از جنك ماراتون ۴۹۰ قبل از میلاد بین ایران و یونان و آخرش جنك واترلو بین فرانسه - آلمان و انگلیس درسال ۱۸۱۴ است یك کتاب جداگانه است شاید جنك روس وژاپون ۱۹۰۴ وجنك عمومی ۱۹۱۴ نیز عدهٔ آنها را به ۱۷ برساند

بلکه تمام جنگهائی که تا حال بشر برای حرص و آز جهانگیری بر پا کرده است بدقت تمام مطالعه نمودید چه تأثیری دراعمال شما درموقع انتخابات خواهد داشت؟

شاید بگوئید اینها حقایق هستند و یك حقایق دل چسب بدون تردید حقایقند مانند حقایق افسانه ها آنهم نه تماماً بلکه قسمتی از آنها و ممکن است برای یك عده زیادی مانند حقایق بشمار بروند ولی با تمام این احوال دارای هیچ قدر و قیمتی نیستند - عقیده و نظر غیر صحیح ممکن است به خیلی چیز ها که هیچ قدر و قیمت ندارند یك اهمیتی بدهد در صورتیکه دارای آن قدر و قیمت نباشند مانند اینکه یك عاشق یا مفتون گل و ریا حین ممکن است بیك بوته گل مبلغ زیادی بدهد وخریداری کند و داشته باشد یا اینکه شخص دیگر بیك کاسه سفالین چینی مبالغ هنگفت پول بدهد و آنرا برای خود ذخیره کند

بسا دیده شده بعضی ها مبالغ گزافی میدهند وصلهٔ اشخاص جانی معروف را خریداری مینمایند و نگاه میدارند با این احوال آیا ممکن است ادعا نمود که این سلیقه ها میتوانند مقیاس قیمت اصلی آن اشیاء باشند؟ اگر جواب منفی است درینصورت باید تصدیق نمود که میل علاقه مخصوص طبقات معینه که برای حقایق تاریخی نشان میدهند هیچ دلیل و برهانی برای قدر و قیمت آنها نمیتواند باشد بنا بر این ما باید قدروقیمت آنها را امتحان کنیم مثل اینکه قدروقیمت سایرچیز ها را امتحان میکنیم و سؤال مینمائیم اینها چه ارزشی دارند و بچه دردی

می خورند

اگر کسی خبر زائیدن گربه همسایه را بشما بدهد خواهید گفت این اطلاع شما قدر و قیمتی ندارد ممکن است حقیقت هم داشته باشد و یك چنین گربهٔ همسایه هم چند بچه گربه آورده باشد اما این یك حقیقت عاری از اهمیتی است که هیچ اثری در اعمال یومیه شما نمیتواند داشته باشد و هیچ کمکی بزندگانی عاقلا نه شما که باید آنرا یاد بگیرید نمی کند حال این مقیاس را برای امتحان حقایق بی شمار تاریخی بکار اندازید و میزان بگیرید بهمان نتیجه که قبلا ذکر شد خواهید رسید ـ از این حقایق تاریخي هیچگونه نتایجی نمیتوان بدست آورد زیرا تمام اینها یك توده حقایق غیر مرتب ومنظمی است بنا براین این حقایق نمیتوانند در برقراری اصول رفتارانسان کمك کنند یا مفید باشند در صورتیکه مورد بکار انداختن آنها در همین مواقع است

ضررندارد مطالعه کنید اگرمیل و فرصت آنرا دارید برای تفریح بد نیست ولی انسان نباید خود را گول بزند که اینها ممکن است اسباب ووسایل تعلیم یا تربیت باشند

در حقیقت آن چیز هائیکه باید در تاریخ ها گنجانده شوند غالباً حذف شده اند فقط در این سنوات اخیر است که مورخین شروع نموده اند یك حقایق مفیدی را که حقیقتاً سودمند است بما بدهند چنانچه در ادوار گذشته پادشاه همه چیز بود و ملت هیچ مورد توجه نبود و همچنین در زمانهای

پیش اعمال سلاطین تمام کتاب را اشغال مینمود وهیچ صحبتی از حیات ملت در بین نبود فقط در تازگی است که مسائل مهم زندگانی ملت وسعادت آن طرف توجه علماء متبحر تاریخ شده و اوقات گرانبهای آنها صرف پیدا کردن علل انحطاط و اسباب ترقی ملت ها میشود در واقع موضوع مهمی که باید ما بدانیم تاریخ طبیعی اجتماعات بشریست که از آنها ملل رشد ونمو کرده باین حال رسیده اند

ما حقایقی را میخواهیم بدانیم که اسباب تشکیل و ترقی ملل شده اند در میان این حقایق وضع و ترتیب حکومت آن نیز شامل خواهد بود

بدون اینکه باشخاص آن که درراس حکومت قرارگرفته توجهی داشته باشیم ما باید نکات اساسی را بدانیم مثلا طبقه‌بندی آن ملت - اصول حکومت آن اوضاع زندگی درجه تعصب و جاهلیت آن محسنات اخلاقی و مفاسد اجتماعی و غیره که درمیان آن جاری است اگر ممکن شود رفتار حکومت مرکزی - حکام جزو عالی ترین و دانی ترین کارکنان حکومت بعلاوه اساس دیانت آن نفوذ و قدرت روحانیون درمیان آن و تشکیلات مذهبی اعمال و قدرت و مناسبات آنها باحکومت وضع و آداب و شئون و عقاید مذهبی نه فقط آن قسمتهائی که ظاهراً دارا هستند بلکه آنهارا که حقیقتاً عمل میکنند و همچنین لازم است بدانیم نفوذ طبقاتی درباریان آن ملت چیست اثرات آن و تقسیم بندی طبقات عالی و دانی القاب متداول آن وضع تکریم وتعظیم

و اشکال مخصوص تواضع و تعارف و معاشرت و عنوانهای آن ـ باز لازمست بدانیم عادات و رسوم معموله آنها که در زندگانی داخلی و خارجی آن مؤثر است رفتار مردها نسبت بزنان و مناسبات ظاهر آن مناسبات مردها باخانواده خود وطرز تعلیم و تربیت خانواده افسانه های تاریخی و مذهبی که از زمانهای قدیم تاحال در میان آن باقی و جاری است .

بعد از آن قسمت شرح و بیان اوضاع صنعتی آن ملت است باید بدانیم تقسیم کار درمیان آن ملت چگونه است و درچه پایهٔ قرار گرفته وضع تجارت آن چیست آیا این تجارت درمیان طبقه مخصوص است و یا عده بخصوص در آن اشتغال دارند یاشکل عمومی دارد مناسبات کارگر باکار فرما چیست چه وسائلی برای تقسیم و انتشار متاع خود دارند اسباب حمل و نقل آن چیست وسیلهٔ مبادله چگونه است درردیف اینها باید یك اطلاعات جامعی از صنایع یدی و فنی و علمی آن داشته باشیم طرق علمی که درمیان آن معمولست مقدار محصول محلی احوال روحیه آن و درجات معلومات و اطلاعات ملی انرا باید بدانیم بعلاوه نوع و مقدار درجه تعلیم و تربیت در میان آن ملت و ترقیات آنرا درموضوع باید علمی بدانیم تاچه پایه رسیده ودرجات فکری آن تاچه حد است ـ میزان معلومات ذوقی آن ملت که از ساختمان بناهای خصوصی و عمومی آن معلوم است ـ حجاری ـ نقاشی ـ طرح لباس ـ علم موسیقی ـ شعر ـ چکامه سرائی اینها نیز دربارهٔ یك ملت باید دانسته و فهمیده و دقت

شود - بعلاوه ازاین قسمت هم نباید غفلت نمود که بمجسم نمودن زندگانی یومیهٔ آن ملت - غذا - مسکن - تماشا خانه و تفریح آن بالاخره درتمام قسمتها مخصوصاً قسمت اخلاق - آمال و عادات شئون و قوانین سازی و جاری یك ملت دقت ومعلومات کافی تحصیل شود - تمام این حقایق هم باید طوری جمع شده و به ترتیب منظم و بفراخور جا و محل خود مرتب شده باشد که یك تاریخ جامع قابل مطالعه و تحصیل بشمار رود - نظر نهائی باید این باشد که تمام این حقایق و معلومات در باره یك ملتی باید توسط اشخاص بصیر عالم و دانشمند تهیه و جمع آوری شده باشند که بایك مطالعه دقیق باسانی بتمام آنها آشنا باشد و آنهارا باوضاع و احوال سایر ملل مقایسه کنند.

بعد ازاین مجموعه تاریخ شرح و بیان احوال آن ملت در قرون متوالیه نیز باید بوضع صحیحی منظم و مرتب تهیه شود تابتوانند عقاید - ایمان مؤسسات عادات و اصول تغییراتی که درانها راه یافته و انهارا اصلاح نموده است و چه علل و اسبابی در تغییرات انها دخالت داشته و انهارا از حالت سابق خود بحالت حالیه انداخته است از روی ان دانسته و بفهمند.

خلاصهٔ کلام اینها و فقط این نوع معلومات واطلاعاتست که یك جوانرا مستعد و حاضر خدمت نموده اورا در جامعهٔ خود مفید و سودمند میکند درحقیقت یگانه تاریخی که برای جوانان نافع باشد همان تاریخ انحطاط - زوال و نمو و رشدو

ترقی اجتماعات بشریست (۱) و بزرگترین مقامی که یك مورخ میتواند احراز نموده وخدمت شایان نماید اینستکه شرح احوال زندگانی ملل را طوری تنظیم و تدوین کند که یك منبع و وسیلهٔ تحصیل علم اجتماعي تطبیقی (۲) بشمار رود و یگانه اسباب فهمیدن و دانستن قوانین اصلی و حقیقی تجلیات و تظاهرات اجتماعي محسوب شود ـ بااین حال فرض کنیم یك مقدار متناسبی ازاین نوع اطلاعات گرانبهای تاریخی تحصیل و دانسته شد با وجود این باز نسبتاً مفید نخواهد بود اگر مفتاح صحیح ان بدست نیاید فقط مفتاح حقیقی ان درعلم (۳) پیدا خواهد شدو بس.

تااصول اساسی علوم علم‌الحیات (٤) و علم النفس (٥) از روی قاعده صحیحی تعمیم نشده ممکن نخواهد بود توضیح و تفسیر و فهم تجلیات روحی اجتماعی بشر از روی دقت و یقین صورت پیدا کند انسان فقط تا اندازهٔ میتواند بمرور و بتجربه بعضی حالت های خاص سطحی طبیعی و ظاهری بشر را استنباط نماید و ساده ترین حقایق زندگانی او را درك کند مانند نسبت عرضه و تقاضا (٦) دریںصورت بمقدمات اولیه حقایق علم اجتماعی نمیتوان نایل شد مگر اینکه انسان مختصر اطلاعی پیدا کند که چگونه بشر فکر مینماید چگونه حس میکند و در تحتچه

(1)- Descriptive Sociology,
(2) Comparatine cocialogy.
(3) Science. (4) Biology.
(5) Psichology (6) Supply-Denand.

عوامل و کیفیاتی عمل مینماید پر معلوم است که ممکن نمی‌شود انسان یك اطلاع وسیعتر و جامعتری از حیات اجتماعی او بفهمد جز اینکه بوسیله دانستن و آشنا شدن کامل به احوال بشر و قوای طبیعی روحی و بدنی او و اینك مطلب را در ساده ترین وضعی دقت کنید - بیان ذیل نتیجهٔ روشن و واضح مسئله است :

اجتماع بشری از افراد ترکیب شده و آنچه در جامعه صورت می بندد نتیجه اعمال مجتمعه آن افراد است بنا بر این فقط در اعمال فردی میتوان نتایج تجلیات و تظاهرات اجتماعیرا کشف نمود لیکن اعمال افراد تابع قوانین طبایع آنهاست وفهمیدن اعمال انها ممکن نیست مگر اینکه این قوانین را انسان بفهمد وقتیکه این قوانین را انسان تجزیه میکند و بشکل ساده در می آورد دیده میشود که اینها عموماً نتایج واضح و روشن قوانین احوال روحی و جسمی بشری است بنا بر این علوم علم الحیات و علم النفس برای فهمیدن احوال اجتماعیات بشری از واجباتست

باز میخواهیم موضوع را واضح تر از این بیان نمائیم - تمام تجلیات و تظاهرات اجتماعی از تجلیات و تظاهرات حیات است هر تظاهر و تجلی که پیدا میشود هر اندازه بنظر مبهم و مشکل بیاید تابع و مربوط بهمان قوانین است و خوب میتوان انها را فهمید و دانست وقتیکه قوانین حیات دانسته و فهمیده‌شود و وقتیکه میخواهیم اولاد جامعه را در این قسمت تعلیم و تربیت کنیم ناچاریم دست توسل در این قسمت نیز بدامن علم دراز

کنیم (۱)

ان قسمت اطلاعاتی که در ضمن دروس مدارس برای این رشته تعیین شده و تعلیم میشود برای هدایت و راهنمائی اعضاء جامعه فوق العاده کم است و برای یک انسان وطن‌خواه که‌دارای افکار و رفتار وکردار سود مند باشد کافی نیست.

از اینهمه درس تاریخ که او میخواند فقط یک قسمت مختصری قابل استفاده است واز آن قسمت مختصر نیزاو نمیتواند برخوردار شود نه تنها وسایل آن موجود نیست بلکه حس به احتیاج آن نیز هنوز پیدا نشده که‌تمام جزئیات اعمال واحوال بشری را جامع باشد. (۲)

یک دوره بود که انسان فقط بقوای طبیعی جسمی خود مستظهر و امیدوار بود آن دوره سپری شد دورهٔ دیگر پیداشد که قوهٔ انسان عبارت از حربه‌های برنده وقتاله بود که با آنها میتوانست ازدشمن خود جلوگیری نماید آن دوره نیز باخر رسید دورهٔ پیش آمد که عقل او فقط وسیلهٔ بقا وحیات برای او شد هرقدر عقل ودانش او بیشتر بهمان اندازه قدرت و توانائی او بیشتر امروز در حقیقت همان دوره است زور بدنی و برندگی حربه در درجه سوم و چهارم واقع شده عقل و فهم و دانش درجهٔ اول را حائز گردیده است امروز هرملتی که‌آنرا دارا است ولو هرقدر کوچک واز حیث خاک کم‌وسعت وکم جمعیت

---

1 Science 2 Education by H. SPencer P.39-44

وای باعلم ودانش وصنعت باشد حق حیات وزندگی را داراست و هیچ دولتی ولو هر اندازه هم قادر و توانا باشد باز نمیتواند بحقوق مسلمهٔ آن ملت کوچك تجاوز کند ولی مللی که فاقد این معلومات هستند وهنوز در وادی جهل و بی‌علمی ساکت و آرام و بی‌حرکت آرمیده‌اند عموماً درخطر وهرساعت انتظار تجاوز ازهر طرف دربارهٔ آنها میرود هیچ فرق نمیکنند این ملل بی‌علم واطلاع هراندازه بزرك و پر جمعیت باشند باز در عالم سیاست هیچ وزنی را دارا نیستند فقط قسمت ارضی وموقعیت جغرافیائی مسکن آنها دارای یك اهمیتی است و الا خودشان در ترازوی سیاست دول بزرك عالم هیچ وزنی را دارا نمیباشند مگر درموقع جنك بین خودشان که سکنهٔ این نواحی بهترین سدی‌را میتوانند درمقابل کلوله‌های توپ دشمن ایجاد کنند .

برای این ملل هیچ راه فراری از چنکال دول طماع نیست جز از راه علم و دانش و صنعت ـ همانطور که انسان مجبور میشود در موقع سردی هوا خودرا از سرمای سخت یخ بندان حفظ کند بر یك ملتی‌هم واجب است که خود را از تجاوزات بیکانه محافظت نماید چنانکه سرما درموقع معین خواهد آمد و انسان آن موقع را میداند و خودرا برای آن موقع مهیا میکند و اسباب و وسایل حفظ خودرا ازسرما فراهم مینماید همانطور هم یکچنین موقعی برای یك ملت خواهد رسید منتها روز معین ندارد و نمیتوان تاریخ صحیح آنرا معین کرد ولی آمدن یکچنین روزی حتمی است پس یکانه چارهٔ آن مهیا شدن

و آماده شدن ومسلح شدن و حاضر شدن است با تمام وسایل دفاع برای یکچنین روزیکه از جمله چیزهائیست که برای یك ملت واجب و حتمی است

ملت ایران نیز چنین روز هائی را در دنبال دارد و مقدمهٔ آن قرنهاست تهیه شده و برای عملی شدن آن قریب یکصد سال قبل از این نقشه معین طرح شد و بیست سال قبل عملی گردید ظهور انقلاب درروسیه این نقشه را واژگون نمود ظهور سلسلهٔ پهلوی بمقدمهٔ وسایل دفاع روح عملی دمید امید است وسایل تحصیل علم و دانش وصنعت نیز بمعنای تام وتمام خود عملی شود تا جامعه ایران بتواند و قادر باشد از اماکن متبرکه بزرگان کیش وآرامگاههای ابدی اجداد خود نگاهداری کند و آنهارا بدون نقصان بلکه بهتر و زیاد تر بدست اخلاف عالم و بصیر با دانش و صنعت باطمینان کامل بسپارد (۱) اما بچه راه و بچه وسیله هر فکری عملی شدن میخواهد و راه عملی شدن آنرا باید بدست آورد وقتیکه این راه پیدا شد و با احتیاط ودقت ومهارت وعقل ودانش اجرا گردید یقین بدانید نتیجهٔ مطلوبه حاصل خواهد شد

هر قدر ایرانی از اوضاع دنیا بی خبر باشد بهمان اندازه

(۱) نقشه اضمحلال ایران راپطر کبیر در دویست واندی سال قبل طرح نمود اخلاف او با جدیت تمام آ نرا تعقیب نمودند در سال ۱۸۳٤ طرح نقشه تقسیم بین روس و انگلیس کشیده شد در سال ۱۹۰۷ مواد آن روی کاغذ آمده بعد عملی گردید انقلاب روسیه آنرا از هم درید و پاره کرد اینك بعهده ایران جوان است که بواسطه تعمیم علم و دانش و صنعت و در میدن روح شهامت و فداکاری بقالب راحت طلب ایرانی محو ابدی آثار و علائم آنرا تامین کند.

بجهالت او کمك شده است هر قدر ایرانی را از علم و دانش بی بهره بگذارید بهمان قدر و اندازه بفقر و فلاکت و بد بختی او مساعدت شده هراندازه از اعمال و افکار و عقاید اوجلو گیری کنید بهمان درجه بجرئت و جسارت دشمنان او و وطن او افزوده میشود ملت که جاهل شد نفع وضرر خود را نمیتواند تمیزدهد واحتیاجات خود را نمی داند و نمیتواند از خارج رفع بکند و مایحتاج خود را خود تهیه نماید ساختن آلات و ادوات دفاع از خود و وطن خود را نمیداند وقتیکه جاهل است مضار اسارت را نمیفهمد لذت استقلال را نمیداند جان خود را بیش از اولاد ووطن خود دوست دارد حب وطن معنای حقیقی خودرا گم میکند جهالت وتعصب بیجا دراعمال وافکار وکردار وگفتار بیشتر دخالت دارد تا علم ودانش افکار ایرانی را روشن نمائید پردهٔ جهالت را بواسطهٔ بسط وتوسعه علم و دانش پاره کنید عقل اورا در اعمال و کردار و گفتار او مقیاس او قرار بدهید ذوق و سلیقهٔ او را بواسطهٔ تأسیس مؤسسات صنایع مستظرفه بیدار کنید روحیات او را بواسطهٔ نمایشهای اخلاقی که یکانه مربی و تربیت دهنده و سازنده ملکات فاضلهٔ انسانی است باز و روشن نمائید آنوقت است که ایرانی از قید و بند جهالت و نادانی و لذات حیوانی خلاص شده داخل در یك زندکانی درخشان ونورانی آدمیت خواهد شد .

چون موقع پیدا کردم ناچار بگویم یکانه شاهد من خداوند متعال است که هیچکس منظور نطر نیست بلکه اظهار

یك نظراست و بس

امروز درجامعه ایرانی طوری شده که انسان هر قدر بعلم و تجربه خود علاوه میکند بیشتر خودرا میخواهد پنهان نماید و چنین تصور میکند اگر آن علم و تجربه خود را علنی و یااظهار نماید مورد حسد واقع و اسباب زحمت او خواهندشد و حتی الامکان درکتمان آن میکوشد و اگر مصدر کار یاشغلی است چشم خودرا روی هم میگذارد که نه بیند گوش خودرا کر میکند که نشنود لال میشود که حرف نزند بعبارت دیگر تجاهل میکند و خود را به نفهمی میزند خود را نادان بی علم و اطلاع قلم میدهد تا خویشتن را از جر و جنجال و هو و مدعیان خود ایمن نگاهدارد - این یك نوع اخلاق بسیار بدی است و مانند یك ناخوشی مسری ممکن است بهمه سرایت کند و عاقبت آن بسیار وخیم و خطر نالك است وقتیکه حال بدین منوال شد فضیلت قیمت و اهمیت اصلی خود را گم میکند علم و اطلاع خریدار پیدا نخواهد نمود بازار جهل و نادانی رواج پیدا میکند علماء فضلا و دانشمندان قوم منزوی شده نور علم و دانش آنها دیگر بکسی نخواهد تابید رفته رفته در جامعه یگانه عنصری که قد علم خواهد نمود همان زعماء و جهال و پیشروان طبقه بی عقل و دانش خواهند بود و بس در این صورت ضرر این رویه برای یك جامعه بیش از سایر ضرر های مادی و معنوی آن خواهد بود.

اگر محیط و موقع و مکان اجازه ممداد من این موضوع

را مورد بحث و تحقیق و دقت قرار میدادم و علل و اسباب آنرا برای شما خوب تشریح مینمودم و اصل ریشه و منبع آنرا با جزئیات امر شرح میدادم شاید هم یکروزی دارای این جرئت و جسارت بشوم و آنروزی خواهد بود که شما گوش شنوا داشته باشید و مسائل حیاتی ملی را که سعادت ابدی یك ملتـی بسته به آنهاست با مقیاس تعصبات جاهلانه اندازه نگیرید حقایق مسلمه را در هر رنك و لباس به بینید آنها را تمیز دهید و برای اندازه گرفتن مسائل مهـم ملي و وطنی و برای هر یك جدا جدا مقیاس معین و مشخص داشته باشید حسیات یگانه محرك شمـا نباشد بلـکه عقل و دانش و علم و حکمت و دلیل کردار و گفتار شما باشند در چنین موقع و هنگامي میتـوان با شما با منطق و دلیل و برهان صحبت نمود و آن اشخاصیکه علم و دانش ـ فهم و هوش خود را از شما پنهان میکنند شاید محق باشند .

استاد معظم هربرت اسپنسر مقیاسهای صحیح برای شناختن اعمال بشری دست میدهند اگر از روی همان مقیاس ها اعمال هر کس را اندازه بگیریم به نتیجـه مطلوبه بهتر میرسیم صرف ادعا کافي نیست نتیجـۀ عمل یك فرد بهترین مقیاس احـوال روحیۀ اوست .

مسائل اجتماعی مانند مسائل ریاضی است (۱) هر کس

(۱) وقتی که باین کلمه میرسم آنرا باحتیاط بکار می برم شاید طرف وخوانندہ مقصود نویسندہرا ملتفت نشود چیست من هیچ قصدی جز جامعۀ یك ملتی ندارم مقصود من یك ملتی است که دریك حدود معین و مشخصی بنام ملت بان اطلاق میشود بکلمه اجتماعی معروف هیچ رابطه ندارد

ریاضی را خوب بداند مسائل مشکل آنرا میتواند مانند سایر ریاضی دانهای معروف حل نماید و بهمان نتیجه برسد که سایر استادان این فن رسیده اند مسائل اجتماعی نیز همینطور است هر کس بعوامل و اسباب و وسایل ترقی ملل آشنا باشد بوسیله آنها میتواند در اوضاع و احوال یك ملتی غور نموده درجه ترقی آنرا بشناسد و بگوید در این حال بکدام مرحله از مراحل ترقی رسیده است آیا در حال اوج گرفتن است یا متوقف یا اینکه رو به تنزل و انحطاط است آیا عوامل ترقی در میان ان ظاهر شده و وجود خارجی پیدا کرده است یا اینکه هنوز بهیچوجه علایم و اثاری از انها در میان ان ملت وجود ندارد؟

مادر غفلتیم دیگران که علاقهٔ مخصوص باتیه ما دارند و باذره بین علوم اجتماعی سالهاست برما می نگرند و تمام اعمال و افکار و عادات و شئون و اخبار و احادیث و تاریخ و مذهب احوال فردی و اجتماعی، تنزل وترقی - منابع ثروت - اوضاع، حکومت ترتیبات اعیان و اشراف و روحانیون نفوذ و قدرت و استعداد هر کس درهر طبقه و مقام که باشد تمام را بدقت تحقیق و تدقیق کتاب وهای متعدد در هرقسمت ازآنها تألیف و تدوین نموده اند وقتیکه انسان داخل میشود و مطالعه میکنند مات و مبهوت میشود و درحال حیرت این سؤال‌را از خود مینماید که آیا ممکن است یك ملتی این اندازه از حال و وضع خودبیخبر و بی اطلاع باشد و دیگران تمام محسنات و معایب آنرا قرنها تحقیق و تدقیق نموده تمام صفات نیك و بد آنها روی کاغذ

آورده کتاب کرده طبع نموده هزار ها جلد ازآنها را در پیش پای خودی و بیگانه ریخته وپاشیده باشند ولی خود از مندرجات آنها هیچ اطلاعی نداشته باشد ؟ (١) غفلت هم اندازه دارد ولی دراینجا از حد و حساب بیرون است .

انسان وقتی رو بترقی میرود که دارای معلومات باشد که تحصیل کرده باشد وقتی میتواند تحصیل کند کهوسایل آن موجود باشد درینصورت وقتیکه وسائل تحصیل نیست ترقی هم نیست ـ ترقی ملت نیز همینطور است ملت از افرادترکیب میشود افراد جاهل یك ملت جاهل را تشکیل میدهد وافراد عالم ملت عالم خوب ملاحظه کنید درحساب ابتدائی میخوانیم اگر آحاد یك عدد معین را دریك عددی ضرب کنیم میزانآن عدد را بالا برده ایم و اگر برعکس آحاد همان عددرا بر یك عدد تقسیم نمائیم از مقدار کلی آن عدد بهمان میزان کاسته ایم حالت افراد یك ملت نیز درست همینطور است اگر هر یك از اعضاء جامعه یافردی از افراد ملت را تربیت کنید بمیزانقدرت

---

(١) من تصورمیکنم اگر دو جلد کتاب لرد کرزن معروف با یك جلد کتاب جبرول ترجمه وطبعشده دردسترس ایرانی گذاشته شود بهتر ومؤثر تر از هر تازیانه عبرت برای آن میتوانند باشند دو جلد کتاب اولی درسال ١٨٩٢ از طبع خارج شده دویمی در سال ١٩٠٤ ـ هزار ها کتب دیگر در باب ایران نوشته شده ولی هیچیك اهمیت این سه جلد کتاب را از یك نقطه نظر معین دارا نیستند

و توانائی آن افزوده اید و اگر از تحصیل باز دارید جلو ترقی اورا بگیرید بجهالت و تعصب آنها علاوه کنند بهمان میزان و درجه .از قدرت و توانائی و قوای مادی و معنوی آن کاسته اید

وقتیکه عوامل ترقی مانند قواعد حل مسائل ریاضی واضح و روشن است مشکلی دیگر درمیان نیست از اینکه تجسس کنیم آیا این عوامل درمیان ملت ایران نیزوجوددارند یانه اگر موجودند زهی سعادت ماوملت و اگر نایاب هستند آیا صلاح نمیدانید آنهارا باید بوجود آورد و بکار انداخت ؟

گمان میکنم دیگر فکر لازم نداشته باشد بعلاوه فرصت هم باقی نیست تازود است باید عوامل ترقی را بکار انداخت و از وجود آنها استفاده کرد و گذاشت یك ملتی با معنای تام و تربیت و تعلیم عالم بصیر و دانشمند و صاحب صنعت بشود .

این نکته را هم تذکر بدهم بعد بروم سر موضوع قسمت مهم تقسیمات فیلسوف محترم هربرت اسپنسر .

این مسئله را باید بدانید که ملت باید زندگی کند و باقی بماند افراد آن همیشه در گذرند با حال و وضع حاضر زندگی ممکن نیست یك فردی بتواند از هشتاد سال بگذرد در صورتیکه بعد از هفتاد دیگر قوای مادی و معنوی اواز کار افتاده و جامعه مشکل بتواند از وجود اواستفاده کند پس حیات او خاتمه پیدا کرده و میگذرد اما ملت او بشهادت تاریخ نوشته هزار ها سال عمر کرده شاید هزار ها سال هم در آتیه زنده بماند آن نیز بسته بقوای مادی و معنوی آن ملت است بنا برین بقای

ملت را میتوان گفت ابدی است و برای بقای دائمی آثار افراد آن جامعه باید بکوشند و وسائل بقا و دوام آنرا فراهم آورند - هیچ راه و رسمی هم بهتر از تحصیل و دانش و کمال و معلومات صنعتی و فنی نیست که بیك ملتی عمر جاودانی بدهند و بواسطه همین صفات کسبی و عرضی است که حیات ملی یك جامعه برای آتیه تأمین میشود . و آثار ملی آن باقی می ماند .

اینك باقي مانده تقسیمات پنجگانه خود که برای حیات بشری لازم است این قسمت برای اوقات تفریح و مشغولیات دماغی است بعد از اینکه یك تحقیقات نافعی در باب تحصیلات مهم که چه نوع آن برای حفظ بدن واجب و لازم است و چه قسمت از آن تحصیلات تأمین معاش یومیه و زندگی را لازم می آید و کدام معلوماتی است که انسان قادر به تربیت و نمو و رشد خانواده و عائله آن میشود و چه معلوماتی است که انسانرا برای اجرای وظایف ملی و وطنی خود آماده میکند - حال داخل میشویم به تحقیقات آن قسمتی که تحصیل و فرا گرفتن آن انسانرا برای مقصود های مختلف دانا و بصیر مینماید مانند خرمی های طبیعت - ادبیات - صنایع مستظرفه که هر یك در دایره مخصوص بخود یکنوع ذوق و فرح و انبساطی را داراست از اینکه ما این قسمت را بعد از آن قسمت ها که اهمیت مستقیم با حیات عملی انسان دارد مورد مطالعه قرار داده ایم ممکن است استنباط شود که ما خواسته ایم از اهمیت وقدر و قیمت

آنها بکاهیم در صورتیکه چنین نیست ما در قدروقیمت واهمیت این مسئله با سایر مسائل هیچ فرقی نمیتوانیم قائل شویم مااهمیت مخصوص بتعلیمات ذوقی و تفریحی میدهیم که بهیچوجه در قدر و قیمت کمتر از سایر معلومات نیست زیرا بدون نقاشی - حجاری و موسیقی و صنعت و شعر آن احساساتی که بواسطه قشنگی و ظرافت هر یك از اینها در بشر تولید میشود نصف خوشی ها و خرمی های زندگانی انسان از بین میرود

ما هرگز تعلیم و تربیت این صنایع ذوقی را غیر مهم نمی دانیم بلکه یقین حاصل است که در آینده تحصیل اینها قسمت زیاد تر و اوقات بیشتری از زندگانی انسان را مشغول خواهند نمود - وقتیکه قوای طبیعت کاملا مغلوب انسان گردید و آنها را بکار انداخت وقتیکه وسایل صرفه جوئی از زحمت کار باعلا درجه رسیده وقتیکه تعلیم و تربیت طوری منظم و مرتب شده که معلومات مهم و واجب و لازم انسان در اوقات کم و سریع تحصیل شود دربن صورت یك اوقات فراغت بالنسبه زیاد تری در اختیار انسان خواهد بود که بتواند قشنگی مناظر طبیعت و ظرافت صناعت را بهتر و بیشتر مطالعه نماید و از لذات روحی آنها بر خور دار گردد تعلیم و تربیت صنایع ذوقی که محرك اصلی فرح و انبساط حیات انسانی است یك موضوع مهمی است و تصدیق نمودن اینکه این صنایع مستظرفه یکی از موجبات اساسی خوشی و خرمي بشر است موضوع دیگردرهرحال هراندازه این قسمت مهم و سود مند باشد باز تقدم

تحصیل را به آن قسمتهای عملی - علمی - مفید و سود مندی باید داد که رابطهٔ مستقیم با حیات روزانه انسان دارند .

چنانکه قبلا اشاره شـده ادبیات و صنایع مستظرفه در نتیجه رشد و نمو حیات ملی پیدا میشود تا حیات ملی نیست صنایع و ادبیات ملی نیز وجود ندارد پس میبایست آن وسایل و اسباب که باعث نمو و رشد حیات فردی و اجتماعـی یك ملتی میشود بر آنچه که صنایع ذوقیرا بوجود میاورد معدوم باشد یك باغبان گل دوست ما هریك ریشه را برای گل ان پرورش میدهد و مخصوصاً بریشه و برك ان اهمیت مخصوص میدهد که اسباب و وسایل عمده ان گل است ان گل مقصـود اوست نه ریشه و برك زیرا باغبان دانسته‌است که ریشه و برك ذاتاً اهمیت مخصوص را داراست و فقط نمو و رشد و پیدایش گل بسته به ریشه و ساقه و برك آنست و این گل مطلـوب در سایهٔ آنها وجود خارجی پیدا میکند و بس بنا بر این برای خاطـر آن گل بهترین توجه را از ریشه و برك وساقه آن خواهد نمود که مبادا از مطلوب حقیقی خود باز ماند - درست همینطوراست موضوع ما که داخل در بحث آن میباشیم معماری - حجاری - نقاشی - موسیقی و صنعت شعری و امثال اینهـا را میتوان آن گل مطلوب باغبان ماهر فرضی تمدن بشری نامید .

حتی ممکن است فرض شود اهمیت انها بدرجهٔ است که بر وسایل حیات مترقی بشری که خود تولید شده از این حیات است تفوق داشته باشند اگر چـه این یك فرض محالی است با

این حال باید تصدیق کرد که ثمر و حاصل یك ملت برومند میبایست شرط اعظم مقصود باشد بعد صنایع مستظرفه مقام ارجمندی را احراز کند - از اینجاست که اساس پوسیده و مندرس اصول تعلیم و تربیت ما ظاهر میگردد بعشق گل از نمو و رشد و تربیت ساقه و ریشه غفلت میشود زیبائی و قشنگی بر استحکام و متانت برتری پیدا میکند یك حرفهٔ که هیچ رابطه با قوانین حفظ حیات ندارد یك اطلاعی که هیچ نوع مساعدتی برای کسب روزی یا امرار معاش مرتب و منظم نشان نمیدهد یك معلوماتی که برای اجرای وظایف پدری علاقه مستقیم ندارد و در تکالیف وطن کمکی نمیتواند بکند و هر معلوماتی هم بدهد بی تناسب و بدون مفتاح برای امور زندگی است پس از روی عقل و مآل اندیشی خواهد بود که انسان معلوماتیرا فرا گیرد که رشد و نمو زیبائی و قشنگی را تولید کند.

درینجا میتوان بخوبی تصدیق نمود که دانستن زبان های امروزی یك معلومات مهمی است و ممکن است در خواندن و نوشتن و صحبت نمودن و در مسافرت خیلی مفید واقع شوند ولی این تصدیق بهیچ وجه نمیرساند که میبایست کسب و فرا گرفتن معلومات مهم و اساسی را فدای دانستن این زبانها نمود - فرض کنید دانستن و تحصیل ادبیات قدماء بادلاء و انشاء و طلاقت لسان کمك می کند ولی نمیتوان گفت این معلومات در اهمیت با دانستن اصول اساسی پرورش و حفظ الصحه اطفال مساوی است تصدیق میکنم ذوق و سلیقه انسان بواسطه خواندن اشعاریکه در قدیم

در زبان های منسوخ و از کار افتاده گفته و نوشته شده است زیاد می شود اما هر گز نمیتوان استنباط کرد که این زیاد شدن ذوق و سلیقه در قیمت مساوی خواهد بود با آشنا شدن بقوانین اساسی حفظ الصحه .

معلومات ذوقی ـ صنایع مستظرفه ـ نظم و نثر نویسی وامثال اینها را تماماً ما شکوفه‌های عالم تمدن بشری می نامیم و لزوماً میبایست تابع وپیرو تعلیم وتربیت و نظامی واقع‌شوند که تمدن بشری روی آن قرار گرفته است بنا بر این چنانکه معلومات ذوقی آن قسمتی از حیات بشری را اشغال میکنند که بنام اوقات تفریح وفرصت نامیده میشود بهمان دلیل نیز میبایست در قسمت تعلیم وتربیت اوقات تفریح وفرصت را اشغال کنید

وقتیکه مقام معین و مشخص معلومات ذوقی را تمیز دادیم وگفتیم که کسب آنها باید، قسمتی از دروس را تشکیل دهد واین قسمت در تعلیم و تربیت در حقیقت فرع بر اصل خواهد بود درینصورت باید بدانیم و تحقیق کنیم که چه نوع معلوماتی برای این مقصود بیشتر مفید وطرف احتیاج است یا چه معلوماتی بهتر شایستهٔ باقیمانده و آخرین دایرهٔ عملیات بشری است . اگرچه اظهار نظر وحکمیت درین باب ممکن‌است باعث تعجب شود ولی در هرحال حقیقت اینست که عالی ترین صنایع مستظرفه درهر رشتهٔ که تصور شود اساس آن میبایست روی پایهٔ علم (۱) قرار گیرد بدون علم نه تنك صنعت ذوقی

(1) Science

میتواند دارای ظرافت حقیقی باشد ونه میتوان بدون داشتن علم
قدر و قیمت آنرا دانست .

علم درحد معین محدودی که در جامعه معروفست غیر
ممکن است استادان ماهر این صنایع آنرا دارا باشند اگر چه
این استادان یك دقت نظر مخصوص درعمل دارند و یك مقدار
معلومات عمومی ومتداول فن بخصوصی را که اساس اولیه و
مقدمات ابتدائی علم محسوب میشوند فرا گرفته اند با این حال
صنایع آنها بحد کمال برسد وتکمیل شوند خیلی کار دارند زیرا
معلومات آنها غالباً مختصر وقوانین علمی هر فن بخصوص برای
آنها کاملا روشن نیست

ازاینکه اساس هر صنعت ذوقی میبایست روی قواعد
علمی گذاشته شود وقتی واضح وروشن میشود که ما درخاطر
داشته باشیم که آن صنعت بخودی خود نماینده ومظهر یکموضوع
معین معلومی است (۱) یا اینکه سه نماینده موضوع نظری و
خیالی است (۲) درینصورت این صنایع وقتی میتوانند خوب
ومقبول ومطابق واقع شوند که در تناسب موافق قوانین مقصود
علمی باشند و برای این توافق استاد ماهر این فن باید باین
قوانین آشنا باشد - این دلیل ما درست مطابق باتجربه وعمل
است چنانچه خواهیم دید .

جوانهای ما کـه برای فن حجاری (۳) تعلیم میشونـد

(1) objective. (2) Subjective.
(3) Sculpture

میبایست خودشانرا با استخوان بندی و اعصاب و عضلات بدن انسانی آشنا کنند جا و محل هراستخوان و پیوند آنهاوهمچنین ارتباط بااعصاب و عضلات را باید بدانند و این قسمتی از علم است که برای استادان این فن لازم و واجب است تا از سهو و خطا و نواقص این صنعت آنهارا مصون دارد علاوه بر این یك رشته از معلومات اصول میکانیکی لازم است که عدم این اطلاع دراساتید این فن غالباً بضرر های زیاد منجر شده مثلا برای پابرجا ایستادن یك مجسمه لازم است که خط عمودی(۱) ثقل درست بنقطهٔ وسط پایهٔ که مجسمه در روی آن واقع است منتهی شود بنابراین اغلب اتفاق میافتد که مجسمه بحال راحت باش و تمام سنگینی بدن روی یك پا واقع میشود و پای دیگر آزاد ساخته شده در ینصورت ممکن نیست خط مستقیم عمودی درست دروسط دوپا و در میان پایه منتهی شود بلکه درینحالت ثقل بدن روی پای مستقیم است که حایل بدن است پس باید خط عمودی درست در وسط یمین یك پا واقع شود لیکن استادان این فن که باقانون توازن آشنا نباشند مکرر در صنعت آنها این اشتباه روی میدهد خط عمودی در وسط دو پا روی پایه منتهی شده اسباب ضرر عمل را فراهم آورده است.

همچنین در فن نقاشی احتیاج برای معلومات علمی بیشتر محسوس است چه چیز باعث تعجب و غرابت در نقاشی‌های

(1) The line of direction

چینی است جز این است که موافق و متناسب باقوانین اصلی نیست و عکس بهیچ وجه شباهت باصورت ندارد - غلط های فاحش نقاشی اطفال درچیست ؟ در حقیقت از عدم اطلاع بوضع مخصوص مناظر اشیاء و حالت آنهاست یك نظر بکتب این فن و یاطریق تعلیم و بیان این علم که بمحصلین تعلیم میدهند و یا دقت در تنقیدات راسکین (۱) یایك نظر بنقاشیهای قبل از رفائیل (۲) ثابت خواهد نمود که ترقی نقاشی مربوط بازدیاد معلومات درین فن است که چگونه تجلیات و جلوات طبیعت بخوبی تقلید شده است ماهر ترین استادان این فن بدون کمك علم عاری از خطا نخواهند بود هرنقاشي این نظر را تصدیق خواهد نمود که تا دانسته و فهمیده شود چه مناظری باید در تحت تأثیر کیفیات معین وجود داشته باشند و آن مناظررا از روی قوانین معلومات علمی که مخصوص احوال همان مناظر است نداند ممکن نیست زحمت او دارای قدر وقیمتی باشد از عدم اطلاع علمی مسیو لویز (۳) با اینکه یك نقاش بی بدلی است سایه پنجرهٔ را که میبایست بجای معین و معلوم خود افتاده باشد بدیوار مجاور که هیچ تناسب علمی ندارد انداخته است اگر اطلاعات علمی از قانون سایه دادن را دارا بود هر گز مرتکب یك چنین خطائی نمی‌شد و بهمین دلیل سایر پیشقدمان این فن نیز خطا های بسیاری مرتکب شده اند .

فن موسیقی نیز همین است اگر بگوئیم این نیز بلاواسطه

(1)Ruskin. (2)Raffael. (3)mr.j.Lewis

کمك علم پایه و بنیان صحیحی نخواهد داشت بیشتر اسباب تعجب خواهد شد بسیار کارآسانی است که ثابت کنیم موسیقی مجسم نمودن لسان طبیعی احساسات بشری است و در نتیجه هم خوبی و بدی این فن ظریف موافق با قوانین این لسان طبیعی میباشد آهنگهای مختلف صدا که در نتیجه احساسات وتأثیرات گونا گون بشری تولید میشوند اینها منشاء ظهور و پیدایش موسیقی هستند بهتر میتوان تشریح نمود که این آهنگها و نوا ها آیا عرضی هستند یا طبیعی وذاتی درهر صورت از اثرات قوانین عادی و جاری حیات بشریست تفسیر و تصریح آنها تابع همین قوانین است بنا بر این چنین نتیجه میتوان گرفت که آهنگها و نواهای موسیقی روی همین قوانین اصلی قرار گرفته و آنها را تر کیب نموده است و آنها با همان قوانین عادی وجاری موافق می باشند

در حقیقت مجسم کردن این مسئله در اینجا بنظر مشکل می آید اما به آن قسمتهای زیادی از تصانیف بی ثمر که در مجامع طالبان این قسمت معمولست کافی است اشاره نموده مثل بزنیم که اگر این ها از روی معلومات علمی تر کیب شده بودند یقیناً اثرات نیك از آنها بظهور میرسید .

آنهائی که آهنك و نوای این تصانیف غیر طبیعی را که منشاء اصلی آنها غیر از احساسات رقیق بشریست تصنیف وتر کیب مي نمایند مرتکب یك گناه بزرگی مي شوند که قابل عفو نیست و روح علمی از آنها بیزار است بعلاوه نسبت به فن این علم نیز گناهکارند زیرا که بواسطه علاوه نمودن نظر های شخصی

که مربوط و ناشي از حسیات بشری نیست و بهیچوجه کافی هم نیست که احساسات طبیعي انسان را تحریك کند وهمچنین نواهای عجیب و غریبی در فن موسیقی بکار می برند که هیچ تناسب و موافقتی با نظر و مقصود باطنی موسیقی ندارد و تمام اینها چون نزدیك بحقیقت نیست دارای آن اثرات معنوی هم نیست و اینکه دارای اثرات معنوی نیست چونکه علمی نیست (۱)

فیلسوف معظم درینجا داخل در فن شعر شده بعد رشته‌های دیگر ومسائل تفریحات دماغی انسان‌را شرح میدهد و برای هرکدام یك منشأ اصلی با دلیل و برهان ثابت نموده پیروی و تحصیل آنرا روی پایه علمی قرار میدهند و علاوه میکنند که هرفن کوچکي و محقریکه بنظر بیاید بدون اساس علمی ممکن نیست اثرات مؤثر خودرا ظاهر سازد پس هرکس هررشته از رشته‌های اعمال انسانی را بخواهد پیشهٔ خود سازد میبایست اساس علمي آنرا فرا گیرد تا قادر باشد آن عمل را بطور مناسب و شایسته ومؤثری انجام دهد .

بعقیدهٔ این مرد متبحر هیچ پیشه دردنیا بدون تحصیل اساس علمی آن حسن وزیبائی طبیعی‌را دارا نیست درست این موضوع نقطهٔ مقابل احوال واوضاع ایرانست که در این قسمت زمین هیچ چیز اساس علمی ندارد و هیچکس از راه تحصیل بمقامی نمیرسد هیچ صاحب پیشهٔ صنعت خودرا ازروی معلومات علمی فرا نگرفته برای هر نوع ادعائی هیچ مقیاسی وجود ندارد

(1) Education P.50

هر کس هر معلوماتي را میتواند ادعا کند وانجام هرشغلي را بعهده بگیرد اما وقتیکه مقیاس داخل در کار شد و بنا شد که هر ادعائی را با مقیاس معین ومعلوم آن اندازه بگیرند آنوقت است که این مدعیان دروغي مانند پیغمبران دروغی که در بروز وظهور معجزه عاجز میشوند اینها نیز بعجز خود اعتراف خواهند نمود دیگر بساطهای خودرو ازبین برچیده شده بجای آن بساطهای علم وعمل وصنعت گسترده خواهد شد :

* * *

حال تمام رشته‌های اعمال بشری که برای زندگانی لازم است بطور خلاصه شرح داده‌شد امیداست مفصل آنرا جوانان ایران در مدارس و در اوقات فراغت مطالعه کنند و اگر بخواهند ایران آنها نیز دارای مردان عالم وبصیر ومخترع وصاحب صنعت و با معلومات گردد و نام ایران باستانی بواسطهٔ قدرت و توانائی شجاعت و رشادت آنها ورد زبانها گردد باید این جوانها همت گمارند که هریك ازراه علم و دانش یکی از آن مردان صاحب نام و شهرت گردند

اگرچه تکرار میشود ولی باید باز تذکر داد که‌ایران هیچ جا نمیرود همیشه ومدام در همان محل و مکان که بوده هست و خواهد بود فقط مردان کاری وآزموده وبا تجربه وبا معلومات و فداکار میخواهد که از آن حمایت نموده در ترقی آن بکوشند هروقت وهرساعت که دست ایرانی توانست ازروی قدرت و توانائی قبضهٔ شمشیر اجدادی خودرا درکف دست گیرد

باور کنید که برق آن چشم دشمن این آب و خاك را خیره نموده حرص وآز خودرا نسبت بایران کنار گذاشته دنبال کار خود خواهد رفت شواهد تاریخی در این باب زیاد است .

چون شاه پرستی در ایرانی ذاتی است و با شیر اندرون شده و این خوی نیك از سالیان دراز بلکه قبل از تاریخ در نهاد ایرانی طبیعی است هر وقت در هر دوره که یك پادشاه با عزم صاحب تاج و تخت کیانی گردیده ایرانی در سایه شهامت و فداکاری آن شاهنشاه بترقیات عالیه نایل شده و بدشمنان وطن و ملت خود یك درس عبرت فراموش نشدنی داده است .

نه تنها مردان آن در فداکاری و دفاع از ایران در تحت سر پرستی و هدایت چنین پادشاهان پیشقدم بوده زنان نیك‌سیرت آن نیز درین جهاد ها شرکت نموده اند هیچ وقت واقعه شعف انگیز جنك پازارگاد را که ملت ایران در تحت فرماندهی سیروس کبیر بجهاد اکبر قیام نمود و قید های اسارت و بندگـی دولت مد را دور انداخته اساس سلطنت آنرا واژگون نموده خـود صاحب تاج و تخت ایران و مد گردید فراموش نمیکنم که یکی از اسباب فتح و فیروزی این جنك شیر زنان ایران بودند که‌در نفس آخر قشون ایران بمدد آنها رسیده اسباب فتح و ظفـر آنروز گردیدند .

منحصر باین حادثه نیست حوادث دیگری نیـز بعد از این تاریخ رخ داده است که جای شرح و بسط آنها در اینجا نیست عجالتاً شرح این داستان های باستانی را برساله های دیگر

می گذارم .

چون ایرانی دارای یك چنین صفت شاه پرستی است امید واری هر ایرانی علاقه مندی به شاهنشاه عظیم الشأن اوست که در سایه حمایت و سر پرستی پادشاه جوان بخت خود بترقیات عالیه نایل گردد و عظمت و جلال باستانیرا چنانکه مکرر احراز نموده باز در اثر نفوذ و قدرت ذات ملوکانه احراز نماید فقط محتاج باشاره و هدایت پادشاه است که راه سعادت و نیك بختی برای ملت مفتوح شود راه نیز منحصر بفرد و آن نیز طریق علم و دانش است آن قسم علم و دانشی که اسباب قدرت و توانائی ملت گردد یعنی علوم و صنایعی که بواسطه فرا گرفتن آن ها ملت ایران بتواند منابع ثروت وطن خود را بکار اندازد و از فوائد آن خود بر خور دار گردد نه دیگران که دشمن مال و جان او هستند و نیز قادر باشد خود مایحتاج خود را تهیه کند و استعداد آنرا داشته باشد که اسباب و آلات دفاع خودرا خود آماده کند و محتاج بخرید یا تهیه از خارج نگردد که در هر موقع بیم خطر جلو گیری میرود ـ تمام اینها بسهولت در سایه حمایت شاهانه انجام پذیر خواهند بود و بس .

اگر چه ایراد این مسئله و بیان و اشاره به آن یکنوع جسارتی بشمار میرود ولی تذکر گناه نیست ـ درین قسمت پادشاه گذشته ژاپون در نصف اول قرن نوزدهم میلادی یا در اواخر قرن سیزدهم هجری بهترین سابقه را برای پادشاهان آسیا بیادگار گذاشته است و نشان داده که چگونه میتوان ملل شرقي

را بپایه علم و اطلاع و صنعت ملل اروپا رسانید یگانه راهی که نموده است راه علم و دانش است که باید بتمام معنی ملت را بفرا گرفتن آن باز داشت اما حصول اینمقصود مقدس یك شرط دارد و آن اینستکه شاه بشخصه مواظب و مراقب این امر باشند چنانکه پادشاه عالیمقام ژاپون نمود

اگر امروز شاهنشاه معظم و محبوب ایران که یگانه امید ملت ایران هستند با این علاقه مفرطی که به تربیت و تعلیم حقیقی ایرانی دارند شخصاً ذات ملوکانه در بهبودی اوضاع مدارس مناسب و شایسته و مفید بودن دروسی که تعلیم میشود لیاقت و معلومات معلمین که عهده دار تربیت اطفال و جوانان ایرانی هستند نظر داشته باشند و امتحان شاگردان ایرانی که از تحصیل اروپا مراجعت مینمایند بامر همایونی بوسیله اشخاص معتمد انجام یابد که چه معلوماتی از اروپا بارمغان آورده اند یقیناً در اندك مدتی یك تغییرات مهم ومحسوس دراساس تعلیم و تربیت ایرانی ظاهر خواهد شد چون ایرانی همیشه بپادشاه خود علاقه مند بوده تمایل شاه یگانه وسیله تشویق عمومی خواهد بود.

چون موقع پیدا شد باید تذکر بدهم که اغلب شاگردانی که باروپا میروند و پول مملکت را درآنجا ها صرف میکنند در مقابل معلومات کافی همراه نمی آورند احصائیه عده ازآنها را بدقت مطالعه نموده ام جز یأس و تأسف برای من نتیجه دیگر نداشته و شاید برای اولیای آنها نیز جز این حاصلی ندهد و برای

دولت نیز که متحمل این همه مخارج شده فایدهٔ نداشته باشد .

چون در مملکت ایران برای هیچ چیزی مقیاس نبوده برای معلومات و علوم مکتسبه آنها نیز مقیاسی وجود ندارد اطلاع دارم تحصیل تصدیق و دیپلم نیز در خارجه چندان کار دشواری نیست و آنهائی که سالیان دراز وقت خود را بنام تحصیل با خرج مبالغ هنگفت گذرانده اند هنگام مراجعت بایران تهی مغز و تهی دستند خدا کند اینطور نباشد ولی یك دلیل دارم که اظهار یأس مرا ثابت میکند و آن اینستکه در این مدت از تحصیل کرده های فرنك چیزی نتراویده اگر موضوعی داشت یقین اثرات آن تا حال ظاهر شده بود چون هیچ فکر یا صنعتی را نمیتوان پنهان کرد و هر قدر در کتمان آن بکوشند بالاخره از یك جائی درز خواهد نمود در صورتیکه این اندازه برای صاحبان علم و صنعت زمینه فراهم و میدان عمل برای آنها وسیع است با اینحال دیده نشده یك استاد قابل یك صنعتگر ماهر یك صاحب علم ودانش تا امروزازمیان این تحصیل کرده های فرنك اظهار وجود کنند شاید باشند وعده آنها هم زیاد باشد ولی اثری از آنها پیدا نیست ـ

خدای من شاهد است که محرك من جز حب ابنای وطن من نیست و اینکه باین نغمه دست میزنم برای اینستکه از وجود آنها برای ایران و ایرانی درآتیه فوایدی تولید شود و آنهائیکه بمعدن علم و دانش میروند و از سرچشمه علوم و صنایع عطش خودرا تسکین میدهند میبایست ازاین سرچشمه فیض

عطش خودرا سیرآب نموده و خودشانرا دارای فضل و کمال و علم و دانش و صنعت نموده بایران مراجعت کنند و سبب شوند درایران همان سرچشمه های علم و دانش براه افتد مردم از آنها استفاده نمایند و مربی اصلي و حقيقي ابنای وطن خویش شوند نه اینکه سه سال پنج سال بلکه ده سال عمر جوانی را درآنجاها بسر برده و اسباب اتلاف مبالغ گزافی مالیه دولت یا مملکت یا پول شخصی شده دست خالی و بدون معلومات مفید و سودمند بایران مراجعت نمایند و یك مشت آداب و رسوم ناپسند خارجی را سوغات بیاورند .

فقط یگانه چاره و علاج آن و تشویق و ترغیب شاگردان فرنك رفته یك امتحان علمی و عملي است از کلیه شاگردانیکه تحصیلات خودرا تمام نموده بایران مراجعت مینمایند که درتحت توجهات اعلیحضرت همایونی و وزارت معارف بعمل آید تامعلوم شود درمقابل وجوه مصرف شده چه معلومات گرانبهائی تحصیل نموده اند که اقلا مملکت باندازهٔ همان مخارج از وجود آنها برخوردار شود و قدر و قیمت آنها بموقع درجامعه معلوم گردد و ملت و مملکت جوانان فاضل و دانشمند خود را بشناسد و بوجود آنها افتخار کند .

دراین قسمت نیزملت ژاپون سرمشق خوبی بملل آسیائی داده است هرملتی از ملل آسیا که میخواهد درشاهراه ترقی قدم گذارد عقل حکم میکند که باید همان راهی را که ملت ژاپون پیموده و بمقصود رسیده و دارای اینهمه قدرت ـ شان

و شوکت و جلال شده که امروز هیچ موضوع سیاسی درمیان دول معظم دنیا بدون ملاحظه و بشمار آوردن قوای مادی و معنوی آن واقع نمیشود به پیماید.

سرمشق ژاپون چیست؟ اگر مایلید گوش بدهید - در اواخر قرن گذشته که شاید تاامروز بیش از شصت سال نباشد جوانان باهوش و بااستعداد وطن دوست و ملت پرست و عاشق ترقی و سعادت مملکت و ملت ژاپون دنیا را زیر پا گرفته در دنبال معشوق خویش که عبارت از علوم و صنایع باشد تفحص و جستجو نمودند ودر هر مملکتی که بوی دانش و صنعت بمشامشان رسید درآنجا رحل اقامت افکنده علوم و صنایع انرا باتمام معنی یاد گرفتند و آنهارا بایك شوق و ذوقی بوطن اصلی خود برده درتعمیم آن از جان و دل کوشیدند و ساکت وآرام نشدند تا اینکه تمام آن علوم و صنایع را بابنای وطن خویش تعلیم‌نمودند و ملت خودرا بانمقام و درجه رساندند که امروز درمیان‌دول باعظمت دنیا کوس لمن‌الملك میزند درینجا بهتر میدانم چند صفحه از تاریخ این نهضت را از بهترین کتاب تاریخ عمومی که مربوط باینموضوع است برای شما عیناً ترجمه کنم شایدبهترین سرمشقی برای اولیای امور یااولیای محصلین اروپا باشد (۱)

« در سال ۱۸۷۰ بزرگترین نهضت ملی ژاپون شروع

---

(1) Harmsworth History of the world vol.1.P.585

این تاریخ در هشت جلد نوشته شده بمرور از طبع خارج گردید جلد اول آن در سال ۱۹۰۷ و آخرین جلد در ۱۹۰۹! بطبع رسیده است

گردید با هوش ترین جوانان و مردان این سر زمین به پرسه زدن دنیا دنبال آن چیز های مفید و لازم که میشود در ژاپون بموقع عمل آورد شروع نمودند بهترین استادان فنیرا از آمریك و اروپا با بهترین حقوقی استخدام کردند و بهترین مستشاران را در هر رشته از علوم سیاسی و اقتصادی با حقوق گراف ازاروپا بژاپون دعوت نمودند که هادی و راهنمای این دولت نو زاد باشند ژاپون هر گز قادر نخواهد بود خدمات این معلمین صمیمی و با وفای خارجیرا جبران کند یا از زیر دین تعلیم و تربیت این رادمردان بر آید.

ملت ژاپون نه یادکار های تاریخی از سنك و نه لوحه های کنده و بر جسته فلزی که بیاد این معلمین واستادان ماهر باشد بر پا نکرده است و احتیاجی هم به آنها نیست گرانبها تر و شریف ترین این قبیل یادکار ها در دنیا آنهائی هستند که این معلمین و استادان رابرای خود برپا نموده اند و آن عبارت از ژاپون جوانست و هر گز ممکن نبود ژاپن باین مقام عالی و ارجمندی بخودی خود در عرض سالهای متمادی برسند اگر این اشخاص شریف راهنما و هادی نبودند و صمیمانه این خدمت را نسبت بانها انجام نمیدادند (۱)

(۱) چقدر شبیه بمستشاران ومعلمین اروپائی ما بودند که ازاوایل قرن نوزدهم یا اوایل سلطنت فتحعلی شاه بایران آمدند اگر معلمین ژاپن نیز مانند معلمین ایران بودند یقیناً اوضاع واحوال آنها بدرجات پست تر و بد تر از اوضاع ما بود با اینکه ما هفتاد سال از این حیث از ژاپن پیش هستیم تصور میرود در علم و دانش و صنعت دویست سال از آنها عقب باشیم در هر حال مستشاران

پادشاه ژاپون با یك مهارت و مآل اندیشی نادری میتوانست تمیز بدهد و بداند از کجا باید انتظار بهترین کمك و مساعدترا داشته باشد بنا بر این تعلیم صاحبمنصبان قوای بحری خود را که تازه پا بعرصهٔ وجود گذاشته بود بدست معلمین بحری انگلیس گذاشت تعلیم و تربیت قشون جوان ژاپون را بر طبق دستور و تعلیمات صاحبمنصبان مکتب مولتکه آلمان که تازه فاتحانه از جنك سال ۱۸۷۱ با فرانسه بیرون آمده بودند تنظیم کرد اساس تعلیم و تربیت ملی ژاپون را بر طبق پروگرام مدارس دولت اتازونی بر قرار نمود اصول قوانین قضائی و قانون اساسی را بعهده علماء فرانسه و آلمان وا گذار کرد برای طبابت و جراحی استادان ماهر این فنون را از آلمان طلب نمود تعلیمات و فرا گرفتن علوم و صنایع از قبیل مهندسی شیمی ـ الکتریك ـ ماشین آلات میکانیکی و سایر صنایع را اول از انگلیس و امریکا بعد عمده انها را از المان اموخت و هر رشته از علوم که ژاپونی ها فرا گرفتند تمام آنها را ترقی داده برطبق احتیاجات خود آنها را تکمیل نمودند و بایك مهارتی کـه مخصوص خود آنهاست صنایع و حرف غربیرا موافق میل و سلیقه خود بکار انداخته از آنها بر خور دار شده اند بعلاوه جوانهای مستعد و با هوش ژاپونرا که میبایست بحکم تقدیر مقدرات ملت ژاپون را در آتیه بدست

و معلمین اروپائی ما را سیاست وقت آورد و سیاست وقت برد بدون اینکه از وجود آنها استفاده شود تقصیر نیز متوجه پادشاهان و در بار های قرن گذشته است که از علم سیاست و اوضاع دنیا بی اطلاع بودند و نفع شخصی بیشتر مورد مطالعه آنها بود تا نفع ملت و مملکت

گیرند و قابل حکومت نمودن باشند لیاقت و کفایت اینرا داشته باشند که قوای دولتی را اداره کنند طرق و شوارع مملکت را بسازند و بازدیاد ثروت ملی بکوشند و سایر احتیاجات ملی را از خارج و داخل رفع کنند برای این مقصود عده زیادی از این جوانها را بممالك خارجه که در انجا ها بهتر ممکن بود علوم و فنون و صنایع را یاد گرفت فرستادند - انتخاب این جوانها از طرف دولت و سایر صاحبان نفوذ بعمل می امد و فرستاده میشد بعد ملتفت شدند که نتیجه حاصله بمیزان زحمت و مخارجی که دولت میدهد نیست - دولت مجبور شد در اوایل امر تمام انها را که با خرج دولت تحصیل مینمودند بطلبد و با برقراری مدارس عالیه متوسطه و استخدام یك عده معلمین درجه اول و استادان ماهر علوم خیلی بهتر و آسان ترشد که در داخله مملکت محصلین تحصیل نموده و این همه پول که ازین حیث بخارجه فرستاده می شد جلوگیری شود مخارج نگاهداری این مدارس نیز نسبتاً خیلی کمتر برای دولت تمام شد و عده خیلی زیادتری توانستند علوم و فنون غربی را بخوبی فرا گیرندو آن وضع غیر منظم و مرتب تحصیل که بواسطه اقامت درخارج و دور از وطن اصلی بوده برطرف گردید و آن عدهٔ که میبایست درجات عالی معلومات و علوم را درخارج فرا گیرند مقرر گردید که هر کس لایقتر و استعدادش بیشتر و درامتحان ازسایرین بهتر باشد بخارج اعزام شود محصلینی که باین طریق و ازراه مسابقه بخارج اعزام میگردیدند جوانهائی بودند که از هر حیث

برسایرین برتری داشتند در نتیجه این رفتار در دارالفنونهای معروف آمریك و اروپا جوانهای ژاپونی در هررشته از علوم و صنایع عالی از سایرین ممتاز شدند جدیت پشت کار ، هوش و ذکاوت اخلاق و رفتار آنها بهترین نام نیك و شهرت عالمگیر را برای محصلین ژاپونی درتمام ممالك اروپا و آمریکا احراز نموده و ضرب المثل گردید و بسر بلندی و افتخار ملت خود افزودند باختصار آشنائی تصور میرود که محصلین ژاپونی شوکت و عظمت ملی خودرا دراخلاق و رفتار شخص خود تصور می کنند گوئی برای نشان دادن عزت و سعادت ملت خودساخته شده اند .

درقدم اول محصلین ژاپونی وعده زیادی از صاحب منصبانی که بممالك اروپا اعزام شده بودند تامعلومات و فنون مخصوص که وظیفه هریك جدا گانه معین شده بود تحصیل نمایند درهر جائی ازآنها خوب پذیرائی میشد هیچ دسته اجتماعی عمومی و خصوصی نبود که یکی دونفر از اینها در آن مجامع حضور نداشته باشند هیچ مجلس انسی نبود که بدون حضور یکی دو تن از محصلین ژاپونی کامل باشد طولی نکشید که این مجالس انس از آنها خسته شدند چون خود ژاپونی ها بزودی درك نمودند که دراین مجالس انس افکار آنها درمجاری دیگر سیر می کند در انکلستان مجالس انسی که بیشتر در افکار این محصلین مؤثر بود مجامع فیلسوف های رادیکال بود که حال آثاری از آنها باقی نیست و اگر باشد بسیار کم و نادر است

دراین مملکت این طبقه محصلین ژاپونی را زیربال خود گرفتند و افکار خودرا بانها تزریق نمودند و این درآن روزهائی بود که محصلین ژاپونی در اطراف فیلسوف معروف هربرت سپنسر گرد آمده بودند و افکار و نظریات او درآنها بیشتر نفوذ کرده بود و بسیاری از تعلیمات جان استوارت میل (١) را در موضوع علوم اقتصادی قبول نموده بودند

اگر محصلین مزبور در این تاریخ (١٨٧٠) « که بعدها زمام امور مملکت ژاپون را دردست گرفتند » نظریات این اشخاص را قبول نموده بودندوبرطبق تعلیمات آنها رفتارمیکردند یقیناً تاریخ دنیا غیر ازاین بود که حال هست - آن کلمات و عبارات خوش آهنك که درآنزمان درآمریك و اروپا رواج داشت مانند تجارت آزاد- صلح عمومی - حقوق بشر-برادری و برابری بین ملل - الفاظ و گفتارهای درخشان از این قبیل که بسامعه و فکر بشر خصوصاً شرقی خیلی خوش آیند است و اگر محصلین ژاپونی اینهارا به سوغات بژاپون میبردندوبملت خود تعلیم مینمودند باآن نفوذی که این محصلین درمیان ملت دارا بودند یقیناً ملت ژاپون ازآنها قبول می‌نمود و ممکن بود این عقاید کاملا روح ملت ژاپون را تغییر داده امروز دارای آن نفوذ و قدرت نباشد که نه تنها درشرق اقصی محسوس است بلکه درسایر ممالك نیز قیافه عبوس آن ظاهر وهویدااست یك ملت ژاپون ایدآلـی و صاحب روح آزادی طلب

(1) John stuart mill

نظری (نه عملی) برای دول غربی بهتر و مناسب تر ازین بوده که حال هست دول غرب خودشان مسؤل این پیش آمدهستند که سبب شدند یك ملت آسیائی آنهم درشرق اقصی داخل در یك مرحلهاز زندگانی بشود که بیشتر عملی است ـ فقطفتوحات درخشان دولت المان درجنك بافرانسه بود که این رویه را در دماغ محصلین ژاپون ایجاد نمود وآنها را به تغییر خطی که تا این زمان پیش گرفته بودند وادار کرد ـ سیاست خشن معروف « خون ـ آهن » بیزمارك صدر اعظم آلمان که بواسطه فتوحات او در دنیای اروپا برقرار گردید و عبارت بود(حق بازور است) مشرق اقصی که همیشه قدرت و عظمت را بهتر ستایش میکند درقبول کردن و فرا گرفتن این عقیده لیاقت مخصوص نشان داد ازآن تاریخ تا سال ١٨٩٥ (١) فقط نفوذ و قدرت و

(١)درسال ١٨٩٥ یك جنگی بین سلطنت آسمانی چین ویادشاهوزمینی ژاپن واقع گردیدقشون یادشاه زمینیفاتحانه بیرون آمد وپرت آرتور بندر معروف را با شبه جزیره لیرتونك بتصرف در آورد در آن تاریخ چشم دولت روس درروی پرت آرتور بود که بعدها اسباب شکست و خجالت آن دولت درشرق اقصی گردید فرانسه هم دوست متحد روس بود آلمان هم در این اوقات دنبال مستعمرات میگردید بنا بشرح فوق سه دولت متحد شده و ژاپن را ازثمرهٔ فتوحات خود محروم نمودند و اینکه از سال ١٨٩٥ با آلمان قطع دوستی معنوی نمود از اینجا شروع گردید و منجر شد باینکه در موقع جنك بین المللی مستعمرات آلمان را از ید تصرف آن دولت بیرون آورد و بعد ها نیز حساب کدورت و رنجش خود را با دولت روس در جنك ١٩٠٤ پاك کرد شاید نوبت فرانسه نیز برسد خواننده را بکتاب ذیل آشنا میکنیم که سوز درونی ملت ژاپون را در این موقع کهازحلقوم کنتهیاشی یکیازسیاسیون معتبر این ملتاست بیرون آمده مطالعه کنند نقل آن در اینجا زایداست

The international anarthy 19c4-1914
by G-Lowes Bickinson

عظمت آلمان بوده که یگانه محرك و مشوق ملت ژاپون گردید و درسال ۷ - ۱۸۸٦ به منتها درجه اوج خود رسید.

قانون اساسی ژاپون که اول بنا بود از روی قانون اساسی ملت انگلیس معین شود بالاخره از روی نمونه قانون اساسی پروس باآن قسمت هائی که آزادی ملت را تا اندازهٔ محدود می کنند برداشته شد و اجرا گردید.

یکی از زعماء سیاست ژاپون دلیل اینموضوع را بطرز بسیار سادهٔ بیان نموده است و میگوید: ما رفتیم بلندن تا قانون اساسی ملت انگلیس را تحصیل نموده بطرز اجرای آن آشنا شده بوطن خود برگردیم و آنرا نمونه و اساس قانونی خودقرار دهیم ولی نتوانستیم آنرا در جائی پیدا کنیم بنا براین مجبور شدیم برویم به برلن - درآنجا باکمال میل بما نشان دادندو ماباسانی و سهولت یادگرفتیم زیرا که خیلی روشن و سهل با دلیل و برهان درسیاه و سفید معین و واضح بود».

این است که ملت ژاپون نیز همان عقاید و نظریات ارتجاعی را که در آن سنوات اروپارا گرفتار نموده بود کسب کرد اصول استقلال اقتصادی بوسیله ایجاد موانع گمرکی وروح نظام که عظمت یك ملتی بسته بداشتن یك نظام برومند است و روح ملیت که هیچ ملتی بدون آن نمیتوانند زیست کنند عزم جهانگیری و ارادهٔ توسعه ارضی تمام اینهما جای نظریات فلسفی و صلح طلبی - تجارت آزاد طرفداری صلح دنیا - برادری و برابری بین ملل را گرفت و این عقاید درخشان را درطاقچه

های اطاقی که حقوق بشر را درآن جای داده بودند گذاشت تازینت آن اطاق را تشکیل دهد.

عقاید دراین باب هرچه هست باشد ولی باید تصدیق کرد آن طریق عاقلانهٔ که ژاپون اتخاذ نمود و تمام قوای خود را مجتمعاً بکار انداخت که اول میبایست خودرا مقتدر کندودر دریا و خشکی قوهٔ مسلح کافی داشته باشد تابمقصود خودنایل شود این رویه بهترین راهی بود که ملت و مملکت ژاپون را درانظار قادر و توانا بشمار آورد و این اولین وسیلهٔ ترقی است که برهر ملتی واجب است.

پرواضح است که هیچ مقدار ترقی درقسمت تربیت ملی و تشویق صنایع و حرف و ترقی علوم و فنون ـ تجارت وفلاحت و صنایع داخلی و تمام مؤسسات ملی که درنظر بگیریدهیچیك نمی توانست باندازهٔ برق شمشیر ملت ژاپون به سعادت وعظمت آن ملت خدمت نماید یا اینکه بحال آن مفید واقع شود اگر اسباب تأسف عدهٔ شده است ولی لازم است قدری فکرخودرا عقب تر متوجه نموده و قبل از وقوع جنك ژاپون و چین را درنظر بیاورند خواهند دید که یگانه چیزی که قدرت وعظمت ژاپون را درانظار دول مقتدر دنیا مجسم نموده و بان اهمیت داده همان قوت و قدرت تکاملی آن ملت بود که دنیای متمدن را بحدت انداخت و بوجود یك دولت مقتدری مانند خودشان در شرق اقصی آنهم درملل آسیائی قائل شدند »

درینجا یکی دو نکته اساسی است که باید قدری مورد

مطالعه واقع شود یکی اینکه تأسیس مدارس عالی در داخله مملکت و آوردن معلمین قابل و تربیت جوانها در داخله بهتر صورت خواهد گرفت از اینکه عدهٔ زیادی بدون تعیین تکلیف و رشتهٔ تحصیل بخارجه بروند در آنجا ها نیز با محیط های مختلف معلوم نیست چه از آب در بیایند بنظر من نتیجه تحصیل خوب نخواهد شد - باتأسیس یك دارالفنون حسابی با تمام معنی ممکن است سالی سیصد نفر شاگردان تحصیل کرده با معلومات کافی و در تحت نظر اولیای امورهمه سالـه ازین دارالفنون بیرون بیایند علاوه بر حفظ آداب اخلاق پسندیده شرقی اینجوانان منافع مادی آن نیز از حیث مخارج در خارجه زیاد است البته یك عده جوانان امتحان داده با استعداد باید بخارج بروند ولی با شروط معین و معلوم که یك شرط آن متخصص بودن آنجوان است که درفن بخصوص این تخصص را داشته باشد ثانیا درسن معین که کمتر از ۲۱ یا بیشتر از ۲٤ سال نداشته باشند ثالثاً مدت اقامت در خارج که تحصیل آن رشته باتمام خواهد رسید رابعاً در مملکت و محل و مدرسهٔ معین و معلـوم که میبایست دورهٔ تحصیل خود را تمام نمایـد - با داشتن این شرایط چهار گانه داو طلبان این رشته تعیین آنها باید بطور مسابقه باشد وهر کس در امتحان بهتر از سایرین بیرون آمد و امتحان داد اونامزد خواهد شد که بخارجه برای اتمام تحصیل اعزام شود .

با اینکه عده غیر محدودی از محصلین بخارجه اعزام شده اند و عده زیادی از آنها بخرج دولت رفته اند هیچیك پر گرام

صحیحی ندارند و معلوم نیست که چه بایست تحصیل کنند و در کجا تحصیل میکنند سن و سال آنها چیست و در چه درجه از درجات تحصیل هستند و کی تحصیلات آنها باتمام خواهد رسید کسانی را سراغ دارم که پنج شش سال است بخرج دولت در خارجه تحصیل میکنند و شاید پنج شش سال دیگر نیز بدین منوال عمر جوانی را بگذرانند باز ملاحظه کنید از دورهٔ مقدماتی قدم جلو تر نگذاشته اند.

یك نکته دیگر که خیلی اساسی است افکار محیط های مختلف اروپاست چون ذوق شرقی بیشتر بالفاظ است خصوصاً در آن قسمت که زیاد تر بروحیات ملل شرق نزدیك است و آنها عبارت از نظریات و عقاید صلح طلبی و آزادی تمام ملل و تأمین حیات آنهاست که بهترین نمونه آن اصول چهارده کانه مستر ویلسن امریکائی است یا افکار و عقایدی که بعد از کارل مارکس در اروپا پیدا شد و رشته های ایزم (۱) مختلف را پیدا نمود و در میان عوام بیشتر ریشه دوانید - بسیار خوب تمام این عقاید و نظریات که بنظر نگارنده فوق العاده از دایرهٔ عمل دور است که به آمال و آرزو بیشتر نزدیك سر جای خود - باید دید ایران بکدام یك از اینها نزدیك است ایران بعمل محتاج است نه آمال - ایران اگر مانند ملل اروپا در زندگانی جدید که بیش از سیصد سال است در دنیای اروپا ظهور کرده و بمرور بدایرهٔ خود میافزاید و ملت ژاپون نیز در پنجاه شصت سال

(1) ism

قبل خود را باین زندگانی آشنا نموده داخل شده بود هیچ مانعی نداشت که تمام این افکار و نظریات آمالی را هم کسب کند و با آنها بازی نماید اما درست در حال حاضر ملت ایران دقت کنید و ملاحظه نمائید این افکاروعقاید مانند یك سم مهلکی است که بیك مریض بی قوه و بنیه میخورانید نتیجه آن میدانید چه خواهد شد مرگ آنی و محو فوری وعدم صرف شدن در آن واحد.

اساساً نمیتوان ملت ایران را با یکی از ملل حاضر مترقی طرف نسبت قرار داد و گفت فلان ملت که درجهٔ سیر آن در میزان تمدن بشری بفلان مقدار رسیده و درجه تمدن ایرانی بفلان نقطه پس فرق بین این دو ملت فلان قدر است در صورتیکه چنین مقیاسی غیرممکن است بدست بیاید.

ایران هنوزداخل درهیچیك ازمراحل زندگانی مترقی نشده نزدیك شدن‌وعنوان کردن یا دنبال کردن این عقاید آمالی و نظری بکلی منافی با منافع حقیقی و مسلم ملت ایرانست

من مایلم ایرانی ازاین دایرهٔ حرف ولفاظی که گمراه کننده هر ملتی است برون بیایدوداخل دررشته هائی بشود که‌در آنها فقط عمل است.

فلان آدم را ملاحظه میکنید در بنیهٔ خوب در سن جوانی دست و پای صحیح و سالم نشسته دارد دعا نویسی‌وطلسم بندی میکند فال می بیند طالع میگیرد از زیرزمین و از هفت طبقه آسمان خبر میدهد ولی اگر این هوش و ذکاوت را بکار عملی وا دارد

نه کسی را گمراه نموده ونه عمر خود را به بطالت و تنبلی گذرانده است یك صنعتی را هم یاد گرفته که هم خود وهم طالب آن وهموطن او از آن برخوردار شده است .

حال وضع این آدم رمال ودعانویس را با اوضاع سایر ایرانیها درهر طبقه که فرض شود مقایسه کنید همه رمال همه دعانویس همه فال بین و طالع بین هستند منتهی باشکال مختلف - اگر ایرانی دارای این یك عقیده باشد که دراول هرشب که روزرا باخر رسانده است پیش خود فکر کند (۱) امروز چه کار مفید و سود مندیرا یا برای خود یا برای بستگان خود یا برای ملت ووطن خود یا دراجرای وظیفهٔ خود انجام داده‌است اگر جواب طوریست که یك خـدمتی را انجام داده بگذارد وجدان او ازاو راضی باشد واورا آسوده بگذارد وراحت بخوابد اگر چنین خدمتی را انجام نداده است خود را بسپارد بدست وجدان خود که اورا ملامت کند تنبیه نماید وسرزنش کند که تو بشر نیستی انسان وظیفه‌شناس نیستی تویکروز عمر عزیز را به بطالت وبیکاری گذراندی خجل باش شرمنده باش وخود را اصلاح کن از فردا دنبال انجام وظیفه باش وسعی کن خود را درجامعهٔ که تو عضوی از اعضاء آن هستی مفید و بافایده و

---

(۱) فرانکلن امریکائی درتاریخ حیات خود مینویسد هر شب دروقت استراحت خیال میکردم اگر خدمتی نسبت بوطن خود نجام نداده‌ام انشب خواب راحت نداشتم وتاصبح باخوددرجدال بودم

لایق قلم بدهی وذاتاً هم همینطور باشی

ایرانی اگر شده برای یکی دو نسل هم باشد از تمام این افکار وعقاید ونظریات آمالی دوری کند یگانه عقیدهٔ که میبایست دارا باشد اینستکه چگونه ملت ووطن خود را ترقی داده و سعادتمند کند و از چه راه مردم را با علوم و صنایع زودتر وبهتر و نافع تر آشنا نماید بچه‌نوع علوم و صنایع محتاج است راه تحصیل و فراگرفتن آنها چیست چگونه اسباب دفاع وحفظ وحراست وطن خودرا فراهم آورد چگونه زودتر وسریع تر بدون عجله ودست پاچگی ملت ایران را داخل در زندگانی سعادتمند نماید این یگانه عقیدهٔ است که میباید هر ایرانی داشته باشد وعمل کند ونتیجه بگیرد اگر چنین عقیدهٔ راداشت وعمل نمود گلیم خودرا ازآب بیرون کشیده است

باور کنید بشهادت تاریخ تمام جنگهای عمدهٔ دنیا را دراین سیصد سالهٔ اخیر انگلیسها سبب شده‌اند بااین‌حال همیشه دم از صلح دنیا زده و خودشانرا فرشتهٔ صلح و سلامتی کرهٔ ارض قلمداد نموده‌اند ـ عقاید درخشان کلمات وعبارات بسامعهٔ خوش‌آهنك درمحافل ومجامع اروپا بسیار است ولی تمام این ها خالی وتهی مغزند جوانان ما نباید گول ظاهری آنهارا بخورند یا شیفتهٔ معنی آنها گردند امروز ملل اروپا حال‌یکدسته گرگی را دادند که از شدت جوع دور هم حلقه زده و منتظرند کدام یك ازاینها از دایره روبرمیگرداند تا اورا گرفته پاره پاره کرده بخورند اگر راست میگویند واین حرفها حقیقت دارد میبایست

لزوماً اثرات آنها در عمل نیز ظاهر شود صحبت در اینجاست که چگونه است خود این ناصحان بهیچوجه بنصایح خودشان گوش نمیدهند وعمل نمیکنند وهرروز هم موضوعهای جدیدی برای دشمنی در میان خودشان پیدا شده بیشتر اسباب نزاع و جدال فراهم میگردد

دیروز بود که جنك بین‌المللی خاتمه یافت و در این جنك ملیونها نفوس بشری در عنفوان جوانی قربانی گردیدند ملیونها خانوادهٔ بی‌صاحب وسرپرست شدند وهزاران ضررها و خسارات گوناگون بعموم سکنهٔ روی زمین رسید با این حال اروپای امروز مسلح‌تر وحاضرتر برای جنك است تاسال ۱۹۱٤ متمدن ترین آنها قویترین آنهاست وقویترین آنها مسلح‌ترین آنهاو هر یك از این دول که آلات قتاله آن برنده‌تر ومؤثرتر است بهمان درجه نفوذ وقدرت آن زیاد تر است .

بنظر نگارنده بهترین چیزی که ایرانی باید بان علاقه داشته وآنرا بهرقدر وقیمتی که باشدباید آماده کند قوت و قدرت ملی است که باید دارا باشد وبرای ایجاد آن ازهیچ چیز فرو-گذار نکنند تا دارای یکچنین قدرت وعظمت ملی نباشد ممکن نیست بتواند منافع مادی و معنوی ملی خود را حفظ کند - محصلین جوان بااستعداد که برای تحصیل بخارج اعزام میشوند باید دارای این ایدآل باشند که وطن وملت خودرا دارای ان شوکت وعظمت وقدرت ونفوذ بکنند که شایستهٔ یك ملت زنده دل و برومند باشد وسکنه انهارا دارای یکچنین معلومات علمی

وصنعتی بنمایند که بتوانند از حیات ملی خود نگاهداری کنند و تمام اینها منوط ومربوط و بسته باستعداد ذاتی و فطری و مقدار زحماتی است که این محصلین جوان در خارج بکار برده در تحصیل و فراگرفتن معلومات نافع وعملی وسودمند درتولید ثروت درایجاد قدرت وابادی مملکت لازم خواهد بود وبس .

امروز تمام عقاید درخشان مربیان صلح بشر و تمام رشته‌های فلسفی، علماء اخلاق درثبوت برادری انسان و دوست داشتن ملل یکدیگررا و خود مجمع اتفاق ملل وهزاران رشته‌ های دیگر برای ما ایرانیها یك پول ارزش ندارد وانچه که ما محتاجیم علم وصنعت وفن وطرق تحصیل ثروت وبکار انداختن منابع عایدات ملی واستخراج معادن بدست ایرانی ایجاد قوت و قدرت ملی ــ علم اداری ــ مهارت‌مملکت داری ــعالم ــ بصیر مطلع با صنعت کردن ایرانی اینهاست که ایرانی محتاج است و باید تحصیل کند و عمل نماید باقی دیگر حرف است امل برای ما قدر و قیمتی ندارد

* * *

یك موضوع دیگر هست که میخواهم قبل از خاتمه این رساله بان اشاره کنم و آن موضوع تمدن اروپاست ــ مقصوداز این کلمه تمدن چیست ؟ چون یك کلمه بسیار فریبنده و گول زن است میخواهم غرض از معنی اصلی آنرا که چیست برای شما تشریح کنم .

ماشرقی ها چون درعالم خیال قدم میزنیم و از میدان

عمل دور هستیم تصور میکنیم کلمه تمدن عبارت ازاینست که انسان یکدیگر را دوست بدارد و هرچه خود دارد از دیگران مضایقه نکند و هرچه دوست و رفیق می طلبد درطبق اخلاص گذاشته تقدیم نماید و آنچه که درخور قدرت و امکان باشد سائل آنرا محروم نکند بعلاوه جامعهٔ که این ادعا را میکنند و خودرا متمدن میشمارد میبایست امانت ـ دیانت عفت‌وعصمت ایمان و مذهب و خدا شناسی رحم و مروت در میان آنها باعلا درجه رسیده باشد و هرکس درهر درجه و مقامی که‌درجامعه داراست تمام این صفات را باید بدرجه متناسبی دارا باشدشفقت برضعفا تفقد بر فقراء مساعدت بامحتاجان تمام این صفات‌لزوماً ارکان محکم و متین اینکلمه که عبارت از تمدن است‌میبایست باشد اینست آنچه که ماشرقیها از اینکلمه استنباط‌میکنیم ودر دایرهٔ خیال و تصور خود آنرا مجسم مینمائیم درصورتیکه چنین نیست .

درایران اغلب اتفاق افتاده که دربهای حیاط خانه ها تاصبح باز مانده و کسی داخل آن خانه نشده است روز ها که تمام باز و بدون بستن رفت و آمد میشود در اروپا و امریکا چنین نیست دقیقهٔ غفلت از بستن درب شود نه تنها اثاثیهٔ ان خانه در خطر است بلکه سکنه ان نیز در معرض خطر جانی واقعند علاوه براینکه درب باید باشد زنجیر های مخصوصی نیز پشت دربهای خانه ها نصب شده اند که ممکن نیست کسیکه پشت درب میاید انرا برای واردین باز نماید و بدون کمك‌این

زنجیر جرئت باز نمودن درب را داشته باشد باید اول ان زنجیر
را بچهار چوبه درب اتصال دهد که فقط باندازه یك وجب در
باز شود تاطرف را بشناسد کـه کیست بعد از انکه شناخت انوقت
زنجیر را ازپشت درب بردارد و اجازه بدهد تازه وارد داخل
خانه شود غیر ازاین باشد ان خانه و سکنهٔ ان درخطر دزد و
جانی واقع خواهد شد .

وقتیکه انسان در خیابان یا کوچه و بازار اروپا یاامریك
گردش میکند جرئت اینکه از کسی سؤال کند ندارد چونکـه
هم طرف سؤال از سؤال کننده وحشت دارد و هم خودسؤال
کننده در خطر است که ممکـن است آن آدم یك متقلب و
جانی و خطر ناك باشد و اسباب زحمت او را فراهم بیاورد فقط
انسان از کسیکه میتواند با اطمینان خاطر سؤال کند یا خبری
بپرسد پلیس است و بس آنهم نه پلیس هر مملکتی مثلاپلیس
شهر نیویورك مورد سوءظن سکنه است پلیس لنـدن از حیث
امانت و درستی بهـترین پلیس هاست برای پلیس های پاریس
این صفات تصدیق نشده در هر حال در این دنیای متمدن اروپا
آن امنیت شخصی و مصونیت از تعرض دزدان وراهزنان اجتماعی
که در شرق برای ما موجود است در آنجا ها نیست یك هوش
و دقت و مراقبت مخصوص میخواهد که انسان خودرا در میان این
قارهٔ متمدن حفظ کند .

انسان از مطالعه مندرجات جرايد يوميه راجع باتفاقات
جنائی وحشت میکند در آنجا ها وقایعـی رخ می دهد که در

ممالك شرقی بهیچوجه سابقه نداشته است چون فوق العاده وحشت انگیز و خطرناکست از ذکر آنها خود داری میکنم این قبیل اتفاقات جزء وقایع عادی هر پایتخت بزرك اروپا و امریکاست و مردم هیچ غریب نمی شمارند و آنرا از اثرات تمدن عصر حاضر میدانند.

اما در قسمت رعایت اصول احترام عفت چون زندکانی در آنجا ها بی اندازه سخت و مشکل شده است و عادات جاری بر این قرار گرفته که هرکس ناچار است امر معاش خود را خود اداره نماید عائله ها در نگاهداری جوانان خود پسر یا دختر تا حدی معین رعایت میکنند بعد از آن عائله ها و هم خود این پسران و دختران جوان بحکم اجبار داخل دنیا شده میبایست زندکانی خود را خود اداره نمایند در اینصورت رعایت احترام نسبت باین جوانان کمتر مورد توجه است دختران ناچارند برای کسب معیشت با مردان و پسران داخل در مبارزه حیات شوند این مبارزه سبب سلب احترام آنها میگردد

در عالم دیانت نیز تغییرات کلی روی داده امروز مذهب در اروپا و امریکا دیگر عامل مؤثر در زندکانی اروپائی و امریکائی نیست در کلیسا ها دیگر موضوعات مذهبی در بین نیست بحث در مسائل علمی ادبی اجتماعی و اقتصادی است کشیش ها تماماً صحنه عمل خود را عوض نموده اند و عظهای مذهبیرا غالباً کنار گذاشته و داخل در عالم علم وعمل شده اند.

اخیراً یك کتابی را که تازه از طبع خارج شده (۱) خواندم در آنجا میگوید امروز دو ثلث ملت (سکنـه جزایر بریطانیا) بهیچ یك از شعبات مذهب مسیح علاقه مند نیستند و رابطه ندارند از حیث دیانت نیزوقتیکه خوب دقت میکنیم دیده میشود علاقه بان در بین نیست .

ماه دوم سال ۱۹۱٤ اتفاقاً در شهر نیویورك بوده در آن ماه سرما و برف فوق العاده در ان شهر پیدا شد که چند روز خیابانها مسدود گردیـد و تمام لوله های آب خانه ها یخ کرده ده ها هزار عمله بپاك کردن خیابانها مشغول شدنـد در روزنامه خواندم که در این روز ها قریب سی هزار نفر بی - خانمان بودند و قبل از این سرما در ان شهر با عظمت که ثروت و دولت ان اسباب حیرت سکنه دنیاست در زیر اسمان بسر می بردند در صورتیکه دو ثلث اطاقهای خانـه های عریض و طویل ان شهر خالی از سکنه است .

در روزنامه خواندم که بلدیه شهر کشتی هائی را که روی رود خانه هودسن برای عبور و مرور مردم بین شهرنیویورك و نیوجرزی است قرار داده است شب ها گرم کـنند و فقراء بی خانمان را در آنها جای دهند شخصاً بتماشای یکی از آن کشتی ها رفتم مردم بدون زیر انداز و رو انداز روی تخته های

(1) a Century of stupendous Progress 1825-1925 by G.mecabe london 1926

کف کشتی خوابیده بودند (۱) مشاهده اینحالت هر بینندهٔ را برقت می آورد و منتها درجه دو طرف زندکانی بشری را در پیش نظر مجسم مینمود در یکی از آن اسباب تجمل بافراط واعلا درجه زندکانی خوش و خرم در دیگـری آن درجه پست فقر و فلاکت و ادبار بشری که گریبان گیر قسمت عمده اجتماعات بشری است

پس از بیانات فوق اینطور میشود نتیجه گرفت که تمدن ملل متمدن اروپائی به آن معنای خیالی و تصوری که ما شرقیان از آن استنباط میکنیم نیست یعنی در ازدیاد اعانت - دیانت - اخلاق - ایمان - رأفت ومهربانی دخالتی ندارد بلـکه اعتنائی هم نسبت به آنها نیست وعلاقه هم نشان نمیدهند .

پس این تمدن چیست که گوش شرقیان را کر و چشمهای آنها را خیره نموده است اگر مایل باشید من ان را برای شما شرح میدهم .

در ممالك اروپا و امریکا قبل از هرچیز و مقدم برهمه وسایل زندکانی رعایت و اطاعت و احترام قانون است که جای تمام ان محسنات اولیه وجاریهٔ قرون گذشته تاریخ بشری را گرفته است اگر بناهای مذهب سست شده و برای جلو گیری اعمال غیر مشروع انسان مؤثر نیست بجای ان قوانین مؤسسات جنائی - جزائی و حقوقی بر قرار شده که اندك حرکت خلاف نظم و

(۱) در یادداشت روز سه‌شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۱۴ من این عبارت را نوشته‌ام دیشب سرما بدرجه ۱۲ رسیده یعنی ۲۰ درجه زیر میزان یخ بندی چونکه در ۳۲ فرنهاید آب یخ میکند در روزنامه نیویورك تایمس شرح حال بی‌خانمانها را خواندم خیلی دلم سوخت اگر انسان بخواهد بداند چه اندازه باین بد بختها بد میگذرد قابل تصور نیست

ترتیب واخلاق و امانت را تعقیب ومرتکب را بدون رعایت شأن و مقام وثروت جلب و محاکمه و بمجازات میرسانند و برای این مقصود اشخاص امین ـ صدیق با ایمان عالم و بصیر معین شده اند که بدون ذرهٔ اظهار تمایل بطرفی یا رفتن تحت تأثیرنفوذ مقامی یا شخصی ولودرهردرجه ومقام باشد متخلفین را محاکمه مینمایند وحکم انها بدون امعان نظر و دخالتی بموقع اجرا گذاشته میشود

چنین اشخاصی که باین درجه و مقام رسیده اند که حکم انها نافذ و احکام آنها غیر قابل تغییر است هیچ قوه نمي تواند مقام انهارا متزلزل کند و هیچ اولوالامری نمیتواند در رأی انها دخالت نماید و هیچ صاحب نفوذی نمیتواند درانها اعمال نفوذ نماید در نتیجه یك امنیت مالی و جانی در تحت لوای مطلق یعنی قانون برقرار میشود که اطاعت حکم ان بر تمام طبقات واجب و احترام ان برهر صاحب قدرت و نفوذی لازم میاید .

متناسب باهمین مؤسسه یك مؤسسه دیگر بوجود امده که احکام صادره ازاین مقامات بدون دخالت و ملاحظه ورعایت جاه و جلال و مقام شخص محکوم بموقع اجری گذارده میشود تعلل در کار نیست اصلا فکر ان ممکن نیست پیدا شود این در و آن درزدن برای خلاصي مورد ندارد توسط عمر و زیدو بکر و خالد از گناهان غیر قابل بخشش بشمار میرود هیچکس جرئت چنین حرکتی را ندارد و احکام صادره اجرا میشودولو بغلط هم صادر شده باشد .

وقتیکه حال بدینمنوال شد امنیت مالی وجانی روی یك

چنین اساس و شالوده محکم و متین گذاشته شد دیگر کارهای جانی - خائن - سارق - دشمن عفت و عصمت - خیانت در مالیه ملت یانسبت بوطن و ملیت اختلاس دروجوه دولت افشای اسرار دولتی روابط سری با اجنبی در صورت کشف و علنی شدن ممکن نیست بدون مجازات بماند یا غافل خلاص شود هر یك بفرا خور تقصیر خود درمقابل قانون مقصر و تعیین میزان تقصیر باقاضی و بعد از صدور حکم بلا شرط و بدون تعلل و بلا مانع بموقع اجرا گذاشته میشود.

عدم وقوع جنایت درمیان ملل بهر درجه و پایهٔ تمدن رسیده باشند غیر ممکن است حتماً در میان یك ملت متمدن به تناسب بزرگی و کوچکی ان یك عده جانی - یك عده سارق مخالف عفت و عصمت یك عده راهزن و یك عده اراذل و اوباش وجود خواهند داشت هراندازه هم قوانین سخت باشند و هر اندازه تند و شدید برای جلو گیری وضع شود باز ممکن نیست از وقوع یك سلسله جنایت ها جلوگیری کرد.

فرقی که هست اینست وقتیکه یك جنایت یا خیانت واقع شود تعقیب میشود و مرتکب معلوم و گرفتار و بحکم قانون بمجازات میرسد دیگر کسی دخالت دران محاکمه یامجازات ندارد.

در صورتیکه وسایل تولید ثروت باعلی درجه رسیده و ازدیاد ان با یك سرعت غیر قابل قیاس پیش میرود بهمان درجه نیز فقر و فاقه در این ممالك روبازدیاد است - با اینکه دولت انگلیس از جنك فاتح بیرون امد و در نتیجهٔ جنك عالم سوز

بیش از سایرین استفاده مادی و معنوی نمود باز درسال ۱۹۲۵ فقر و فاقه در میان طبقه سوم و کارگر بیش از اوقات گذشته بود در ان سال از هشت نفر که یگانه وسیلهٔ امرار معاش انها دو دست است که با بکار انداختن انها میتوانند زنده بمانند یکنفر انها بدون کار بود در حالیکه در سال ۱۹۱۴ از هیجده نفر یکنفر بدون شغل بود (۱) و عده انها از یك میلیون وچهار صد هزار نفر تجاوز مینمود تمام اینها بدون شغل بودند اگر احصائیه تمام بیکاران ممالك اروپا را مطالعه کنید یقین اسباب وحشت انسان خواهد شد.

اگر از تمدن غربی انتظار رحم و مروت والطاف میرفت میبایست این فقر وفاقه نیز روبه نقصان برود درصورتیکه احصائیه چنین چیزی را نشان نمی دهد

اما ازطرف دیگر هر یك از ملل اروپائی از نوك پا تا فرق سر غرق آهن وفولاد شده برای جنك حاضر گردیده‌اند با اینکه چند سالی بیست ملیاردها لیره خرج و ملیونها جوانان با استعداد در سن شباب قربانی دادند باز بجنك حریص‌تر شده و بخونریزی بیشتر مایل هستند

اگر مقصود از تمدن مقیاس فرضی سکنهٔ شرق است

(1) Europa year Book 1926.P.140

این سالنامه از سال ۱۹۲۶ شروع شده و شماره اول آن در همان سال منتشر شده دارای احصائیهٔ جامعی است تا حال دو جلد بیرون آمده فقط اطلاعات آن راجع باروپاست.

باید این قبیل اقدامات وحشیانه روز بروز و سال بسال نقصان پیدا کنند چگونه است همه ساله برمقدار اسباب و الات قتاله افزوده میشود وسایل جنك زمین واسمان و زیر و روی دریا بیشتر و مکمل تر میشوند .

من در انقسمت های اخلاقي و مذهبی داخل نمیشوم و از احصائیه آنها سخن نمیرانم و میگذارم جوانان حساس و مال اندیش ایرانی خود این نکته مخصوص را باچشمهای دوربین خود ملاحظه کنند غرض عمده من دراینجا نمایاندن و معرفی نمودن تمدن غربی بود که بر خلاف معنی باطنی در میان ملل مشرق نسبت بانها عقیده پیدا شده تصور میکنند که در تمام اینها رعایت جنبهٔ اخلاقی نیز شده است .

بلی ظاهر امر خیلی دل‌رباست در بعضی جاها می بینید یك اعلان بزرك نصب نشده معرفی میکنند که در اینجا سگها معالجه میشوند یعنی این محل بنای مریضخانه سگهاست مشرقی از رأفت و مهربانی غربی مات و مبهوت میماند و بهر چه وهر کس که شرقي است لعن و نفرین میکنند ولی اگر شب ساعت ده یایازده بیکی از گردشگاههای عمومی برود خواهد دیدزنهای بی کس و کار یك طفل درآغوش و یکی دو طفل هم در کنار درآن هوا های سرد شب از نداشتن جا و منزل درگردش هستند و پلیس مانع ازآنست که بگذارد آنها درجائی بنشینند وقدری

استراحت کنند (۱) یا از شدت سرما نمی توانند در گوشهٔ راحت بنشینند.

درست است مریضخانه های سك وجود دارند نه برای سگهای بي صاحب بلکه برای سگهای خانمهای متمول وصاحب ثروت که برای ماندن دوشب سك آن خانمها درچنین مریضخانه اولا چند لیره باید بدهد و با کمال خنده و گشاده روئی هم میدهد و اینواقعه را هم درهر مجلس و محفلی با آب و تاب بیان میکنند و مستمعین نیز باخنده و شادی تحویل میگیرند و سك را هم نوازش میکنند اتفاقاً اگر شب وقت رفتن به تیاتر یکیدو نفر از این اطفال معصوم که بی صاحب و مونس در کوچه ها سرگردانست در زیر اتوموبیل او بماند ابدا رقت نکرده واز رفتن تیاتر هم باز نمیماند (۲)

تمدن اروپا یعنی داشتن زور ـ قدرت و توانائي یعنی دانستن وتوانستن وبعمل آوردن ثروت بوسیلهٔ صنایع و فنون و اختراعات یعنی آهن‌را بجای طلا فروختن سنك‌را بلور کردن واز بطن زمین ذخائررا بیرون آوردن وباشکال مختلف ساختن و

(۱) این مناظر را مکرر در شهر نیویورك وشهر لندن در قسمت ویکتوریا امبنك منت شخصاً مشاهده نموده ام
victoria Embankment

(۲) در سال ۱۹۱٤ در روزنامه خواندم شب یك طفل بی پرستار زیر اتوموبیل یك خانم متمولی رفت وفوراً هلاك شد با اینکه آن خانم ازمرك طفل مطلع شد باز از رفتن تاتر منصرف نگردید.

با طلا معاوضه نمودن یعنی داشتن زور و توانائی برای حمله نمودن وتصاحب کردن مملکت دیگری و بردن ثروت ملی آن و مطیع و فرمان بردار کردن سکنهٔ آن یعنی استعداد وقدرت نگاهداری ملیونها بشر درتحت اطاعت وانقیاد وحکومت کردن بانها باخون و آهن بدون دادن حق حیات و دخالت در امور متعلق بملت وحکومت آنها یعنی ستایش خداوند زور ـ شوکت وعظمت برای بقای خویش ومحو و فنای علائم و آثار آن در سایرین یعنی سیادت برسایرین بدون رعایت عدل و انصاف ـ تمدن اروپا یعنی اینها خوب است شرقی ازخواب غفلت بیدار شود وبداند دردنیا چه باید تحصیل کند و دارای چه صفات باید باشد .

اروپائی درخود تعصب ملی را باعلا درجه دارد ولی این صفت را درشرقی تقبیح میکند اروپائی سخت باصول ملیت علاقه مند و روز بروز پیوندهای آنرا محکم میکند ولی به یك طرز مخصوصی این صفت را درشرقی مذموم میشمارد ـ اروپائی بعادات و رسوم و شئون ملی خود میبرازد ولی این خصائل را در شرقی یکنوع کهنه پرستی قلم میدهد ـ حب‌وطن یکی از صفات پسندیده و قابل ستایش اروپائی است ولی این صفت را درشرق یکنوع گناه وخیانت حساب میکنند و هرکس از شرقیها دارای این صفت ممدوحه باشد ازمحو واعدام وفنای او غفلت نمیکنند وتا بمقصود نرسیده ساکت وآرام نمیشود .

ایرانی باید بداند وقتیکه باروپا یا امریکا میرود چه

چیزها وچه علمها چه صنعتها و چه معلومات برای قدرت و
عظمت وشوکت وجلال و سعادت ایران و ایرانی لازم است که
آنهارا تحصیل نماید گول تمدن ظاهریرا نخورد بالفاظ درخشان
مفتون نشود بافکار وعقاید مردمان نظری مجذوب نگردد بانچیزی
علاقه‌مند شود که اساس نظام دنیا روی آن قرار گرفته وآن علم
و دانش است وهرملتی که این جواهر نفیس و گرانبها را دارا
است قدرت وعظمت وشوکت را نیز داراست و هرکس بی بهره
است از قدرت وعظمت وشوکت نیز بی بهره است

خاتمه

جوانهای شرافتمند ایران من اینك با شما خدا حافظی
میکنم و شما را بخداوند متعال می سپارم امید وارم آن یگانه
قادر حی لا یزال که نگذاشته در عرض دو هزار و پانصد سال
رشتهٔ حیات ملی ایران گسیخته گردد باز هم در این کشمکش
دنیای حرص و آز جنك و آشوب قتل و غارت و کشتار که
تمدن امروزی دول و ملل غربی بوجود آورده است نگذارد
رشتهٔ حیات ملی آن پاره شود و چراغ عمر آن خاموش گردد
بعد از لطف خداوندی دوام و بقای نسل ایرانی بسته بوجود
های ذیقیمت شماست سعادت و نیکبختی سکنه آن مربوط بمیزان
جدیت و فدا کاری شماست انتشار علوم و صنایع بسته بمقدار
علم و دانش شماست بنا بر این آتیه درخشان ایران فقط در
سایه جدیت و فدا کاری و آن اندازه سعی و کوشش شما است

که هر قدر میزان آن زیاد تر باشد ترقی در آن بیشتر محسوس و معلوم خواهد شد .

من از روز تولد شما با شما همراه بودم برای اینکه شما ها یك جوانهای لایق و کافی زیرك و با هوش باشید برای خانواده ملت و وطن مفید وفدا کار باشید از گفتن نکات مهم برای حفظ و حراست شما بقدر فهم خود کوتاهی نکردم باندازهٔ که اطلاع داشتم از خوراك و پوشش و گردش و هوا خوری شما ها صحبت نمودم تا اینکه شما ها بسخن گفتن آغاز نمودید من باز درینجا ساکت نشدم طریق صحبت با شما را تذکر دادم و اشاره نمودم که باید با اطفال خورد سال بچه نحو سخن گفت وچگونه سؤالات آنها را جواب داد و از چه مقوله با آنها صحبت نمود تا بسن شش و هفت ساله شما با شما همراه بودم و نگذاشتم شما ها را بمجامع گریه و زاری برند راضی نشدم بواسطه دیدن این مناظر غم انگیز گرد ملال در خاطر شما نشیند اصرار داشتم شما را بدیدن مناظر خوب و قشنك فرح انگیز طبیعت ببرند که روح پاك و بی آلایش شما ها همیشه شاد و خرم باشد - طرز سلوك و رفتار با شما را بوالدین شما یاد آوری نمودم و در تمام دوره تربیت شما در خانواده من مواظب شما بودم تا اینکه نوبت تربیت مدرسهٔ شما شروع گردید باز من خود داری نکردم شما را ول نکردم در مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی در تمام اوقات با شما همراه بودم .

میدانم گرفتار چه مصائب و محن تألم انگیز بودید

میدیدم چه درسهای غیر لازم و بیموقع بشما از چه کتابهای غیر مفید اجبارا تدریس مینمودند و درچه محل های مخالف حفظ الصحه بنام مدارس شمارا جای میدادند بدست چه کسانی بنام معلم شمارا سپرده بودند بر من و برخود شما واضح و روشن بوده چه روزهای تلخی بود که بپایان رسید و دورهٔ مدرسهٔ ابتدائی خاتمه یافت من نیز باغم و اندوه باشما آنرا بپایان رسانیدم باامید اینکه شما بحد رشد و تمیز برسید و معایب را اصلاح کنید همین آرزو را هم دارم .

خوب دیدم در دورهٔ متوسطه نیز هیچ فرقی دربین نبود کتب از رشته همان کتب ابتدائي معلمین سرکرباس همان قماشهای اولیه مدارس نمونه همان مدارس منتهی و سیع‌ترطرز رفتار و گفتار و تدریس مانند سابق غالب دروس که هیچ کتاب نداشت قسمت عمده دروس مدارس متوسط و عالی‌مانند علوم پیشینیان از سینه به سینه تلقین میشد شماها ناچار بودید آنچه که معلم طوطی وار میاموزد یاد بگیرید و خودتان روی کاغذ بیاورید البته این نیز یك طرزی است من وشماها که حال بان روزهای گذشته دوره درسهای مدارس نظر میکنیم و آن اوضاع را بخاطر میاوریم تعجب ما بیشتر میگردد آیا آنهم طریق تدریس و تعلیم بود؟ البته هیچکس درین بین مقصرنیست عمل هرکس نتیجهٔ فهم و دانش اوست انطور فهمیده و دانسته شده بود همانطور نیز عمل میشد لله‌الحمد شما ها جوانهای قابل و لایق وبامعلومات امروزی مسلح شده اید و اصول‌تعلیم

و تربیت درنتیجه علم و دانش شما تغییر خواهد نمود شماها بیشتر و بهتر از پدران خود دارای معلومات هستید از آنها باید ممنون شد که بقدر عقل و دانش خود این وسایل ناقص را فراهم آوردند و هرطور بود یك ترتیب اسمی هم بان دادند و شماهارا باهمان وسایل ناقص تعلیم و تربیت نمودند روزکار نیز کمك کرد شماها باین درجه علم و دانش رسیدید ومیدانید آن نواقص چیست و رفع آن چگونه میسر میشود اینك نوبت شماهاست .

من درضمن گفتار خود اقوال بزرگترین مربیان بشررا در باب تعلیم وتربیت انسان شاهد آوردم مخصوصاً در آن قسمت که چه معلوماتی برای انسان لازم است وقدر و قیمت هریك ازآنها در زندکانی بشر چیست وانسان از تحصیل‌آنها چه‌استفاده هائی باید ببرد و چه نتایجی را از فرا گرفتن آنها باید انتظار داشته باشد .

حال من با یك شوق وذوقی باتیهٔ درخشان شماها نظر میکنم و امیدوارم آنروز بزودی برسد و نتیجهٔ اعمال و افکار شماهارا مشاهده کنم ویقین میدانم این وضع ناگوار تعلیم و تدریس را تغییر خواهید داد بجای آن یك اصول‌صحیح برقرار خواهید نمود که یك محصل ایرانی آنچه که تحصیل میکند بفهمد چه تحصیل میکند و اسباب و وسایل تحصیل او فراهم شده باشد .

در این عقیده هیچ تردید ندارم ویکی‌از حقایق مسلمه

است که تمدن امروزی نتیجهٔ مدرسه‌است تمدنی که ازراه مدرسه تحصیل نشده باشد موضوع نداود فرق بینی که بین شرقی و غربی است همین یك مسئله‌است شرقی ازمدارس علوم وصنایع وحکمت وفلسفه بیرون نیامده پس متمدن نیست غربی ازمدارس علوم وصنایع وفنون وحکمت وفلسفه بیرون آمده دراین‌صورت متمدن است واز برکت تمدن است که دارای آن قوت و قدرت وتوانائی شده است که عوامل طبیعت را مطیع و منقاد خود کرده بزمین و زمان حکمرانی میکنند تا شرق نیز دارای ایـن قدرت وقوت و توانائی نشده انسان متمدن بشمار نمیرود .

انتهی

چاپخانه خاور تهران خیابان لاله زار

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶	۸	مناسبت	مناسب
۲۶	۱۱	خستگی	خنکی
«	«	حساس	احساس
۲۹	۷	ضعیات	صفات
«	۸	اینست	است
«	۱۱	کلمه (اقا) زیاد است	
«	۲۱	مشرقی	منزقی
۳۸	۳	سیاست	عنایت
۵۲	٦	الزام	لازم
٦۲	٤	جریان	ضربان
۱۰٤	٦	بهیچ	هیچ
۱۱۱	۱٦	نسخ	سنخ
۱۱۲	۲۰	کتب	کسب
۱۲۹	۱۹	باید علمی	علمی باید
۱۳۲	۱۵	اجتماعیات	اجتماعات
۱٤٤	۷	معدوم	مقدم
۱٤۷	۱٤	(سه) زیاد است	
۱٤۸	۱۵	یمین	همین
۱٦٦	۲۰	بحدت	بحیرت
۱۸۰	۵	غافل	قاتل
۱۸۱	۱۵	بیست	نیست

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
رت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائے گا۔